



مرکز تحقیقات رایانگی

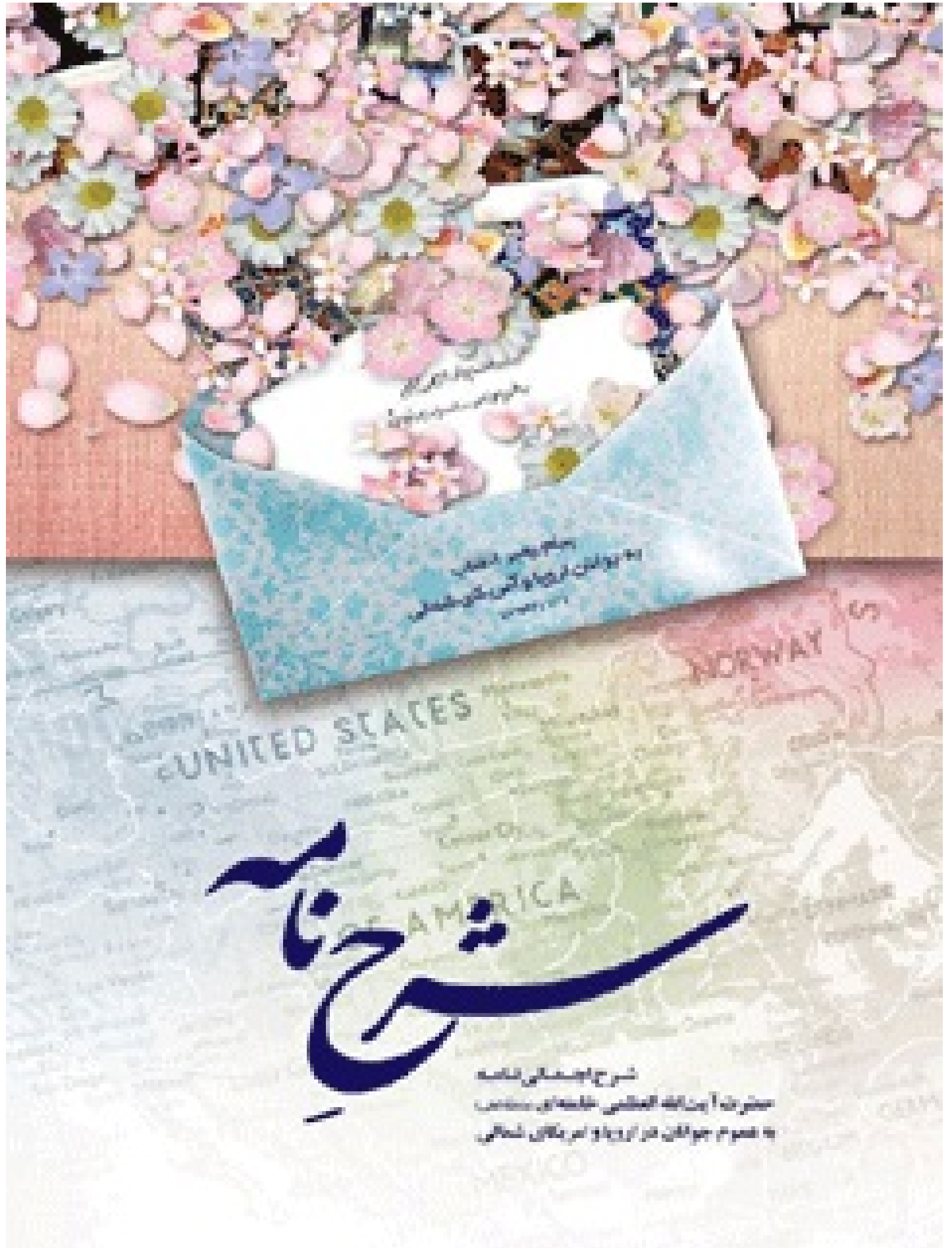
اصفهان

گامی



الرحمن  
علیه صاب

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



پستچی عزیز  
ایرانیان اروپا و آسیا خوشبختند  
۱۳۸۷

UNITED STATES

NORWAY

# شخصیت

شرح اجتماعی جامعه  
مستورده آبراهه العظمی طایفه‌های مختلف  
به خصوص جوانان در اروپا و امریکای شمالی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شرح نامه: شرح اجمالی نامه حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) به عموم جوانان در اروپا و آمریکای شمالی

نویسنده:

## آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای

ناشر چاپی:

انقلاب اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۸	شرح نامه: شرح اجمالی نامه حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) به عموم جوانان در اروپا و آمریکای شمالی
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۲	فهرست مطالب
۱۷	پیشگفتار
۱۹	متن نامه
۲۵	سایر بیانات معظّمله
۲۵	ظرفیت های جوانان:
۲۶	جوان و آینده:
۲۶	جوان و حقیقت جویی:
۲۷	نوع نگاه به غرب:
۲۷	سیاستمداران و دولتمردان غربی:
۲۹	بی عدالتی در غرب:
۲۹	تاریخ سیاسی غرب:
۳۲	اسلام هراسی:
۳۳	انگیزه های اسلام هراسی:
۳۴	مواجهه ی اسلام با سایر ادیان:
۳۴	آینده ی اسلام هراسی:
۳۵	تنفر از تروریست ها:
۳۵	جریان تکفیر، علیه اسلام:
۳۶	جریان تکفیر، نمونه ای از تروریست های تحت استخدام دولتمردان غربی:
۳۷	قرآن:
۳۸	پیامبر اسلام (ص):

۳۹	.....	اغواگری رسانه های صهیونیستی:
۳۹	.....	فرهنگ و اندیشه ی اسلامی:
۴۲	.....	ویژگی های اسلام ناب محمّدی (ص):
۴۳	.....	تمدّن و دانشمندان اسلامی:
۴۹	.....	توضیحات
۴۹	.....	(۱). مخاطب نامه:
۴۹	.....	(۲). حوادث فرانسه:
۵۰	.....	(۳). وقایع مشابه در برخی دیگر از کشورهای غربی:
۵۲	.....	(۴). نگاه تکلیف مدارانه و روزآمد:
۵۳	.....	(۵). مخاطب مستقیم با جوانان:
۵۶	.....	(۶). عملکرد غیرصادقانه و مزورانه سیاستمداران و دولتمردان غربی:
۵۹	.....	(۷). تشدید اسلام هراسی پس از فروپاشی شوروی:
۶۲	.....	(۸). هراس های گوناگونِ القاء شده به مردم غرب:
۶۲	.....	(۹). مطالعات انتقادی تاریخ:
۶۳	.....	(۱۰). برده داری:
۶۵	.....	(۱۱). استعمار:
۶۷	.....	(۱۲). ستم بر رنگین پوستان و غیرمسیحیان:
۶۸	.....	(۱۳). جنگ های خونین به نام مذهب:
۶۹	.....	(۱۴). جنگ های اوّل و دوّم جهانی:
۶۹	.....	(۱۵). تأخیر در بیداری وجدان عمومی:
۷۱	.....	(۱۶). جلوگیری از شکل گیری آگاهی عمومی:
۷۲	.....	(۱۷). اسلام به مثابه «دیگری»:
۷۴	.....	(۱۸). تصویرسازی غلط از اسلام:
۷۴	.....	اشاره -
۷۵	.....	- هتاکی مستقیم رسانه ای به اسلام و مسلمانان
۷۶	.....	- بد رفتاری و اقدامات امنیتی - پلیسی در قبال مسلمانان

- ۷۷ - توجّه به احزاب راست افراطی ضدّ اسلام
- ۷۸ - تصویب قوانین علیه مسلمانان
- ۷۸ - دلایل و پیشینه
- ۸۰ (۱۹). منافع دولتمردان غربی از اسلام هراسی: .....
- ۸۰ (۲۰). شناخت مستقیم از اسلام: .....
- ۸۲ (۲۱). پویایی و اثرگذاری اسلام در دنیای امروز: .....
- ۸۳ (۲۲). گروهک های تکفیری، ابزاری برای اسلام هراسی: .....
- ۸۶ (۲۳). قرآن: .....
- ۹۲ (۲۴). سیره ی پیامبر اعظم (ص): .....
- ۹۲ (۲۵). رسانه های صهیونیستی، ابزاری برای فریب: .....
- ۹۳ (۲۶). نقش اسلام در پیشرفت و تمدن سازی: .....
- ۱۰۰ (۲۷). چهره پردازی های سخیف و موهن از اسلام: .....
- ۱۰۱ (۲۸). پلی از اندیشه و انصاف بر روی شکاف ها: .....
- ۱۰۲ (۲۹). نقش و اهمیّت پریشگری: .....
- ۱۰۳ (۳۰). آینده ی تعامل غرب با اسلام: .....
- ۱۰۵ منابع/ منابعی برای مطالعه بیشتر: .....
- ۱۱۲ درباره مرکز

# شرح نامه: شرح اجمالی نامه حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) به عموم جوانان در اروپا و آمریکای شمالی

## مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: شرح نامه: شرح اجمالی نامه حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) به عموم جوانان در اروپا و آمریکای شمالی

مشخصات نشر: تهران: موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، انتشارات انقلاب اسلامی، نشر نسیم انقلاب، 1394.

مشخصات ظاهری: 103ص.

شابک: 60000 ریال 6-2-93134-600-978

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.

یادداشت: کتابنامه: 103-97؛ همچنین به صورت زیر نویس.

موضوع: خامنه ای، سیدعلی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 - - نامه ها

شناسه افزوده: موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای "مدظله العالی". انتشارات انقلاب اسلامی. نشر نسیم انقلاب

رده بندی کنگره: DSR1692

رده بندی دیویی: 955/0844

شماره کتابشناسی ملی: 3815476

تنظیم کننده متن دیجیتالی: میثم حیدری

ص: 1

اشاره



بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

شرح نامه

شرح اجمالی نامه

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی)

به عموم جوانان در اروپا و امریکای شمالی

نسیم انقلاب

وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی

ص: 3

نسیم انقلاب

وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی

شرح نامه

شرح اجمالی نامه

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی)

به عموم جوانان در اروپا و امریکای شمالی

\*\*\*

تحقیق و تدوین: معاونت پژوهش و آموزش

مؤسسه ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی

ناشر: نسیم انقلاب

(وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی)

شمارگان: 2000

چاپ اول: بهار 1394

60000 ریال

شابک: 978-600-93134-2-6

\*\*\*

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان دانشگاه جنوبی، کوچه ی عطارد، شماره ی 7

تلفن: 66410649-66977268 - تلفن مرکز پخش: 66410649-09195593732

پست الکترونیکی: [Info@Book-khamenei.ir](mailto:Info@Book-khamenei.ir) - سامانه ی پیام کوتاه: 1000 20 120 - <http://Book-khamenei.ir>

ص: 4

## فهرست مطالب

پیشگفتار 9

متن نامه 11

سایر بیانات معظّمه 17

ظرفیت های جوانان: 17

جوان و آینده: 18

جوان و حقیقت جویی: 18

نوع نگاه به غرب: 19

سیاستمداران و دولتمردان غربی: 19

بی عدالتی در غرب: 21

تاریخ سیاسی غرب: 21

اسلام هراسی: 24

انگیزه های اسلام هراسی: 25

مواجهه ی اسلام با سایر ادیان: 26

آینده ی اسلام هراسی: 26

تنفر از تروریست ها: 27

جریان تکفیر، علیه اسلام: 27

جریان تکفیر، نمونه ای از تروریست های تحت استخدام دولتمردان غربی: 28

قرآن: 29

پیامبر اسلام (ص): 30

ص: 5

اغواگری رسانه های صهیونیستی: 31

فرهنگ و اندیشه ی اسلامی: 31

ویژگی های اسلام ناب محمدی (ص): 34

تمدن و دانشمندان اسلامی: 35

توضیحات 41

1. مخاطب نامه: 41

2. حوادث فرانسه: 41

3. وقایع مشابه در برخی دیگر از کشورهای غربی: 42

4. نگاه تکلیف مدارانه و روزآمد: 44

5. مخاطب مستقیم با جوانان: 45

6. عملکرد غیرصادقانه و مزورانه سیاستمداران و دولتمردان غربی: 48

7. تشدید اسلام هراسی پس از فروپاشی شوروی: 51

8. هراس های گوناگون القاء شده به مردم غرب: 54

9. مطالعات انتقادی تاریخ: 54

10. برده داری: 55

11. استعمار: 57

12. ستم بر رنگین پوستان و غیر مسیحیان: 59

13. جنگ های خونین به نام مذهب: 60

14. جنگ های اول و دوم جهانی: 61

15. تأخیر در بیداری وجدان عمومی: 61

16. جلوگیری از شکل گیری آگاهی عمومی: 63

17. اسلام به مثابه «دیگری»: 64

18. تصویرسازی غلط از اسلام: 66

- هتاک مستقیم رسانه ای به اسلام و مسلمانان 67

- بد رفتاری و اقدامات امنیتی - پلیسی در قبال مسلمانان 68

- توجه به احزاب راست افراطی ضد اسلام 69

- تصویب قوانین علیه مسلمانان 70

- دلایل و پیشینه 70

19. منافع دولتمردان غربی از اسلام هراسی: 72

20. شناخت مستقیم از اسلام: 72

21. پویایی و اثرگذاری اسلام در دنیای امروز: 74

22. گروهک های تکفیری، ابزاری برای اسلام هراسی: 75

ص: 6

23. قرآن: 78

24. سیره‌ی پیامبر اعظم (ص): 84

25. رسانه‌های صهیونیستی، ابزاری برای فریب: 84

26. نقش اسلام در پیشرفت و تمدن‌سازی: 85

27. چهره‌پردازی‌های سخیف و موهن از اسلام: 92

28. پلی از اندیشه و انصاف بر روی شکاف‌ها: 93

29. نقش و اهمیت پرسشگری: 94

30. آینده‌ی تعامل غرب با اسلام: 95

منابع / منابعی برای مطالعه بیشتر: 97

ص: 7





أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا... (1)

[خداوند] از آسمان آبی فرو فرستاد

پس رودخانه‌هایی به اندازه گنجایش خودشان

روان شدند...

انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) به مثابه تجدید حیات اسلام ناب محمدی (ص) در دوران معاصر، جریان فکری و گفتمانی فطرت‌گرا و عقلانیت‌مدار در برابر گفتمان مدرن‌دنیامدار حاکم بر جهان بود. استمرار این جریان اصیل و الهی در مفهوم و جریان صدور انقلاب اسلامی به معنای انتقال تفکر ناب اسلامی در جهان معاصر، رویکردی اساسی بود که در اندیشه، گفتار و رفتار حضرت امام خمینی (ره) نمایان شد و با وجود توطئه‌های جبهه سلطه‌گر حاکم بر جهان و جریان تهاجم فرهنگی علیه انقلاب اسلامی و پس از سه دهه‌ی پرفراز و نشیب، با استقبال ملت‌ها از این گفتمان، در مسیری بالنده و رو به رشد به موج جدید بیداری اسلامی انجامید. در شرایطی که نظم کنونی جهان با پژواک این گفتمان و شکل‌گیری مقاومت ناب اسلامی در سطح جهان اسلام و فراتر از آن به چالش کشیده شده و در پیچ تاریخی سرنوشت‌سازی قرار گرفته و همچنین طراحی‌های

ص: 9

پیچیده‌ی جبهه‌ی سلطه‌گر، تمام توان خود را برای بدنام کردن اسلام و نشان دادن چهره‌ای خشن و غیرعقلانی از آن به میدان آورده است، نامه‌ی ژرف و حکیمانه‌ی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (دامت برکاته) در اوّل بهمن 1393 خطاب به عموم جوانان در اروپا و آمریکای شمالی نقطه‌ی عطفی در مقابله با این توطئه‌ها بود که می‌تواند تهدید گسترده و پیچیده‌ی اسلام ستیزی و اسلام‌هراسی را به فرصتی برای اندیشیدن و حقیقت‌یابی تبدیل نماید. اکنون مجال آن است که همه مجموعه‌های فرهنگی و فکری جبهه‌ی فرهنگی انقلاب اسلامی با استفاده از این فرصت الهی، محتوای این نامه‌ی عدالت خواهانه، آزاداندیشانه و انسانی را سرمایه‌ی معنوی و نقطه‌ی عطفی برای جهش جدّی و اثربخش فرآیند تبیین و بسط گفتمان انقلاب اسلامی در سطح جهانی قرار دهند.

هرچند این نامه‌ی کوتاه ولی عمیق و پرمحتوی، ظرفیت فکری جدید و ژرفی را برای مباحث مربوط به تعامل اسلام و غرب فراهم کرده است که برای تبیین آن به شرح مبسوط نیاز است، ولی در این مجال، این شرح اجمالی با هدف ارائه‌ی متنی آموزشی ویژه‌ی علاقمندان و پژوهشگران معارف انقلاب اسلامی و با تأکید بر استدلال‌های برون‌گفتمانی آماده شده است تا به یاری خداوند متعال بتواند با تبیین پیام‌های بلند این نامه بلیغ و نیز تشریح برخی مصادیق مرتبط با موضوعات آن، فعالین جبهه‌ی فرهنگی انقلاب اسلامی را در مسیر تحقق اهداف این نامه‌ی تاریخی یاری رساند. همچنین اشاره به برخی دیگر از بیانات معظّمه در این شرح، به منظور نشان دادن چارچوب و سابقه‌ی مفهومی و منظم اندیشه‌های نگارنده‌ی حکیم این نامه است.

بدان امید که در آینده‌ی نزدیک، شاهد انتشار نتیجه‌ی تلاش‌های پژوهشی و تحلیلی بایسته‌ی ما باشیم که در این باب آغاز شده است و خلاءهای پژوهشی کنونی بتواند با این تلاش‌ها جبران گردد. من الله التوفیق و علیه التکلان.

معاونت پژوهش و آموزش

اردیبهشت 1394

ص: 10





به عموم جوانان در اروپا و آمریکای شمالی (1)

حوادث اخیر در فرانسه (2) و وقایع مشابه در برخی دیگر از کشورهای غربی (3) مرا متقاعد کرد که درباره ی آنها مستقیماً با شما سخن بگویم (4). من شما جوانان را مخاطب خود قرار می دهم؛ نه به این علت که پدران و مادران شما را ندیده می انگارم، بلکه به این سبب که آینده ی ملت و سرزمینتان را در دستان شما می بینم و نیز حس حقیقت جویی را در قلب های شما زنده تر و هوشیارتر می یابم. (5) همچنین در این نوشته به سیاستمداران و دولتمردان شما خطاب نمی کنم، چون معتقدم که آنان آگاهانه راه سیاست را از مسیر صداقت و درستی جدا کرده اند. (6)

سخن من با شما درباره ی اسلام است و به طور خاص، درباره ی تصویر و چهره ای که از اسلام به شما ارائه می گردد. از دو دهه پیش به این سو - یعنی تقریباً پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی - تلاش های زیادی صورت گرفته است تا این دین بزرگ، در جایگاه دشمنی ترسناک نشانده شود. (7) تحریک احساس رعب و نفرت و بهره گیری از آن، متأسفانه سابقه ای طولانی

در تاریخ سیاسی غرب دارد. من در اینجا نمی‌خواهم به «هراس‌های» گوناگونی که تاکنون به ملت‌های غربی القاء شده است، (8) پردازم. شما خود با مروری کوتاه بر مطالعات انتقادی اخیر پیرامون تاریخ، (9) می‌بینید که در تاریخ‌نگاری‌های جدید، رفتارهای غیرصادقانه و مزورانه‌ی دولت‌های غربی با دیگر ملت‌ها و فرهنگ‌های جهان نکوهش شده است.

تاریخ اروپا و آمریکا از برده‌داری (10) شرمسار است، از دوره‌ی استعمار (11) سرافکننده است، از ستم بر رنگین‌پوستان و غیر مسیحیان خجل است؛ (12) محققین و مورّخین شما از خونریزی‌هایی که به نام مذهب بین کاتولیک و پروتستان (13) و یا به اسم ملت و قومیت در جنگ‌های اول و دوم جهانی (14) صورت گرفته، عمیقاً ابراز سرافکنندگی می‌کنند.

این به خودی خود جای تحسین دارد و هدف من نیز از بازگ کردن بخشی از این فهرست بلند، سرزنش تاریخ نیست، بلکه از شما می‌خواهم از روشنفکران خود پرسید چرا وجدان عمومی در غرب باید همیشه با تأخیری چند ده ساله و گاهی چند صدساله بیدار و آگاه شود؟ چرا بازنگری در وجدان جمعی، باید معطوف به گذشته‌های دور باشد نه مسائل روز؟ (15) چرا در موضوع مهمی همچون شیوه‌ی برخورد با فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، از شکل‌گیری آگاهی عمومی جلوگیری می‌شود؟ (16)

شما بخوبی می‌دانید که تحقیر و ایجاد نفرت و ترس موهوم از «دیگری»، زمینه‌ی مشترک تمام آن سودجویی‌های ستمگرانه بوده است. اکنون من می‌خواهم از خود پرسید که چرا سیاست قدیمی هراس افکنی و نفرت پراکنی، این بار با شدتی بی‌سابقه، اسلام و مسلمانان را هدف گرفته است؟ (17) چرا ساختار قدرت در جهان امروز مایل است تفکر اسلامی در حاشیه و انفعال قرار گیرد؟ مگر چه معانی و ارزش‌هایی در اسلام، مزاحم برنامه‌ی قدرت‌های بزرگ است و چه منافعی در سایه‌ی تصویرسازی غلط از اسلام، (18) تأمین می‌گردد؟ (19) پس خواسته‌ی اول من این است که درباره‌ی انگیزه‌های این سیاه‌نمایی گسترده علیه اسلام پرسش و کاوش کنید.

خواسته‌ی دَوم من این است که در واکنش به سیل پشداوری‌ها و تبلیغات منفی، سعی کنید شناختی مستقیم و بی‌واسطه از این دین به دست آورید. منطق سلیم اقتضاء می‌کند که لااقل بدانید آنچه شما را از آن می‌گریزند و می‌ترسانند، چیست و چه ماهیتی دارد. من اصرار نمی‌کنم که برداشت من یا هر تلقی دیگری از اسلام را بپذیرید (20) بلکه می‌گویم اجازه ندهید این واقعیت پویا و اثرگذار در دنیای امروز، (21) با اغراض و اهداف آلوده به شما شناسانده شود. اجازه ندهید ریاکارانه، تروریست‌های تحت استخدام خود را به عنوان نمایندگان اسلام به شما معرفی کنند. (22) اسلام را از طریق منابع اصیل و مآخذ دست‌اول آن بشناسید. با اسلام از طریق قرآن (23) و زندگی پیامبر بزرگ آن (صلی الله علیه و آله و سلم) (24) آشنا شوید. من در اینجا مایلم پرسم آیا تاکنون خود مستقیماً به قرآن مسلمانان مراجعه کرده‌اید؟ آیا تعالیم پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و آموزه‌های انسانی و اخلاقی او را مطالعه کرده‌اید؟ آیا تاکنون به جز رسانه‌ها، پیام اسلام را از منبع دیگری دریافت کرده‌اید؟ (25) آیا هرگز از خود پرسیده‌اید که همین اسلام، چگونه و بر مبنای چه ارزشهایی طی قرون متمادی، بزرگترین تمدن علمی و فکری جهان را پرورش داد و برترین دانشمندان و متفکران را تربیت کرد؟ (26)

من از شما می‌خواهم اجازه ندهید با چهره پردازی‌های موهن و سخیف، (27) بین شما و واقعیت، سد عاطفی و احساسی ایجاد کنند و امکان داوری بی‌طرفانه را از شما سلب کنند. امروز که ابزارهای ارتباطی، مرزهای جغرافیایی را شکسته است، اجازه ندهید شما را در مرزهای ساختگی و ذهنی محصور کنند. اگرچه هیچ کس به صورت فردی نمی‌تواند شکاف‌های ایجاد شده را پُر کند، اما هر یک از شما می‌تواند به قصد روشنگری خود و محیط پیرامونش، پلی از اندیشه و انصاف بر روی آن شکاف‌ها بسازد. (28) این چالش از پیش طراحی شده بین اسلام و شما جوانان، اگرچه ناگوار است اما می‌تواند پرسش‌های جدیدی را در ذهن کنجکاو و جستجوگر شما ایجاد کند. (29) تلاش در جهت یافتن پاسخ این پرسش‌ها، فرصت مغتنمی را برای

كشف حقيقت هاى نوپيش روى شما قرار مى دهد. بنابراين، اين فرصت را براى فهم صحيح و درك بدون پيشداورى از اسلام از دست ندهيد تا شايد به يمن مسئوليت پذيرى شما در قبال حقيقت، آيندگان اين برهه از تاريخ تعامل غرب با اسلام را با آزرده گى کمتر و وجدانى آسوده تر به نگارش در آورند. (30)

سيّدعلی خامنه ای

1393/11/1

ص: 16



\* جوان زنده و بانشاط و پُر امید و پاکدامن، می تواند يك تاريخ را بیمه کند. (1)

\* جوان، طبیعتش ظلم ستیزی و مقابله ی با قلدری است. جوان، طبیعتش این است که وقتی ببیند دولتی در صحنه ی بین الملل، در عرصه ی عالم وجود دارد که اساس موجودیتش عبارت است از ظلم - نظام و حکومت صهیونیستی؛ اساسش ظلم است دیگر - با آن مخالف خواهد بود. (2)

\* خطابِ علی بن ابی طالب (علیه السلام) به جوانان، يك خطاب سیاستگرانه و سیاست بازانه نیست؛ يك نگاه و خطاب حکیمانه و پدرانانه است. او نمی خواهد جوان را در راه رونق بخشیدن به بازار اقتصادی یا معرکه ی سیاسی خود استخدام کند، بلکه می خواهد جوان را در راه رشد و هدایت و صلاحی که مظهر آن خودِ علی بن ابی طالب است، هدایت فرماید. (3)

ص: 17

---

1- . خطبه های نماز جمعه ی تهران 1377/08/08

2- . در دیدار تشکّل های مختلف دانشجویی دانشگاه های تهران 1377/10/24

3- . در دیدار استادان و دانشجویان قزوین 1382/09/26

\* جوانان موتور و راه اندازنده ی حرکت های بزرگ در جامعه هستند. (1) جوانان، حقیقتاً به يك معنا موتور محرکه ی کشورند؛ هم در امروزشان که جوانند، هم در فردایشان که مردان و زنان و مدیران و کارگزاران کشور خواهند بود. (2)

\* به خاطر برخی نقاط ضعف، دشمن روی جوان برنامه ریزی می کند؛ اما نقاط قوت جوان به مراتب از نقاط ضعف او بیشتر است. (3)

### جوان و آینده:

\* جوان و نوجوان، چشمه ی جوشان نیرو و استعداد است. جوان، یعنی آینده. جوان خوب برای يك کشور، یعنی آینده ی خوب. (4)

\* جوانان عزیز من! فرزندان برومند!... خودتان را برای فرداهای بهتر و فتح میدان های بیشتر آماده کنید. آینده متعلق به شماست. (5)

\* شما جوان ها و بخصوص جوانان دانشجو، امیدهای آینده اید و در افق آینده، انسان شماها را می بیند. (6)

\* شما جوان ها خود را برای مسئولیت های سنگین تر و بزرگتر آماده کنید. (7)

### جوان و حقیقت جویی:

\* از این حوصله ی جوانی که به جوان روح کنکاش و کنجکاوی و پیگیری

ص: 18

---

1- . در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی 1368/09/21

2- . در دوّمین روز از دهه ی مبارکه ی فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان) 1377/11/13

3- . در دیدار با گروه کثیری از پاسداران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار 1376/09/13

4- . در دیدار اعضای اتّحادیه ی انجمن های اسلامی دانش آموزان 1382/06/26

5- . در دانشکده ی علوم دریایی نوشهر 1388/07/14

6- . در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه های استان کرمان 1384/02/19

7- . در دیدار مردم شاهرود 1385/08/20

و ژرف کاوی می دهد، باید حداکثر استفاده را کرد. (1)

\* حق و حقیقت، دشمن دارد؛ بیان حقیقت آسان نیست. دشمنان حقیقت؛ دنیادارانند، قدرتمندانند، طواغیت عالمنند؛ در طول تاریخ این جور بوده است. (2)

### نوع نگاه به غرب:

\* یکی از خصوصیات خوبی که اروپاییها دارند، خطرپذیری است. منشأ عمده موفقیت‌های آنها این بوده است... خصوصیت خوب دیگر آنها عبارت از پشتکار و از کار نگریختن است... بزرگترین و ماهرترین مکتشفان و دانشمندان غربی کسانی اند که سالهای متمادی با زندگیهای سخت در اتاق خود نشستند و چیزی را کشف کردند. انسان وقتی زندگی آنها را میخواند، میبیند چگونه زندگی کردند. (3)

\* مخالفت مؤمن به اسلام با تمدن غربی به خاطر پیشرفت علمی و مبارزه‌ی با خرافات و علمی کردن همهی روابط اجتماعی نیست؛ به خاطر خلأ معنویّت و فضیلت در این مجموعه‌ی دنیایی است. (4)

### سیاستمداران و دولتمردان غربی:

\* امروز بزرگترین تهدید برای جهان و منطقه، آمریکا و رژیم صهیونیستی هستند که بدون هیچ مهارت و بدون پایبندی به مبانی و موازین وجدانی و دینی در هر نقطه‌ای که لازم بدانند دخالت می کنند و کشتار به راه می اندازند. حوادث تأسّف آور یمن و حمایت آمریکا و غرب از متجاوز نمونه‌ای از رفتار

ص: 19

1- . در دیدار وزیر علوم و رؤسای دانشگاه ها 1383/10/17

2- . در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون 1388/09/22

3- . در دیدار جوانان و فرهنگیان در مصالّی رشت 1380/02/12

4- . در دیدار طلاب و اساتید مدرسه ی علمیه ی آیت الله مجتهدی 1383/03/22

\* دولت ایالات متّحده ی آمریکا و دنباله روانش، این هستند، واقعیتشان این است، حقیقتشان این است: نسبت به کشتار انسان ها و نسبت به کشتار مردم بی دفاع هیچ حسّاسیتی که ندارند هیچ، از ظالم و مرتکب جنایت دلخراش و جنایت های بزرگ - مثل آنچه امروز در غزه دارد می گذرد - دفاع و حمایت هم می کنند. (2)

\* یک قدرتی از هزاران کیلومتر راه بلند می شود می آید اینجا در منطقه ی ما، بر یک کشوری که دستش خالی است و امکاناتی ندارد، به زور سلطه ی خود را تحمیل می کند؛ آن وقت عروسی ها را تبدیل به عزا می کنند؛ هلیکوپترهاشان «مرگ» بر سر مردم می ریزند. خانه های مردم را ویران می کنند، کسی هم نمی تواند به آنها چیزی بگوید؛ عذرخواهی هم نمی کنند! (3)

\* مجموعه ی سیاستمداران غربی متأسفانه - یعنی همان مجموعه ی مؤثر که بیشتر هم تحت تأثیر صهیونیست ها هستند - شده کارشان این: گمراه کردن افکار عمومی، دروغ پردازی کردن، شعارهای دروغین ساختن. ما می خواهیم از این رؤسای کشورها؛ این قدر دروغ نگویند. این دولت های غربی، دولت آمریکا، دولت انگلیس، بعضی دیگر از دولت های اروپایی، این قدر افکار عمومی دنیا را گمراه نکنند. (4)

\* آنچه امروز در دنیا مشاهده میشود، این است که قدرتها و دولتهای مدّعی انصاف و عدالت، هیچ انصاف و عدالتی را جز در دایره ی سیاستهای تنگ و محدود و ظالمانه ی خودشان ملاحظه و مراعات نمیکنند. (5)

ص: 20

---

1- . در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران 1394/01/30

2- . در دیدار دانشجویان 1393/05/01

3- . در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی 1391/03/29

4- . در دیدار مردم به مناسبت عید غدیر 1388/09/15

5- . در دیدار نمایندگان اقلیت های مذهبی کشور در مجلس شورای اسلامی 1393/11/06

## بی عدالتی در غرب:

\* امروز در کشورهایی که دم از دموکراسی می زنند، بی عدالتی از همه جا بیشتر است. در همین کشور آمریکا، باینکه سال های متمادی می گذرد که رسماً برابری حقوقی سیاه و سفید را روی کاغذ اعلان کرده اند، هنوز که هنوز است، میان سیاهان و سفیدان تبعیض حاکم است. در بعضی از کشورهای اروپایی، تبعیض هست. مسئله ی نژادی هنوز در آن جاها مطرح است. هنوز که هنوز است، قدرتمندان این کشورها - از جمله در آمریکا - اگر در داخل ملاحظه کنند که کسی، چیزی و جماعتی، با اقتدار مطلق سرمایه داری آنها معارض هایی دارد، بی رحمانه می کوبندش!... کسانی که اهل خبر و مطبوعاتند، به یاد دارند که چند سال قبل در ایالات متحده جماعتی را زنده زنده در آتش سوزاندند! هفتاد، هشتاد مرد و زن و کودک را در آمریکا - در همان جایی که به خیال خودشان سگ ها و حیوانات حقوق دارند و اگر کسی به گربه یا سگ خود در خانه ظلم کند، ادعا می کنند که علیه اش اعلام جرم خواهد شد - در روز روشن و جلو چشم مردم دنیا در آتش سوزاندند! همین کشور، از تروریست ترین کشورها و دولت های دنیا - یعنی صهیونیست ها - صریحاً حمایت می کند. (1)

## تاریخ سیاسی غرب:

\* تاریخ را بخوانید! در جنگ های داخلی آمریکا - به جنگ های انفصال معروف است؛ جنگ بین شمال و جنوب آمریکا - جنوبی ها می خواستند جدا شوند؛ اما شمالی ها می جنگیدند و نمی گذاشتند که آنها جدا شوند؛ جنگ چهارساله که در حدود سال های 1860 تقریباً، صدوپنجاه سال پیش اتفاق افتاد - دو طرف موفقیت خودشان را در این می دانستند که بتوانند مثلاً یک کشتی جنگی یا یک توپ از فلان نوع را از انگلیس بخرند، از اقیانوس

ص: 21

اطلس عبور بدهند و برسانند به این طرف. (1)... تقریباً حدود هشتاد یا نود سال بعد از تشکیل دولت ایالات متّحده ی امریکا، دو بخش از این کشور با همدیگر جنگ کردند. يك نویسنده ی امریکایی - که ظاهراً معاصر ماست - می گوید: درباره ی این جنگ ها بیش از صد هزار عنوان کتاب نوشته شده است! برای چهار سال جنگ، آن هم جنگ بی افتخار - جنگ دو بخش از يك ملت با همدیگر افتخاری ندارد - بیش از صد هزار عنوان کتاب نوشته شده است. این را این نویسنده ی امریکایی - که نویسنده ی معتبری هم هست - می گوید. البته بعضی از این تبلیغاتچی های امریکا، این جنگ انفصال را می گویند: جنگ برای لغو برده داری؛ که این هم دروغ است، این طوری نیست. البته همان زمان آبراهام لینکلن بوده و برده داری لغو شده، اما این جنگ ها برای آن نیست. کسی تاریخ این جنگ ها را بخواند، درست می فهمد. درباره ی جنگ داخلی بی افتخار سرتاسر شکست و پُرخسارت - که بالاخره بخش شمال بر بخش جنوب که تجزیه طلب بود، پیروز شد و دوباره حکومت ایالات متّحده را برقرار کردند؛ در واقع کشور امریکا شکست خورد؛ اگر چه که يك بخش بر بخش دیگر پیروز شد؛ آن چیزی که نقل می شود، حدود ششصد، هفتصد هزار نفر در این چند سال کشته دادند. (2)

\* امروز یکی از تراژدی ترین آثار هنری، اثری است به نام «کلبه عموتام» که زندگی برده داری را در امریکا نشان می دهد که شاید قریب دو بیست سال است که این نوشته هنوز زنده است. واقعیت های امریکا این است؛ حکومت امریکا این است؛ آن مشخصه و ممیزه ای که نظام امریکایی به دنیا نشان داده، این است؛ نه آزادی انسان، نه برابری انسان. کدام برابری؟! شما هنوز هم بین سیاه و سفید برابری قائل نیستید. همین امروز هم از نظر شما رگه سرخ پوستی در يك نفر آدم در هر يك از مراحل گزینش اداری يك نقطه

ص: 22

---

1- . در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاههای استان سمنان 1385/08/18

2- . در دیدار جمعی از رزمندگان، ایثارگران و فرماندهان دوران دفاع مقدّس 1385/07/29

\* مخالفت مؤمن به اسلام با تمدن غربی به خاطر پیشرفت علمی و مبارزه با خرافات و علمی کردن همهی روابط اجتماعی نیست؛ به خاطر خلأ معنویت و فضیلت در این مجموعهی دنیایی است. البته این سرنوشت غرب بود که به این ورطه دچار شود. روحانیتی که غرب قبل از رنساس اروپا به آن دچار بود - آن کج فکریها، آن واپسگراییها، آن تعصّبهای عنادآمیز و بکلی دور از عقل و منطق - واکنشاش همین ها هم بود. وقتی با علم و پیشرفت مخالفت میکردند و انسانها را به جرایم موهوم، زنده زنده در آتش میسوزاندند - این مربوط به همین دو سه قرن پیش اروپاست؛ مال خیلی قدیم نیست - وقتی خرافات زشت بر همهی شئون فکری و معنوی اروپا و کلیسای آن روز حاکم بود، نتیجهاش میشود همین چیزی که در اروپا پیش آمد و اروپا را در این سرایشب انداخت. (2)

\* کشورهای زیادی با ملت های بسیار انبوهی در شرق و غرب عالم - در آفریقا، در آسیا - به واسطه ی دانش کشورهای غربی سرکوب شدند؛ به استعمار کشیده شدند؛ نسل های انسانی به اسارت گرفته شدند. سیاهان امروز آمریکا، فرزندان همان مستمندانی هستند که به وسیله ی استعمارگران غربی از کشورهای آفریقایی به اسارت گرفته شدند؛ از میان خانه و زندگی و مزرعه و زیستگاه خودشان این ها را مثل حیوانات صید کردند و به کار سخت گماشتند و آواره کردند. این کار در سرتاسر دنیا، در شبه قاره ی هند، در منتهی الیه آسیا، در دوران های سیاه هم اتفاق افتاد. با علم خود، با دانشی که به دست آورده بودند و موهبت الهی بود، بندگان خدا و خلق خدا را به ذلت کشیدند؛ به ستم دچار کردند؛ زندگی های آن ها را برای دوران های طولانی تباہ کردند. بعد هم از همین دانش هایی که در اختیار گرفتند با بالا

1- . در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی 1380/12/27

2- . در دیدار طلاب و اساتید مدرسه ی علمیه ی آیت الله مجتهدی 1383/03/22

رفتن از پلکان علم، بمب اتم ساخته شد؛ سلاح های شیمیایی ساخته شد؛ نسل هایی نابود شدند؛ انسان هایی به ماتم عزیزان خود نشستند؛ و دنیا آن چیزی شد که شما در جغرافیای سیاسی عالم مشاهده می کنید: تقسیم عالم به دو جناح زورگو و زورپذیر؛ ستمگر و ستم پذیر؛ آن هم با فاصله ی بسیار زیاد. (1)

### اسلام هراسی:

\* شما امروز می بینید در اروپا، در آمریکا، علیه مسلمانها چه تبلیغاتی انجام میگیرد. بحث این نیست که چرا مسلمانها آزادی لازم را در بسیاری از این کشورها ندارند؛ بحث بر سر این است که چرا امنیت جانی ندارند! یعنی حقیقتاً این جوری است. همین فیلم «تک تیرانداز» که حالا سروصدایش بلند شده و هالیوود آن را درست کرده، تشویق میکند يك جوان مثلاً فرض کنید مسیحی یا غیر مسلمان را که تا آنجایی که میتواند و از دستش برمی آید، مسلمان را اذیت بکند، اصلاً تشویق میکند این معنا را؛ آن طور که نقل کردند، ما که این فیلم را ندیدیم. این روش روش مورد پسند اسلام نیست؛ اسلام معتقد است به انصاف. (2)

\* برای آنها شیعه و سنی فرق نمی کند. هر ملّتی، هر جمعیتی، هر شخصیتی که تمسّکش به اسلام بیشتر باشد، آنها از او احساس خطر می کنند؛ حق هم دارند. واقعاً اسلام برای اهداف و مقاصد سیطره جویانه ی استکبار خطر است؛ برای ملّت های غیر مسلمان، نه؛ هیچ خطری نیست. آنها عکس این را تبلیغ می کنند. آنها با استفاده ی از هنر، با استفاده ی از تبلیغات، با استفاده ی از سیاست، با استفاده ی از رسانه ها این طور تبلیغ می کنند که اسلام علیه ملّت های دیگر است! علیه ادیان دیگر است! این طور نیست. (3)

ص: 24

1- . در بازدید از دانشگاه امام حسین (ع) 1388/01/26

2- . در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت روز ملّی مهندسی 1393/11/06

3- . در دیدار کارگزاران نظام 1386/01/17



\* فریفتگی به همان اندازه زیان بخش است که بی خبری. امروزه به طور ویژه به این بیندیشید که چرا سیاست های غربی به اسلام هراسی دامن می زند؟ و کدام عنصر پر قدرت در اسلام سیاسی به شیوه ی ایران است که قدرت مداران آز مند و متعدّی و مستکبر را به همه گونه رویارویی با آن بر می انگیزد؟(1)

\* امروز یکی از کارهای اساسی و مهمی که در شرکت های هنری معروف دنیا مورد استفاده قرار می گیرد عبارت است از ترساندن مردم از اسلام. چرا؟ اگر اسلام منافع جهان خواران را تهدید نکرده بود، در مقابل آن، این واکنش ها نشان داده نمی شد. اینکه می بینید گروه هایی را به نام اسلام و به نام حکومت اسلامی می سازند، می تراشند، مسلّح می کنند، پشتیبانی می کنند، به جان انسان ها می اندازند و کشورها را به وسیله ی آنها ناامن می کنند، این نشان دهنده ی نفوذ پیام اسلام است. از اسلام حقیقی می ترسند.(2)

\* اسلام هراسی وجود دارد؛ عدّه ای دارند مردم را، جوامع را، جوانان را، اذهان را از اسلام می ترسانند؛ اینها چه کسانی هستند؟ درست که مسئله را می شکافیم و در مسئله دقّت می کنیم، می بینیم که اینها همان اقلّیت قلدر و زیاده خواهی هستند که از حاکمیت اسلام می ترسند؛ از اسلام سیاسی می ترسند؛ از حضور اسلام در متن زندگی جوامع می ترسند؛ علّت ترسشان هم این است که منافع آنها لطمه خواهد خورد. اسلام هراسی در واقع ترجمه ی هراس و سراسیمگی قدرت ها در مقابل اسلام است؛ واقع قضیه این است. یعنی شما اینجا زحمت کشیدید، ملّت ایران تلاش کردند، زحمت کشیدند، مجاهدت کردند، نظام اسلامی را سرّ کار آوردند و این نظام

ص: 25

---

1- . پیام به نشست اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان در اروپا 1393/11/03

2- . بیانات در هشتمین مراسم دانش آموختگی دانشجویان دانشگاه های افسری ارتش 1393/08/26

اسلامی را تثبیت کردند، پایه اش را محکم کردند، آن را در مقابل حوادث گوناگون مصونیت و ایمنی دادند و روزه روز قوی کردند؛ این، قلدرهای دنیا را می ترساند. اسلام هراسی ای که امروز وجود دارد، در واقع انعکاس و بازتاب دغدغه ی آنها است، سراسیمگی آنها است؛ نشان می دهد که شما پیش رفتید؛ نشان می دهد که اسلام توانسته است حرکت خود را به طور موفق تا اینجا پیش ببرد. (1)

### مواجهه ی اسلام با سایر ادیان:

\* اسلام علیه ادیان دیگر نیست. اسلام همان دینی است که وقتی بر مناطق غیر مسلمان مسلط شد، اصحاب ادیان از رحمت اسلام شکرگزاری کردند و گفتند شما بر ما از حکام قبلی خودمان مهربان تر هستید. در همین منطقه ی شامات، وقتی فاتحان اسلامی وارد شدند، یهودیان و مسیحی هایی که در منطقه بودند، به آنها گفتند شما مسلمان ها بر ما مهربانید. آنها با مردم مهربانی کردند. اسلام دین رأفت است، دین رحمت است؛ رحمةً للعالمین است. اسلام به مسیحیت می گوید: «تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ» (2)؛ «ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است» - مشترکات را با آنها مورد ملاحظه قرار می دهد. (3)

### آینده ی اسلام هراسی:

\* این حرکت آنها علیه اسلام و تلاش آنها برای اسلام هراسی، نتیجه ی عکس خواهد داد؛ به این معنا که اسلام را در کانون پرسش جوان ها قرار می دهد؛ یعنی اگر به مردم معمولی دنیا يك تلنگری زده شود، يك توجهی به آنها داده شود، اینها ناگهان به فکر می افتند که علت اینکه این قدر اسلام

ص: 26

1- . در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 1393/12/21

2- . سوره ی آل عمران، آیه ی 64

3- . در دیدار کارگزاران نظام 1386/01/17

در این مطبوعات صهیونیستی، در این شبکه های تلویزیونی وابسته ی به محافل قدرتمند و دارای زر و زور مورد تهاجم قرار می گیرد چیست؟ این خود زمینه ی يك پرسش است و این پرسش به نظر ما برکاتی دارد و می تواند این تهدید را تبدیل به فرصت کند. (1)

### تنفر از تروریست ها:

\* ما از کسانی که به غیرنظامیان و زنان و کودکان حمله می کنند متنفر و بیزاریم و معتقدیم آنها از اسلام و وجدان انسانی بی خبرند. (2)

\* هرکس که در گوشه ای از دنیا؛ در شهری، در روستایی، در خیابانی، در هر جایی بمب گذاری کند و مردم بی پناه، مردم بی گناه، زن و مرد و غیر نظامیان را از بین ببرد، تروریست است. ما از چنین کسانی هرگز حمایت نکرده ایم و نمی کنیم. (3)

### جریان تکفیر، علیه اسلام:

\* جریان تکفیر چهره ی اسلام را در دنیا مخدوش کرد، زشت کرد. همه ی دنیا در تلویزیون ها دیدند که کسی را می نشانند و با شمشیر گردن می زنند، بدون اینکه جرمی برای او معین شده باشد. لَا يَنْهَأَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ. إِنَّمَا يَنْهَأَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ (4) ؛ ترجمه: «خدا شما را از کسانی که در [کار] دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده اند، باز نمی دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید، زیرا خدا دادگران را دوست می دارد. فقط خدا شما را از دوستی با کسانی باز

ص: 27

1- . در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 1393/12/21

2- . در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران 1394/01/30

3- . در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، به مناسبت عید سعید فطر 1372/01/04

4- . سوره ی ممتحنه، آیه ی 8 و بخشی از آیه ی 9

می دارد که در [کار] دین با شما جنگ کرده و شما را از خانه هایتان بیرون رانده و در بیرون راندنتان با یکدیگر هم پستی کرده اند...» - اینها درست بعکس عمل کردند؛ مسلمان را کشتند، غیر مسلمان غیر متعرض را زیر شمشیر نشانند، تصویر آن در همه ی دنیا پخش شد، همه ی دنیا این را دیدند. همه ی دنیا دیدند که يك نفری به نام اسلام دست کرد از سینه ی يك آدم کشته شده، دل او را بیرون آورد و به دندان کشید! این را دنیا دید. اینها به نام اسلام تمام شد؛ اسلام رحمت، اسلام تعقل، اسلام منطق، اسلام «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ»، این اسلام را اینها این جور معرّفی کردند؛ از این جنایتی بالاتر؟ از این فتنه ای خبیث تر؟ این مال جریان تکفیر است. (1)

### جریان تکفیر، نمونه ای از تروریست های تحت استخدام دولتمردان غربی:

\* جریان «تکفیر» - این چیزی که امروز در عراق و در سوریه و در برخی از کشورهای دیگر منطقه بروز کرده و در واقع با همه ی مسلمان ها مواجه اند، نه فقط با شیعه - ساخته ی دست خود استعمارگران است؛ اینها چیزی به نام القاعده، چیزی به نام داعش درست کردند برای مقابله ی با جمهوری اسلامی، برای مقابله ی با حرکت بیداری اسلامی، منتها دامن خودشان را گرفته است؛ امروز دامن خود آنها را گرفته است. البته امروز هم با يك نظر دقیق تحلیلی وقتی انسان نگاه می کند، می بیند که تلاشی که امروز آمریکا و هم پیمانان آمریکا در آنچه «مواجهه ی با داعش» اسم گذاشته اند - که واقعیّتی ندارد - در اینجا دارند به خرج می دهند، بیش از آنچه تلاش برای نابودکردن نطفه ی این حرکت خبیث باشد، تلاش برای جهت دادن دشمنی های مسلمانان میان یکدیگر است. سعی می کنند مسلمان ها را به جان هم بیندازند؛ عامل آن را امروز این گروه جاهل و متعصّب و متحجّر

ص: 28

و وابسته قرار داده اند و إلا هدف همان هدف است؛ سعی آنها این است که مسلمانان را از دشمن اصلی منصرف کنند. (1)

\* به ما اطلاع دادند که هواپیماهای ترابری آمریکا، مهماتی را که این گروه موسوم به داعش احتیاج داشتند، در مراکزی که داعش در عراق مستقر بود، از آسمان پرتاب کردند و برای آنها کمک رساندند. گفتیم لابد این کار، اشتباهی بوده؛ بعد تکرار شد؛ آن طور که به من اطلاع دادند پنج مرتبه این اتفاق افتاده است! پنج مرتبه اشتباه می کنند؟ آن وقت بظاهر ائتلاف ضدّ داعش درست کرده اند! که دروغ محض است؛ این ائتلاف، دنبال اهداف خبیث دیگری است، می خواهند این فتنه را زنده نگه دارند؛ دو طرف را به جان هم بیندازند، جنگ خانگی بین مسلمانان را همین طور استمرار بدهند تا این (جنگ) بماند؛ هدف آنها این است؛ البتّه نخواهند توانست، این را بدانید. (2)

## قرآن:

\* جوان های عزیز، بدانید در قرآن، حکمت، نور و شفا هست. (3)

\* در استنباط و فهم اصول اسلامی، مدارك و متون اسلامی دین، اصل و منبع باشد، نه سلیقه ها و نظرهای شخصی یا اندوخته های ذهن و فکر این و آن... تا حاصل کاوش و تحقیق، به راستی «اسلامی» باشد و نه هرچیز جز آن. برای برآمدن این منظور، قرآن کامل ترین و موثّق ترین سندی است که می توان به آن متکی شد که: «باطل را از هیچ سوی بدان راه نیست» و «در آن، مایه ی روشنگری هرچیز هست» و البتّه در پرتو تدبیری ژرف پیمای خود، ما را به آن فرمان داده است. (4)

ص: 29

1- . در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید غدیر 1393/07/21

2- . در دیدار شرکت کنندگان در «کنگره ی جهانی جریانهای افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام» 1393/09/04

3- . در دیدار قاریان قرآن کریم 1384/07/14

4- . 1353/08/03

\* مشکلات هر جامعه ای با قرآن حل خواهد شد. با معارف قرآنی، مشکلات حل می شود. قرآن راه حل معضلات زندگی بشر را به فرزندان آدم هدیه می کند؛ این وعده ی قرآنی است و تجربه ی دوران اسلام هم این را نشان داده. (1)

\* اگر جوان مسلمان با قرآن انس پیدا کند و فرصت تدبّر در قرآن را به خود بدهد، بسیاری از شبهات دشمنان بی اثر خواهد شد. (2)

### پیامبر اسلام (ص):

\* پیامبر اسلام رفتارش با مردم، رفتار خوش بود. در جمع مردم، همیشه بشّاش بود. تنها که می شد، آن وقت غم ها و حزنها و همومی که داشت، آنجا ظاهر می شد. هموم و غم های خودش را در چهره ی خودش جلو مردم آشکار نمی کرد. بشّاش بود. به همه سلام می کرد. اگر کسی او را آزرد می کرد، در چهره اش آزرده گی دیده می شد؛ اما زبان به شکوه باز نمی کرد. اجازه نمی داد در حضور او به کسی دشنام دهند و از کسی بدگویی کنند. خود او هم به هیچ کس دشنام نمی داد و از کسی بدگویی نمی کرد. کودکان را مورد ملامت قرار می داد؛ با زنان مهربانی می کرد؛ با ضعفا کمال خوش رفتاری را داشت. (3)

\* این زندگی نبیّ مکرّم است، آن دوران کودکی اش است، آن دوران جوانی اش است، قبل از بعثت. امانت او به جوری است که همه ی قریش و همه ی عربی که او را می شناختند، به او لقب «امین» دادند. انصاف او نسبت به افراد و نگاه عادلانه ی او نسبت به افراد جوری است که وقتی می خواهند حجرالاسود را به جای خود نصب کنند، و طوائف عرب، قبائل عرب با هم مناقشه دارند، نزاع دارند، او را به عنوان حکم قرار می دهند؛ در حالی که يك جوانی است. این نشان دهنده ی نگاه منصفانه ی او به همه است که

ص: 30

---

1- . محفل انس با قرآن 1391/04/31

2- . در دیدار جمعی از حافظان و قاریان قرآن نونهل و نوجوان کشور 1380/06/28

3- . خطبه های نماز جمعه ی تهران 1379/02/23

همه این را می دانستند. او را صادق می دانستند، او را امین می دانستند. این دوران جوانی اش است. بعد هم دوران بعثت؛ آن از خودگذشتگی، آن مجاهدت، آن ایستادگی. همه ی بشر آن روز که با او مواجه بودند و در مقابل او بودند، نقطه ی مقابل او حرکت می کردند و ضدیت با او می کردند. این همه فشار، این سیزده سال مکه، چه سال های سختی بود؛ پیغمبر ایستاد و ایستادن او مسلمان های مقاوم و مستحکمی به وجود آورد که هیچ فشاری روی آنها اثر نمی کرد. اینها درس است برای ما. بعد هم جامعه ی مدنی را تشکیل داد، ده سال بیشتر هم حکومت نکرد. اما پی ریزی یك بنایی را کرد که در طول قرنهای متمادی، قلّه ی بشریت در علم، در تمدن، در پیشرفت معنوی، در پیشرفت اخلاقی، در ثروت، همین جامعه بود؛ جامعه ای که پیغمبر طراحی کرده بود و او پی ریزی کرده بود. (1)

### **اغواگری رسانه های صهیونیستی:**

\* خودجوانان باید اول کسانی باشند که در مقابل اغواگریها و شرّآفرینی های دشمن؛ در مقابل تبلیغات هوس انگیز دشمن که گمراه کننده ی جوانان است، مقاومت کنند. (2)

\* امروز تقریباً همه ی رسانه های تبلیغاتی مهم دنیا در انحصار دستگاه های زرسالار قدرتمندی است که بر بسیاری از حکومت ها تسلط دارند. بسیاری از آنها صهیونیست و یا از هم پیمان های صهیونیست هایند. (3)

### **فرهنگ و اندیشه ی اسلامی:**

\* ما از اسلام آموخته ایم که باید با پیروان ادیان دیگر با انصاف و عدالت

ص: 31

---

1- . در سالروز میلاد نبی اکرم (ص) 1390/11/21

2- . در اجتماع بزرگ فرماندهان «نیروی مقاومت بسیج» سراسر کشور در دومین روز از «هفته ی بسیج» 1372/08/30

3- . خطبه های نماز جمعه ی تهران 1379/12/26

برخورد کرد؛ این حکم اسلام به ما است امیرالمؤمنین (علیه الصلوة والسلام) در آن قضیه ی حمله ی به [شهر انبار] می فرماید: بَلَّغْنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ لَيَدْخُلُ الْمَرْأَةَ الْمُسْلِمَةَ وَالْأُخْرَى الْمُعَاهِدَةَ (1)؛ من شنیده ام این افرادی که حمله کردند به این شهر، وارد خانه ی زن مسلمان و زن غیر مسلمان معاهده - یعنی یهود و نصاری که پیمان دارند و در زیر سایه ی حکومت اسلامی زندگی میکنند - می شوند و «يَأْخُذُ حِجْلَهَا» و اذیت می کنند اینها را، آزار می کنند، ظلم می کنند. بعد حضرت می فرمایند که اگر مسلمان از این غم بمیرد، مورد ملامت نیست! ملاحظه می کنید، این امیرالمؤمنین [است]. اگر مسلمان از غصه ی این بمیرد که سپاهیان دشمن و غارتگران، وارد خانه ی يك زن غیر مسلمان شدند و او را مورد آزار و اذیت قرار دادند و دستبند او را و حِجْل او را گرفتند، ملامت نباید بشود؛ ملامت نمی شود. نظر اسلام این است. (2)

\* از نبی مکرم اسلام، حضرت پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است: «ما قسم الله للعباد شيئاً افضل من العقل» (3)؛ خداوند متعال میان بندگان خود هیچ چیزی را با ارزشتر از خردمندی تقسیم نکرده است. خدا ارزاق را بین بندگان خود تقسیم کرد؛ هوا، آب، عمر و لذت ها را. «ما بنا من نعمته فمن الله» (4)؛ همه مال خداست. در میان این همه نعمت گوناگون و رنگارنگ، به شهادت نبی اسلام میان بندگان هیچ نعمتی به ارزش خردمندی تقسیم نشده است... در آخر می فرمایند: «ولا بعث الله رسولاً ولا نبياً حتى يستكمل العقل» (5)؛ خدای متعال هیچ پیغمبری را در طول تاریخ به میان مردم نفرستاد، مگر بدین هدف و مقصود که خرد را در میان مردم کامل کند. در خطبه ی نهج البلاغه هم هست

ص: 32

- 
- 1- . نهج البلاغه (صبحی صالح)، خطبه ی 27، ص 69
  - 2- . در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت روز ملی مهندسی 1393/11/06
  - 3- . الکافی (ط - الاسلامیه)، کلینی، ج 1، ص 12؛ المحاسن، برفی، ج 1، ص 193؛ مشکاة الانوار، طبرسی، ص 251؛ بحار الانوار (ط - بیروت)، علامه مجلسی، ج 1، ص 91.
  - 4- . بحار الانوار، ج 49، ص 269؛ مصباح الکفعمی، ص 236.
  - 5- . الکافی، ج 1، ص 13؛ محاسن، ج 1، ص 193؛ مشکاة الانوار، ص 251؛ بحار الانوار، ج 1، صص 91، 92.



که خدای متعال پیغمبر را فرستاد «ویشروا لهم دفائن العقول» (1): تا گنجینه های خرد را در میان انسان ها برشورانند؛ برانگیزانند. این خرد برای چیست؟ این خرد برای پیدا کردن راه زندگی است. باید فکر کرد؛ باید با تحلیل و سنجش راه زندگی را پیدا کرد. (2)

\* اسلام آمد و خورشید معرفت اسلامی بر دلها و ذهنها تابید و با وجود جهالت عالم و نامساعد بودن اوضاع و احوال، این کاروان رشد و ترقی انسانی با سرعت پیش رفت. نیم قرن از دوران بعثت نگذشته بود که بیش از نیمی از دنیای آباد عالم، در حیطه ی تصرف اسلام قرار گرفت. این چیز کمی نیست. هر جا اسلام رفت، توده های مردم از آن استقبال کردند و قدرتهای پوشالی مانع و مزاحم، به آسانی کنار گذاشته شدند. این چه عاملی بود که توانست اینطور اقتدار اسلام را پیش ببرد و بعد هم تمدن اسلامی را پایه گذاری کند که این تمدن اسلامی، حتی در دوران انحطاط قدرت سیاسی اسلام هم در اوج تالو و اقتدار باقی ماند؛ فرهنگ دنیا را تحت تأثیر قرار داد؛ علم را گسترش داد و فرهنگ اسلامی را رایج کرد؟ (3)

\* امروز بشریت به دو جریان ناشی از بعثت نیاز تام دارد: یکی برانگیخته شدن فکر و اندیشه است، و یکی تهذیب اخلاق. اگر این دو تأمین شد، خواسته های دیرین بشریت تأمین خواهد شد؛ عدالت تأمین خواهد شد، سعادت تأمین خواهد شد، رفاه دنیا تأمین خواهد شد. مشکل اساسی در این دو بخش است... ما آحاد بشر، برای اندیشیدن، استعداد عظیمی در خود نهفته داریم. وقتی فکر نمی کنیم، وقتی مطالعه نمی کنیم، وقتی در آیات الهی تدبّر نمی کنیم، وقتی در تاریخ خود، در گذشته ی خود، در قضایای گوناگونی که برای بشریت پیش آمده است، در گرفتاری های گذشته، در عوامل پیروزی بزرگ برای ملتها، تدبّر نمی کنیم، از آن گنجینه ی

ص: 33

1- . نهج البلاغه، خطبه 1 ف ص 43.

2- . در دیدار استادان و دانشجویان قزوین 1382/09/26

3- . 1378/08/15

معنوی که خدا در ما قرار داده است، محروم می مانیم؛ «ویدگروههم منسی نعمته... ویشیروا لهم دفائن العقول». امروز بشر به این دو، احتیاج دارد. (1)

\* تعامل فرهنگی مثل این است که شما بر سر بساط میوه یا غذا و سبزی فروشی می روید و آنچه را که میلتان می کشد، چشم شما و کامتان می پسندد و با مزاجتان مساعد است، انتخاب می کنید و می خورید. در عالم فرهنگ هم همین است که آنچه دیدید و پسندیدید و مناسب خود دانستید و در آن ایرادی مشاهده نکردید، از مجموعه و ملت دیگر می گیرید؛ هیچ اشکالی هم ندارد. «اطلبوا العلم ولو بالصین» (2)؛ این را هزار و چهارصد سال پیش به ما یاد دادند. (3)

### ویژگی های اسلام ناب محمدی (ص):

\* باید تلاشمان این باشد که اسلام ناب را مطرح کنیم، اسلام طرف دار مظلوم و ضدّ ظالم را در دنیا مطرح کنیم. همان جوانی که در اروپا است، یا در آمریکا است، یا در مناطق خیلی دوردست است، از این خصوصیت مبتهج میشود، به هیجان می آید که معلوم بشود اسلام عبارت است از نیرویی، انگیزه ای، فکری که علیه ظالمین و ستمگران و به نفع مظلومین حرکت میکند، برنامه دارد و این را وظیفه ی خودش میداند. اسلام طرف دار عقلانیت، اسلام فلسفه های عمیق، اسلام تفکر، اسلامی که در قرآن این همه به عقل و فکر و لبّ (عقل و فکر) و مانند اینها اهمیت داده شده را معرفی کنیم؛ اسلام طرف دار عقلانیت و ضدّ قشری گری، ضدّ تحجّر، ضدّ اسیر اوهام و تخیلات خود شدن - که کسانی به نام اسلام این چیزها را دارند - اسلام ناب را نشان بدهیم، بگوییم اسلام، این است؛ اسلام متعهد در

ص: 34

---

1- . در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی 1391/03/29

2- . حدیثی از پیامبر اسلام (ص): علم را بیاموزید، حتی اگر در چین (مکانی دور دست و غیرمسلمان) باشد. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 27، ص 27

3- . در دیدار استادان و دانشجویان قزوین 1382/09/26

برابر لابیالی گری. بله، امروز دستگاه های فراوانی جوانها را به بی مبالاتی، به لابیالی گری، به لاقیدی در امور گوناگون سوق می دهند. خب، اسلامی که انسان را متعهد دانسته، او را متعهد می خواهد و می طلبد؛ اسلام حاضر در متن زندگی، در برابر اسلام سکولار! اسلام سکولار شبیه مسیحیت سکولار است که می رود در گوشه ی کلیسا، خودش را زندانی می کند و در محیط واقعی زندگی هیچ حضوری ندارد؛ اسلام سکولار هم همین جور است؛ کسانی هستند امروز دعوت می کنند به اسلام منزوی؛ اسلامی که هیچ کاری به کار زندگی مردم ندارد؛ مردم را به يك عبادتی، به يك چیزی گوشه ی مسجد یا گوشه ی خانه ها فرامی خواند. اسلام وارد در متن زندگی را معرفی کنیم؛ اسلام رحمت به ضعفا؛ اسلام جهاد و مبارزه ی با مستکبران. (1)

\* ایشان [علی بن ابی طالب (علیه السلام)] این دو جمله را خطاب به جوانان فرمود: «یا معشر الفتیان حصنوا اعراضکم بالادب و دینکم بالعلم» (2)؛ شرف و حیثیت انسانی خود را با ادب، و دین خود را با دانش حفظ کنید. خیلی حرف مهمی است. دانش، دین را حفظ می کند؛ این منطق اسلام است. حال بگذار یاوه گویای معاند با اسلام دائماً درباره ی این که اسلام با علم کنار نمی آید، حرف بزنند. (3)

### تمدن و دانشمندان اسلامی:

\* شما قرن چهارم هجری را نگاه کنید. کتاب «تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری»، نوشته ی «آدام متز»، نشان می دهد که تمام محیط اسلامی، اصلاً بازار علم دنیاست، و آن نقطه ی اصلیش هم ایران است؛ یعنی همین اصفهان و ری و فارس و خراسان و هرات و مرو و... این شهرها مرکز و قله ی علم دنیا بوده است. (4)

ص: 35

- 1- . در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 1393/12/21
- 2- . تاریخ یعقوبی: ج 2 ص 210؛ نهج السعاده: ج 7 ص 266
- 3- . در دیدار استادان و دانشجویان قزوین 1382/09/26
- 4- . در دیدار با اعضای «گروه دانش» صدای جمهوری اسلامی ایران 1370/11/15

\* پیغمبر در همین 10 سال، کاری کرد که دیگر بشریت تا ابد محتاج یک رسالت جدید و یک نبوت جدید نباشد. چه کار کرد پیغمبر؟ یک دین کامل که مشتمل بر تمام خطوط اساسی زندگی به مردم عرضه کرد و در زندگی خودش پیاده کرد با یک پشتوانه، کدام پشتوانه؟ پشتوانه ی عقل و علم، اگر عقل و علم در اسلام اینقدر به کار گرفته نشده بود در بطن درک دینی و شعور دینی و در بطن احکام دینی شاید بشریت نمی توانست با آن احکام مدّت طولانی ای را زندگی کند. به عقل و به علم و به درک عاقلانه ی انسان های صاحب عقل، از اصول دینی و از معارف اسلامی بهاء داد پیغمبر، البته اینی که می گوئیم پیغمبر کرد، یعنی خدا کرد، یعنی وحی الهی این درک را و این راه را در مقابل پیغمبر گذاشت و این درس را به پیغمبر داد، اهمّیت دادن به دانش موجب شد که مسلمان ها دانش را یک فریضه بدانند و دنبال دانش به عنوان یک فریضه ی دینی بروند و این تضمین کننده ی رشد علمی در دنیا شد، این را شنیدید اما نمی دانم چه قدر رویش شما جوان ها کار کردید و مطالعه کردید که قرنها بعد از ظهور اسلام تنها پرچمدار دانش در دنیا مسلمانها بودند یعنی تا پانصدسال پیش، ششصدسال پیش در همین اروپایی که امروز مادر دانش در دنیا به حساب می آید و مشعل دانش در دست اروپایی هاست در همین اروپا علم محدود بود به نسخه های خطّی ترجمه شده یا از عربی و نوشته های مسلمانان به این اکثریت بود و یا از بعضی از نوشته های قدیمی یونانیان مثل ارسطو و غیره که البته آن قدیمی ها خیلی قدیمی بود، بیشتر فلسفه بود تا علم و علم مال مسلمانها بود، کتاب خوارزمی و کتاب ابن سینا و کتاب رازی و کتب دانشمندان بزرگ مسلمان بود که در اروپا مثل یک جواهر نفیسی است دست بعضی از کسانی که قدرت فکر و درک علمی داشتند دست به دست می گشت و از آنها استفاده می کردند و کسانی که می خواستند بیشتر بیاموزند به دانشگاه های اسلامی مراجعه می کردند، مشعل علم دست مسلمانها بود تا قرنهای متمادی، یعنی تا 8 قرن، 9 قرن بعد از ظهور اسلام، این کاری بود که پایه ی او را پیغمبر در همان

10 سال گذاشت، در این 10 سال رسول اسلام کاری کرد که نور اسلام توانست در طول نیم قرن به دورترین نقاط آباد جهان بتابد، در همین 10 سال پیغمبر کاری کرد که پایه ی امپراطوری های بزرگ دنیای آن روز که قبلاً گفتم لرزید و فرو ریخت، مصر با آن عظمت، ایران با آن عظمت، امپراطوری سرزمین، امپراطوری رم با آن عظمت همه اش یا اکثرش در دست مسلمین قرار گرفت، اینها همه اش کارهای آن 10 سال پیغمبر بود کاری که در این 10 سال رسول خدا کرده واقعا معجزه است، یعنی از هیچ کسی، از هیچ نظامی، از هیچ ملتی انتظار نمی رود و تصور نمی شود که بتواند در طول 10 سال این همه سازندگی تاریخی و ماندگار برای بشریت انجام بدهد. (1)

\* ترجمه ی کتاب قانون ابن سینا يك کار پیچیده و مرگب و بسیار ارزشمند است. هزار سال این کتاب که به زبان عربی به وسیله ی يك ایرانی نوشته شده و در طول قرن ها در دانشگاه های بزرگ پزشکی عالم مورد استفاده قرار گرفته، به فارسی ترجمه نشده بود. من اطلاع داشتم که تا اندکی قبل، مثلاً شاید تا صد سال قبل، در مدارس پزشکی کشورهای اروپایی، قانون به عنوان يك مرجع مطرح بوده و به زبان های اروپایی ترجمه شده بوده؛ اما فارسی زبان از دانستن قانون محروم بود! در سال های اواسط ریاست جمهوری به این نکته توجه کردم که ما چرا قانون را ترجمه نکردیم. (2)

\* بعضی به غلط خیال می کنند که «علم گرایی» با «دین گرایی» نمی سازد. من دیده ام که در این چند سال اخیر، بعضیها که اغراض خاص سیاسی دارند و ما آنها را می شناسیم - شاید عموم مردم ندانند که این افراد چه غرضی دارند، لیکن ما چون افراد را از روی سوابقشان بیشتر می شناسیم، زودتر برایمان قابل حدس است - و بعضی ها هم که ممکن است غرض سیاسی نداشته باشند، اما همین طوری تشویق می کنند، برای القاء این

ص: 37

---

1- . بیانات به مناسبت 28 صفر در پادگان مرکزی سپاه 1367/07/17

2- . در دیدار برگزیدگان استان کردستان 1388/02/24

معنا می‌کوشند که دین‌گرایی مردم - که امروز در جامعه‌ی ما رواج دارد - با علم‌گرایی منافات دارد و با علم‌گرایی می‌شود به دین‌گرایی مردم صدمه زد! اینها کور خوانده‌اند و اشتباه می‌کنند؛ این دو با هم هیچ منافاتی ندارند؛ زیرا دین اگر دین اسلام است که ما امروز طرفدار آن هستیم، دینی است که انقلاب می‌کند؛ دینی است که برای میدان‌ها سرباز درست می‌کند؛ دینی است که به علم دعوت می‌کند. اصلاً علت این که مسلمانان توانستند برای مدت چند قرن مشعل علم را در دنیا به دست بگیرند، همین توجّه اسلام به علم و دانش بود. از فارابی تا خواجه نصیر، حدود سه قرن این مشعل داری ادامه داشته است؛ آن هم در سطح بالا، نه در سطح پایین. امروز نظرات خوارزمی در ریاضیات، یا نظرات ابن سینا در طب، نظرات منسوخ شده‌ای نیست؛ نظراتی است که بر اساس آنها نظراتی آمده، لیکن نسخ نشده است؛ نظرات باطل شده‌ای نیست؛ نظرات صحیحی است که البته تکمیل شده است. همه‌ی اینها از کجا ناشی شدند؟ از دین اسلام ناشی شدند؛ یعنی آن عامل اصلی که توانست مسلمین را به این اوج علمی برساند، دین اسلام بود... خود «ابن سینا» یک عالم دینی است؛ او به یک معنا اصلاً یک عارف است. «بیرونی» هم یک عالم دینی است، که آن «تحقیق ماللهند» را نوشت. می‌دانید که اسم این کتاب، از یک بیت شعر گرفته شده است:

تحقیق ما للهند من مقولة \*\*\* مقبولة فی العقل او مردولة

او در زمان خود، در ریاضی و در نجوم و در علوم متفرق، تبخّر داشت. «شیخ بهایی» هم که یک آخوند به تمام معنای کامل است، همین طور بود. در زمان «شیخ بهایی»، رشته‌های دینی در آن مسیر و جریان صنفی آخوندی افتاده بود. در گذشته، صنفی به این شکل که نبوده است؛ یک روحانی بوده که در همه‌ی علوم عالم بوده؛ مثل خود «ابن سینا» که شاگرد فلسفه هم داشته، شاگرد طب هم داشته است؛ اما «شیخ بهایی» مربوط به آن دورانی است که روحانیت جنبه‌ی صنفی پیدا کرده بود؛ یعنی یک

آخوند حریفه ای منبر و محرابی، با آن گونه دانش های کذایی. پس، آن روح دینی، با روح علمی اصلاً منافاتی ندارد؛ بلکه روح دینی، کمک و پشتیبان روح علمی است.<sup>(1)</sup>

ص: 39

---

1- . در دیدار با اعضای «گروه دانش» صدای جمهوری اسلامی ایران 1370/11/15





### (1). مخاطب نامه:

از آنجا که انگیزه‌ی نگارش این نامه، نجات جوانان از فضای فرهنگی و رسانه‌ای غرض‌آلود علیه اسلام و مسلمانان در غرب و افشای طراحی‌ها و توطئه‌های صهیونیستی است که به بهانه‌های مختلف برای نشان دادن چهره‌ی زشت از اسلام در جریان است؛ نه تنها جوانان اروپایی و آمریکایی بلکه همه‌ی کسانی که در غرب به نوعی تحت تأثیر این فضا قرار گرفته‌اند و از پی‌جویی حقیقت و دستیابی مستقیم به تلقی صحیح از اسلام غافل مانده‌اند، مخاطب این نامه می‌باشند. لذا مخاطب نامه، منحصر در قشر خاصی از جوانان (مثلاً مسلمانان) نیست و همه‌ی اقشار و تمامی پیروان ادیان مختلف و حتی افراد لائیک و ضدّ دین و جوانان مهاجر و غیربومی ساکن در آن مناطق نیز به صراحت، مخاطب این نامه‌اند. کلمات «عموم» و «در» که در عبارت «به عموم جوانان در اروپا و آمریکای شمالی» به کار رفته‌اند، خود نشانگر این گستره‌ی مخاطب تصریحی نامه هستند.

### (2). حوادث فرانسه:

در تاریخ 7 ژانویه 2015 (17 دی 1393) حمله‌ای مسلحانه و مرگ بار به

دفتر مجله ی شارلی ابدو (Charlie Hebdo) رخ داد. مقام های قضایی فرانسه اعلام کردند این حمله دست کم 12 کشته و حدود 10 زخمی بر جای گذاشت. به گزارش خبرگزاری فرانسه دو نفر از کشته شدگان مأموران پلیس بوده و چهار نفر از کاریکاتورست های مطرح فرانسوی از جمله سردبیر هفته نامه نیز در میان قربانیان بودند. دو مرد با نقاب های سیاه و کلاشنیکف به دفتر مجله در پاریس، پایتخت فرانسه حمله کرده و به افراد تیراندازی کرده سپس از محل گریخته و ضمن فرار هم به تیراندازی پرداختند. ویدئوهایی آماتوری نیز از این حمله گرفته و در اینترنت منتشر شد. پلیس اعلام کرد مهاجمان جلسه ی شورای سردبیری شارلی ابدو را هدف قرار دادند و هنگام خروج فریاد می زدند: «الله اکبر». آن ها گفتند «انتقام پیامبر» را گرفته اند. بعدا اعلام شد که در این ماجرا، مهاجمان پس از دو روز و در درگیری با پلیس فرانسه کشته شده اند. بازماندگان کشتار شارلی ابدو، با استقرار در مقرّ روزنامه ی لیبراسیون شماره ی جدید هفته نامه ی شارلی ابدو را با عنوان «بخشودگی برای همه» و با کارتونی از حضرت محمد (ص) در صفحه نخست و با عنوان «من شارلی هستم» منتشر نمودند. این حرکت با اعتراض شدید و واکنش های منفی مسلمانان در سراسر جهان روبرو شد. (1)

### (3). وقایع مشابه در برخی دیگر از کشورهای غربی:

پس از پاریس این بار حوادثی از این نوع در کپنهاگ اتفاق افتاد. به گزارش رویترز حملات کپنهاگ موجب کشته شدن دو غیر نظامی و زخمی شدن پنج تن از نیروهای پلیس در پایتخت دانمارک شد. حمله ی دانمارک روز شنبه با تیراندازی به سوی شرکت کنندگان در نشست اسلام گرایی و آزادی بیان با موضوع کاریکاتور پیامبر (ص) آغاز شد. عامل تیراندازی که به مرگ یک تن و زخمی شدن سه تن از نیروهای پلیس انجامید فرار کرد

ص: 42

و در نیمه شب توسط نیروهای پلیس کشته شد. افراد دیگری نیز پیش از وی برای ایجاد ارباب در کپنهاگ تلاش کرده بودند. چهار تبعه ی سوئدی مغربی تبار و تبعه ی کشورهای خاورمیانه نیز در سال 2010 میلادی حمله ی مسلحانه به دفتر روزنامه ای را برنامه ریزی کرده بودند. این روزنامه در سال 2005 کاریکاتور پیامبر (ص) را منتشر کرده بود. این افراد در سال 2012 میلادی متهم و محکوم شدند. (1)

[در ادامه ی این روند] دهم فوریه 2015 (21 بهمن 1393) سه دانشجوی مسلمان آمریکایی 19، 21 و 23 ساله در منطقه ی چپل هیل در کارولینای شمالی آمریکا به سبک اعدام از ناحیه سر هدف شلیک گلوله قرار گرفتند. دو روز بعد نیز یک مرد عرب - آمریکایی در سوپرمارکتی در میشیگان هدف حمله بی رحمانه دو مرد سفید پوست قرار گرفتند. یک روز بعد در 13 فوریه نیز یک انجمن اسلامی در جنوب شرقی هوستون تگزاس هدف حمله ی آتش سوزی عمدی قرار گرفت و بخش قابل توجهی از ساختمان آن تخریب شد و بیش از 100 هزار دلار خسارت به بار آورد. پلیس آمریکا همچنین 17 فوریه 2015 یک نفر را به اتهام آنچه تلاش برای بمب گذاری در یک مرکز اسلامی و نیز در یک رستوران خاورمیانه ای در تگزاس اعلام شد، دستگیر کرد. (2)

با در نظر گرفتن این موارد به خوبی می توان دریافت میزان حملات و جرائم علیه مسلمانان در غرب نسبت به پیش از سپتامبر 2001 افزایش چشمگیری داشته است. نتایج یک نظرسنجی جدید نیز نشان می دهد بر اثر فضای رسانه ای منفی که سردمداران اروپا و آمریکا علیه اسلام سامان داده اند، آمریکایی ها از بین همه ادیان، بیشترین احساس منفی را نسبت به مسلمانان دارند. تشکیلات رسانه ای و سیاسی غربی و آمریکایی در این

ص: 43

---

1- <http://www.reuters.com/article/2015/02/17/us-denmark-shooting-security> .

2- <http://www.theguardian.com/prosecutors-see-death-penalty-muslim-students-craig-hicks> .

میان نقش قابل توجهی را در ایجاد چنین نگرشی ایفا کرده اند و ده ها میلیون دلار طی دهه گذشته برای تقویت احساسات تعصب گرایانه علیه مسلمانان از طریق سیاستمداران، خبرنگاران، فعالان، مؤسسات و کارشناسان صرف شده است. چنین شبکه ی اسلام هراسی از روابط نزدیک با ادارات پلیس و نهادهای اطلاعاتی بهره می برد. در واقع این حملات و احساسات ضد اسلامی، توجیه لازم برای پیشبرد اهداف سلطه جویانه آمریکا را در خارج این کشور و نیز حمله به حقوق دموکراتیک را در داخل فراهم می کند.

توهین به مقدسات اسلامی طی سالیان اخیر علاوه بر مواردی چون انتشار فیلم و کاریکاتورهای موهن علیه پیامبر اسلام در فرانسه، دانمارک و هلند؛ مصداقی همچون به آتش کشیده شدن قرآن توسط يك كشيپ افراطی آمریکایی نیز داشته است. به نظر می رسد اینها همه تلاش هایی است برای پیشگیری از رشد اسلام در غرب، که بر اساس برخی پیش بینی ها تا سال 2050 موجب اکثریت یافتن جمعیت مسلمان در اروپا خواهد شد.

#### **(4). نگاه تکلیف مدارانه و روزآمد:**

این نامه، بر اساس نگاه تکلیف مدارانه و روزآمد يك متفکر و دغدغه مند اسلامی که نسبت به مسایل جاری اسلام و مسلمانان در سطح جهانی شدیداً نگران است، نگارش شده است و باید آن را ورای مواردی چون دیپلماسی عمومی و فارغ از مباحثی چون پرونده هسته ای ایران و رویکرد دولت یازدهم جمهوری اسلامی ایران در خصوص نحوه ی تعامل با دولت مردان غربی دانست.

در دیپلماسی عمومی، يك نظام می کوشد با ارتباطگیری با عامه ی مردم در خارج از مرزهای خود، رابطه سیاسی خویش با مردم دنیا را بهبود بخشد. این در حالی است که در این نامه، حضرت آیت الله العظمی خامنه ای به موضوعات سیاسی مبتلابه نظام ایران از جمله پرونده هسته ای نمی پردازند.

بلکه از «اسلام» می‌گویند و در راستای رسالت يك اندیشمند و رهبر دینی، بدون تحمیل يك نظر خاص، مخاطبان خود را به حقیقت جویی بر مبنای فطرت و تعقل دعوت می‌کنند.

### (5). مخاطب مستقیم با جوانان:

توجه نگارنده‌ی نامه به جوانان و تلاش ایشان برای ارتباط فکری و فرهنگی با آنها البته امر تازه‌ای نیست. این رویکرد ایشان از پیش از انقلاب در قالب جلسات با جوانان در مسجد کرامت مشهد، تا دیدارهای مکرر با جوانان و جلسات پرسش و پاسخ با دانشجویان حتی در دوران رهبری، امتداد یافته است.

مخاطب تصریحی نامه، عموم جوانان در غرب، حتی غیربومیان اروپا و امریکای شمالی هستند. این مخاطب قراردادن، علاوه بر امیدواری و ارزش‌گذاری به جوان غربی و پرهیز از نادیده انگاشتن آنها، با نگاهی به حس فطری حقیقت جویی است. به عبارت دیگر، زبان نامه، زبان فطرت و تعقل است. مسموم بودن فضای رسانه و همچنین تبلیغات گسترده حکومتی، يك رهبر دینی را بر آن می‌دارد تا بر مبنای تعقل و حقیقت جویی، جوانان غربی را که آینده‌سازان آن جوامع می‌باشند مخاطب قرار دهد. این امر به نوبه خود می‌تواند زمینه‌ساز تعامل عقلانی و فطری اسلام ناب و مردم‌غرب شود. هرچند تحقق این مهم، همّت فعالین جبهه‌ی فرهنگی انقلاب اسلامی و توجه مخاطبین نامه را نیز می‌طلبد.

در جوامع غربی، فضا به گونه‌ای است که سیاستمداران برای تأمین منافع کمپانی‌های بزرگ و استمرار سلطه خود بر سایر جوامع و با تکیه بر تفکرات سکولاریستی و لیبرالیستی خویش مانع انتقال حقایق به مردم شده و با فضاسازی کاذب رسانه‌های غرب هم به این موضوع دامن می‌زنند. به طوری که بسیاری از ظرفیت‌های جوانان، ناشناخته و پرورش نیافته باقی

مانده است و آنها اغلب از امکان ایجاد تغییر در خود غفلت می کنند. افراد در بزرگسالی، بیشتر گرایش دارند به آهستگی در مسیری از رفتارهای یکنواخت و روزمره که پیش از این آموخته اند، گام بردارند و از کنار گزینه های متفاوت، مطلوب و چالش آفرین پیش روی خود به راحتی گذر کنند. بیشتر آنها به جهان، آن چنان که می تواند باشد، نمی نگرند. اما جوان برای آزمودن شیوه های گوناگون زندگی کنجکاوی و تلاش می کند. همین کنجکاوی و تلاش، وی را و می دارد تا پس از آزمایش الگوهای رفتاری، بهترین ارزش ها و نگرش ها را برگزیند. کارشناسان، تلاش جوان برای این آزمون ها را «کشف هویت» می نامند.

جوان، از ضمیر خود که کانون خواسته های فطری اوست، تنها ندای پاکی و دوستی را می شنود و با بهره مندی از صفای باطن و پاکی روح، به رفتار همگان، عادلانه و نیک می نگرد. جوان، شیفته پاکی مطلق است و به آسانی به ناراستی ها تن نمی دهد. حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) درباره ی این ویژگی جوانان می فرماید: «این تأثیر قلبی و تصوّر باطنی، در ایام جوانی بهتر حاصل می شود؛ زیرا قلب جوان، لطیف و ساده و صفایش بیشتر است. (1) پیامبر گرامی اسلام با اشاره به لطافت قلبی جوانان، همگان را به احسان و نیکی در حق آنان سفارش می کند و می فرماید: اَوْصِيكُمْ بِالشَّبَابِ خَيْرًا فَانْتَهُمُ اَرْقُ افِدَّةً (2)؛ شما را به احسان و نیکی با جوانان سفارش می کنم؛ زیرا آنان قلبی لطیف دارند. از امام صادق (علیه السلام) نیز روایت می شود: عَلَيكُمْ بِالْاَحْدَاثِ فَانْتَهُمُ اَسْرَعُ اِلَى كُلِّ خَيْرٍ (3)؛ بر شما باد پرداختن به جوانان؛ زیرا آنان در مقایسه با دیگران، شتاب بیشتری به سوی کارهای خیر دارند. یکی از ویژگی های مهم دوران جوانی، پاکی روح و صفای باطن است و این که آمادگی برای انجام کار خیر در او، بیش از دیگران است.

ص: 46

---

1- . چهل حدیث، امام خمینی، ص 499

2- . سفینه البحار، ج 2، ص 176

3- . الکافی، ج 8، ص 93

هم زمان با دگرگونی های دوران بلوغ، گرایش شدیدی به سوی مذهب و سلوک در جوان پدید می آید. «با فرارسیدن ایام بلوغ، احساسات مذهبی و گرایش های دینی در وجود نوجوان بیدار می شود و آنان را شیفته ی فراگرفتن آموزه های روحانی می سازد. پس از دوره ی بلوغ، از شدت و تمایل این خواهش فطری شدید و سوزان کاسته می شود و رفته رفته، خواهش ایمان و اخلاق به صورت يك تمایل عادی در می آید. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز تمام هم و تلاش خود را برای جذب جوانان به سوی سرچشمه ی حقیقی به کار گرفت و نیک می دانست که جوان در مقایسه با دیگران، آمادگی بیشتری برای پذیرش حقایق دارد. امام صادق (علیه السلام) درباره ی اثرپذیری بیشتر جوانان می فرماید: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَ هُوَ شَابٌّ مُؤْمِنٌ اِخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَ دَمِهِ (1)؛ کسی که قرآن بخواند، اگر جوان باایمان باشد، قرآن با گوشت و خونس آمیخته می شود و در همه ی بافت های بدنش اثر می گذارد. جوانی که سر تسلیم در برابر هیچ کس فرود نمی آورد و در برابر همه قدرت ها عصیان می کند، در درون، متوجه ضعف ها و حقارت های خود هست و عظمت، قدرت و بقای خود را در مذهب می بیند. فلسفه زندگی و حیاتش را در مذهب جست و جو می کند و در آن، معنایی برای زندگی خویش می یابد. او می خواهد مذهب و مفاهیم دینی را خود، با نیروی عقل خویش بررسی کند و حقایق را دریابد. پس با واکاوی باورهای خویش، راه تکامل را برای خود هموار می سازد. هم زمان با دوران بلوغ، کششی مرموز، جوانان را به مذهب و سلوک معنوی می کشاند و باید به این نیاز فطری او به درستی پاسخ داد، وگرنه راه او ناهموار خواهد شد. (2) نکته اساسی این است که بر مبنای دیدگاه اسلام ناب، این ظرفیت فطری الهی در همه جوانان وجود دارد و جوانِ دیروز و امروز و فردا در شرق و غرب، داری استعداد ذاتی تفکر و دستیابی به حقیقت می باشد. اگرچه فضای فرهنگی و رسانه ای شیطانی در غرب، آنان را در تنگنای عمیق

ص: 47

---

1- . الکافی، ج 2، ص 603

2- . ربیعی، 30:1386

و حصارگونه قدرتمندی قرارداد است، ولی بر اساس مبانی انسان شناسی اسلامی، اینها نمی تواند مانع همیشگی برای درك حقیقت باشد.

## **(6). عملکرد غیرصادقانه و مزورانه سیاستمداران و دولتمردان غربی:**

سوءاستفاده از حوادث تروریستی در دهه گذشته توسط دولتمردان غربی باعث شده است تا ناظران و تحلیل گران منصف و آگاه متوجه این امر شوند که سیاستمداران غرب راه سیاست را از حقیقت و صداقت جدا کرده اند. از این نوع می توان به حمله به عراق به بهانه حادثه 11 سپتامبر و همچنین راه پیمایی به اصطلاح صلح در پاریس بعد از حادثه شارلی ابدو اشاره کرد. در راهپیمایی به اصطلاح صلح که سران برخی کشورهای دنیا حضور داشتند بدون توجه به این مطلب که تنها در سال 2014 بالغ بر 60 تن خبرنگار در سرزمین های اشغالی کشته شده اند، دوشادوش نتانیاهو به حمایت از صلح پرداختند. در راستای افشای ماهیت مزور دولتمردان غربی باید این سوالات را از آنها پرسید که چه نیازی است که صنایع تسلیحاتی غربی چندین برابر صنایع غذایی و رفاهی محصول تولیدکنند؟ کشتار جمعی مردم و غیرنظامیان در غزه، یمن، سوریه، عراق، افغانستان، پاکستان و... به بهانه هایی چون «پناهگاه تروریست ها»، «تهدید غرب» و... چه دلیل موجه و انسانی دارد؟ کودکان، کهنسالان و زنان یمنی، افغانی، فلسطینی و... چه گناهی داشته اند؟ آیا بر فرض که تروریست ها در بین آنها باشند، تنها راه حل این است که پهپادها مدام بر سر آنها بمب بریزد و عروسی های چندصد نفره را به آتش بکشد و جشن را به عزای عمومی بدل نماید؟ ریشه این گونه تعامل وحشیانه با جهان غیرغربی را باید در مبانی فلسفی غرب جدید جستجو کرد.

مکاتب غربی پس از رنسانس، انسان را محور هستی قرار دادند. به گونه ای که انسان قائم به ذات فرض شد و نقش خدا و معنویت در زندگی دنیوی



بشر به حداقل ممکن رسید. در واقع اومانیزم غربی باعث شد که معنویت و اخلاق از سیاست انسان غربی حذف شود و از آن پس، سیاست غرب مبتنی بر این اصل شد که هدف وسیله را توجیه می‌کند. سیاست در غرب پس از رنسانس، مبتنی بر افکار کسانی چون نیکولو ماکیاولی، توماس هابز، جان لاک، ژان بدن و ژان ژاک روسو بوده است. از میان این متفکران، ماکیاولی سردمدار اخلاق زدایی از سیاست بوده و استفاده از هر ابزاری توسط سیاستمدار اعم از مشروع و غیر مشروع را برای رسیدن به هدف مجاز دانسته است. ماکیاولی معتقد است، زمامدار اگر بخواهد باقی بماند و موفق باشد نباید از شرارت و اعمال خشونت آمیز بترسد؛ زیرا بدون شرارت، حفظ دولت ممکن نیست. حکومت برای نیل به قدرت، ازدیاد و حفظ و بقای آن مجاز است به هر عملی از قبیل کشتار، خیانت، ترور، تقلب و... دست بزنند و هرگونه شیوه‌ای حتی منافی اخلاق و شرف و عدالت برای رسیدن به هدفش رواست. این مکتب بر این باور است که رجل سیاسی باید کاملاً واقع بین و مادی و جدی باشد، آن گونه سخت گیر باشد که اگر تکالیف دینی، اخلاقی و احساسات سدّ راه او شود؛ از آنها صرف نظر کند و هدفی جز رسیدن به مقصود نداشته باشد. ماکیاولی در کتاب شه‌ریار (Prince) خود اصولی را برای موفق بودن یک حاکم پیشنهاد می‌کند که مغایر اصول اخلاقی است. وی در این کتاب می‌گوید: «باید بدانید که برای ستیزیدن با دیگران دو راه در پیش است: یکی با قانون، دیگری با زور؛ روش نخستین در خور انسان است و دومین، روش ددان؛ و از آنجا که روش نخستین چه بسا کارآمد نیست، ناگزیر به دومین روی می‌باید آورد؛ از این رو بر شه‌ریار است که بداند چگونه روش ددان و انسان را نیک به کار بندد.»<sup>(1)</sup> سیاست و سیاستمداران غرب براساس چنین افکاری است که به عمل می‌پردازند؛ البته نباید منکر این مسئله شد که افکار ماکیاولیستی در سراسر تاریخ بشر وجود داشته است، اما هیچ گاه به

ص: 49

صورت يك تئوری منسجم و مشخص مرجع عمل انسان ها و علی الخصوص سیاستمداران قرار نگرفته بود. افکار ماکیاولیستی از رنسانس به بعد زیربنای مکاتب اصولی غرب و مسیر هدایت کننده سیاستمداران غربی به سوی اهداف خود شدند. عملکرد روسای جمهور آمریکا نیز به عنوان مظهري از سیاستمداران در جهان غرب منطبق بر دیدگاه های ماکیاولیستی است چرا که این دولتمردان برای نیل به اهداف و نیات خود از هر وسیله ای استفاده می کنند.

البته این جنبه ی گرایش به افکار ماکیاولیستی در عرصه ی عمل سیاسی است و بر همین مبنا است که رسوایی های سیاسی ای چون واترگیت، ایران - کنترا، رسوایی اخلاقی کلینتون و حتی بحث عراق گیت به وقوع می پیوندند. اگر چه در آراء برخی فلاسفه ی باستان غرب، باید سیاستمدار فیلسوف یا فیلسوف سیاستمدار بر جامعه حکومت کنند؛ اما هیچ گاه چنین نظریاتی در غرب مورد توجه سیاستمداران نبوده است و امروزه هم این نظریه ها جزوی از بایگانی تاریخ اندیشه ها شده است. از نظر افلاطون سیاستمداری باید هدایت جامعه را عهده دار شود که خود منزّه و پاک و عقل گرا باشد تا بتواند جامعه را نیز به مسیر تعالی هدایت کند.

در همین حال شاید بد نباشد بدانیم که در خصوص رؤسای جمهوری نظیر اندرو جکسون (1829-1837) و ان بورن (1837-1841) جیمز گارفیلد (1881) فرانکلین روزولت (1931-1945)، دوایت آیزنهاور (1953-1961)، جان اف کندی (1961-1963) و لیندون ب جانسون (1963-1969) نیز مباحث متعددی از فساد اخلاقی و روابط نامشروع مطرح شده است که هر يك از آنها در زمان خود کم و بیش بحث برانگیز بوده است. (1)

ص: 50

## (7). تشدید اسلام هراسی پس از فروپاشی شوروی:

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی عملاً جنگ سرد پایان می یابد و از آنجایی که سیاست مداران آمریکایی همیشه به يك دشمن فرضی (1) نیاز داشته اند، این دشمن، اسلام قرار داده می شود. در دوره های قبلی این دشمن، بومیان آمریکا، سیاهپوستان و مهاجران، نازی ها و روس ها بوده اند. فیلم های سینمایی هالیوودی مانند جیمزباند در دهه 80 و 90 و سریال هایی مانند نیکیتا، هوم لند، 24 و... نقش مهمی در بازنمایی آن دشمنان فرضی در ذهن مردم ایفا نموده و خواهند نمود.

پس از فروپاشی شوروی، مورّخین غربی، هراس از اسلام (خطر سبز) را جایگزین تهدید شوروی (خطر سرخ) نمودند و برای این پیشنهاد استدلال های محکمی از تاریخ غرب ارائه کردند. از نظر آنها نظام لیبرال سرمایه داری در غرب برای وحدت همه جانبه ی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، علاوه بر تمسک به ارزش های لیبرالی و سکولاریستی (جنبه های ایجابی) به عنصر «دشمنی» (عاملی سلبی در هویت) برای وحدت خود نیاز داشت و خلاء ایجاد شده در پس فروپاشی شوروی با جایگزین کردن «اسلام» جبران خواهد شد. بویژه اینکه تعلیمات عالیة اسلام بطور طبیعی می توانست دل های آگاه و ذهن های کنجکاو را به سوی خود جذب نماید. ژان لوگوف در بحث تحلیل با واکاوی اثر جنگ های صلیبی می گوید: «شکل گیری و تثبیت هویت دینی و یا ملی در جریان مناقشه و یا تضاد پدید می آید و طرف مقابل که همان مخالف یا دشمن است باعث ایجاد و شکل گیری هویت و همانستی می گردد». این استدلال تاریخی به سرعت پذیرفته و توسط استراتژیست های غربی صورت بندی شد. جالب است بدانیم برنارد لوئیس و سپس ساموئل هانتینگتون با توجه به همین نکته، شبه تئوری «جنگ تمدن ها» را قبل از 11 سپتامبر و پس از فروپاشی شوروی

ص: 51

صورت بندی و منتشر نمودند. (شبه تئوری برخورد تمدن ها اولین بار توسط برنارد لویس در سال 1990 در مقاله ای با عنوان «The Roots of Muslim Rage» مطرح شد و سپس در مرحله ی بعدی توسط ساموئل هانتینگتون در مقاله ای در سال 1993 (چاپ شده در مجله ی فارین افرز) تکمیل شد. این تحلیل که اسلام پس از شوروی، عامدانه برای وحدت بخشی به غرب مورد دشمنی قرار گرفته است را بسیاری از نخبگان آکادمیک غربی نظیر هال، ادوارد سعید و... نیز تأیید می نمایند. موریتمر در مقاله خود در نشریه اینترنتشال افرز چاپ شده در سال 1999 به صراحت از سیاست «در جستجوی دشمن» Wanted a new enemy پرده برمی دارد و می گوید: «در اوایل دهه ی نود این تحلیل به وجود آمده بود که دشمنی غرب با شوروی سابق و بلوک شرق در شکل دهی به هویت غرب مؤثر بوده است و حال با از بین رفتن این عامل سلبی، باید در جستجوی جایگزین برای دشمنی بود. طبیعت انسانی این گونه است که گروه ها همان قدر که خود را بر پایه هر چه هستند تعریف می کنند، بر پایه ی آنچه نیستند، نیز خود را تعریف می کنند. بسیاری حتی احساس می کنند نیاز است یک تهدید جدید برای جایگزینی شوروی، کشف شود. از این نظر، «اسلام» گزینه در دسترس است.»

اگر به این نکته ی مورد اشاره ی حضرت آیت الله العظمی خامنه ای توجه نماییم دیگر بی جهت در تحلیل راجع به اسلام هراسی نباید تنها عواملی مثل 11 سپتامبر و داعش و... را محور تحلیل قرار دهیم. اسلام هراسی یک رویکرد استراتژیک در سیاست دولتمردان غربی است و نباید این استراتژی را تنها با اقتضانات زمانی و رخدادها تحلیل نماییم. بخصوص بررسی ها و تحلیل هایی نشان می دهد که حادثه ی 11 سپتامبر طراحی شده و ساختگی بوده است تا زمینه را برای سرکوب اسلام گرایی و برخورد خشن با مسلمانان آماده سازد. اظهارات رئیس جمهور وقت آمریکا که پس از این حادثه آغاز جنگ های صلیبی را اعلام کرد، قرینه ی گویایی برای این گونه

بی تردید اسلام هراسی یکی از راهبردی ترین موضوعات جهان غرب و دنیای مسیحیت است. این راهبرد فقط نتیجه يك دكترين مانند دكترين برخوردار تمدن ها نیست، بلکه در يك بستر طولانی بررسی انگیزه های سیاسی و استعماری شکل گرفته و پرورش یافته است. اگرچه تئوری های ناهمگونی تمدن ها از سوی ریمون آرون، جامعه شناس مشهور فرانسوی، یا برخورد فرهنگ ها توسط برنارد لوئیس، اسلام شناس و شرق شناس معروف و اثرگذارترین آن ها، یعنی برخورد تمدن ها از طرف ساموئل هانتینگتن در شکل گیری پدیده ی اسلام هراسی تأثیر عمیق داشته اند، اما دیگر بودگی مسلمین از نظر مسیحیان و برتری انگاری خود که ریشه در آموزه های کلیسا دارد و عامل اصلی اسلام هراسی غربی هاست بیشتر بر تاریخی استوار است که آموزه اش دشمنی قرآن کریم و محمد (ص) با تمدن و آزادی و اینکه اسلام دینی است که نمی تواند پیشرفت کند و دینی غیر اخلاقی، غیر علمی و استبدادی است. (2) اگرچه شناخت مسیحیان و غربی ها از اسلام از رهگذر بیزانس، سیسیل و اندلس را نباید نادیده گرفت، ولی جنگ های دوست ساله مشهور صلیبی بیشترین سهم را در شکل گیری ذهنیت تاریخی پر غلط مسیحی داشته است و اگر با برخی همراه نباشیم که معتقدند جنگ های صلیبی به هر حال منشاء و موجد تمامی تلقی خصمانه ای است که امروزه در دو جهان مسیحی و مسلمان نسبت به یکدیگر احساس می شود، حتماً می پذیریم که این جنگ ها اوج تجلی خصومت مضموری بود که پیش از آن نسبت به مسلمانان وجود داشت. هشدار صریح قرآن کریم که دشمنی و تعارض یهود و نصارا را با مسلمانان تا تسلیم کامل مسلمین از راه و آئین آنان ادامه دار می بیند، نشان دهنده ی عمق ریشه های این دشمنی هاست. (3)

ص: 53

---

1- . ر. ك: كتاب 11 سپتامبر؛ دروغ بزرگ، نوشته تیری میسان

2- . ناصری طاهری، 128:1388

3- . ر. ك: سوره ی بقره، آیه ی 120

## **(8). هراس های گوناگون القاء شده به مردم غرب:**

هراس از بومیان آمریکا، سیاهپوستان و مهاجران، نازی ها، روس ها و شوروی سابق برخی از مهم ترین هراس های القاشده و دشمن آفرینی ها توسط دولتمردان غربی بوده است. پیمایش صورت گرفته توسط دانشگاه چاپمن در ایالات متّحده با جامعه ی آماری 1500 نفر در سال 2014 به بررسی هراس های اصلی جامعه آمریکا می پردازد. از هراس های اصلی مردم آمریکا ترس از خراب کاری های بشری است. براین اساس 5 نگرانی اصلی در ترس از خراب کاری های بشری به ترتیب اولویت عبارتند از: حمله ی تروریستی، جنگ جهانی، کاهش قدرت و مقبولیت ایالات متّحده، فروپاشی اقتصادی و حمله ی اتمی یا بیولوژیکی.

این تحقیق به خوبی نشان از موفقیت القای مصنوعی این گونه هراس ها توسط فیلم ها و سریال های تولید شده توسط بنگاه های رسانه ای و همچنین سخنرانی های عمومی سران کشورهای غربی دارد. موج اسلام هراسی و نشان دادن چهره ی خشن و تروریستی از اسلام باعث شده است تا هراس از حمله تروریستی در صدر هراس های جامعه آمریکایی قرار گیرد.

## **(9). مطالعات انتقادی تاریخ:**

در حوزه ی مطالعات انتقادی دانشگاه های اروپایی و آمریکایی چندین سال است که کرسی ها و دپارتمان هایی تشکیل داده اند و به تولید علم در این رابطه می پردازند. مطالعات انتقادی در حوزه ی سیاه پوستان در دهه های 60 و 70 همزمان با جنگ ویتنام را به عنوان سرآغاز این رشته می توان در نظر گرفت.

از مسائل مهمی که باید مدّ نظر داشت کتب درسی دانش آموزان آمریکایی می باشد. این کتاب ها در ایالت تگزاس تهیه و چاپ می گردند و از آنجایی که این ایالت جمهوری خواه می باشد، تسلّط کاملی بر مطالب درسی دارند.

در این متون، تاریخ خود نوشته غرب به ذهن جوانان القا می شود.

اکنون برای رهایی، جوان غربی ابتدا باید نسبت به فرهنگ و تمدن خود معرفت یابد و از تاریخ عصری که بدان ختم یافته است مطلع گردد که تاریخ راه روشنی است از گذشته به آینده و مسیر حال را برای جویندگان ترسیم می کند. جوان غربی اگر از تاریخ حقیقی نظام های سیاسی حاکم بر غرب بی اطلاع باشد نخواهد توانست تحلیل درستی از عصر حاضر خود داشته باشد. گرایشات نژادگرایی و نژادپرستی در محیط غربی ریشه های عمیق تاریخی نظری دارند و حتی در قضایای علوم انسانی و تئوری های علوم اجتماعی نیز به نحو گسترده ای ورود پیدا کرده اند. هرچند بعد از جنگ جهانی دوم راست گرایی افراطی، فاشیسم و نازیسم به شدت در محیط غرب تقبیح شد اما ریشه های فرهنگی آن به کلی از بین نرفت و با وقوع شرایط خاص اقتصادی و اجتماعی نژادگرایی و نژادپرستی در اشکال باز تولید شده و تغییر شکل یافته رخ نمود. از لحاظ تاریخی گرایش نژادگرایی و نژادپرستی در فرهنگ اروپای غربی رسوب شده است. عقیده به تبعیض و عقیده به برتری در روش های تعلیماتی جوامع غربی و در آثار اندیشمندان آن ها به شکل غیر قابل انکاری وجود دارد. از زمانی که سیاست خلوص خون در اسپانیا مطرح شد و افراد باید ثابت می کردند تا چهار نیای خود مسلمان یا یهودی نبوده اند تا زمان اجرای سیاست نژادی آلمان نازی همواره این گرایشات غیر انسانی به نوعی در غرب بازتولید شده و بروز یافته است. تاریخ استعمار همواره بر پایه ی دیدگاه های نژادگرایانه استوار بوده است. با کشف قاره ی امریکا مقدمات پایه گذاری تمدن اروپایی امریکایی غرب مهیا می شود که در این راه استعمارگری همزاد پدیداری غرب مدرن می شود.

## (10). برده داری:

به عنوان نمونه، رمان مستندگونه «ریشه ها» نوشته ی آلکس هیلی به این

ص: 55

هنگامی که اروپاییان استعمار قاره ی آمریکا را آغاز کردند، بردگان را برای کار کردن در کشتزارها و معادن جدید، از آفریقا بدان جا بردند. میان سال های 1500 تا 1800 میلادی در حدود 15 میلیون سیاهپوست آفریقایی به قاره آمریکا انتقال یافتند. تجار برده، آنها را از غرب آفریقا می خریدند. بیشتر این بردگان به وسیله ی دیگر سیاهپوستان آفریقایی به هنگام جنگ و یا شیخون هایی که برای شکار آنان صورت می گرفت، به اسارت در می آمدند. بیشتر در زیر عرشه ی کشتی، برده ها را با زنجیر به هم می بستند تا قادر به فرار یا پریدن به دریا نباشند تقریباً از هر 5 برده يك نفر در مسیر گذرگاه میانی می مرد (از مجموع 3 میلیون نفر). پرتغالیها کشتی های حامل برده خود را *tumbeirus* یا تابوت می نامیدند. زمانی که آن ها به آمریکا می رسیدند به مانند حیوانات در حراج ها فروخته می شدند؛ و در کشتزارها و معادن به کار گمارده می شدند. هزاران برده بر روی بزرگ ترین کشتزارهای پنبه و نیشکر کار می کردند. این کار بسیار طاقت فرسا و کمرشکن بود. بسیاری از بردگان برای جلوگیری از فرار به زنجیر کشیده می شدند و شلاق زدن رایج ترین تنبیه برای کوچک ترین خطاها بود. بعضی از بردگانی که قصد فرار داشتند آن قدر کتک می خوردند تا بمیرند. هر چند تجارت بین المللی برده در سال 1808 ممنوع شد اما تجارت داخلی در آمریکا همچنان ادامه یافت و باعث شد تا جمعیت برده ها تا پیش از ممنوعیت برده داری به چهار میلیون نفر برسد. در سال 1860 م از میان 605، 515، 1 خانواده ای که آزادانه در پانزده ایالت زندگی می کردند نزدیک به 400.000 خانواده (تقریباً يك چهارم) برده داشتند که مساوی با 8 کل خانواده های آمریکایی در آن زمان بود. هر چند پس از شکل گیری ایالات متحده برخی از رنگین پوستان آزاد بودند اما وضعیت برده بودن بیشتر با رنگ پوست افرادی شناخته می شد که تبار آفریقایی



داشتند. این مسئله باعث شد که نظامی قانونی به وجود آید که در آن نژاد نقش اصلی را بر عهده داشت. (1)

## (11). استعمار:

کاربرد سیاسی اصطلاح «استعمار» به طور خاص متوجه شیوه های رفتار کشورهای از نظر سیاسی توانمند نظیر کشورهای اروپایی با سرزمین های مستعمراتی است. استعمارگری بیشتر کار کشورهای است که امپراتوری دریایی و ناپیوستگی خاک آن ها مانع تشکیل يك واحد سیاسی یکپارچه (مانند امپراتوری های زمینی) می شود. مفهوم استعمار امروزه با مفهوم امپریالیسم پیوستگی کامل یافته و استعمار اساساً عمل قدرت های امپریالیستی شناخته می شود، یعنی قدرتی که می خواهد از مرزهای ملی و قومی خود تجاوز کند و سرزمین ها و ملت ها و اقوام دیگر را زیر تسلط خود درآورد. گرچه استعمار پیشینه ی کهن دارد، اما تاریخ مفهوم جدید آن از قرن های شانزدهم و هفدهم آغاز می شود. تاریخ استعمار را از دوره ی باستان تاکنون می توان به چند دوره بخش کرد. سه دوره اول، مجموعاً تحت عنوان استعمار کهن قرار می گیرند: استعمار دوره ی اول: عصر باستان، استعمار دوره ی دوم: دوران جهانی استعمار و دوره ی سوم: استعمارگری قرن های نوزدهم و بیستم. عقب ماندگی اقتصادی یکی از شوم ترین و سنگین ترین نتایج سلطه ی استعماری است. انحصارات متروپل مانع تکامل صنایع و به ویژه ایجاد صنایع سنگین، مانع رشد تکنیک و هم زمان با آن مانع تقویت کادرهای ملی می شوند. اقتصاد برخی از این سرزمین ها را به اقتصاد مونوکولتیر (يك محصولی) مثل نفت یا نیشکر یا قهوه یا مس مبدل می کنند که تمام سر رشته آن هم در دست انحصارات امپریالیستی است. این امر خود بعداً دشواری های عظیم در راه ایجاد يك اقتصاد ملی متوازن و همه جانبه به

ص: 57

بار می آورد. مبادله‌ی نابرابر وجه مشخصه‌ی تجارت بین متروپل و مستعمره، یکی دیگر از منابع سود کلان انحصارات است. استعمار در دوران کلاسیک خود همواره حامی و پشتیبان مرتجع‌ترین قشرهای محلی بوده، اشکال فئودالی و ماقبل فئودالی را همچنان پابرجا نگهداشته به کمک آن، اقتصاد را به عقب ماندگی و زحمتکشان را به فقر و گرسنگی محکوم می‌کرده است. عقب ماندگی اقتصادی محصول غارت و سلطه‌ی انحصارات امپریالیستی و نتیجه‌ی سیاست استعماری دول امپریالیستی است نه ثمره‌ی مناسبات اقتصادی معمولی بین کشورهای فقیر و کشورهای غنی به طور اعم. اولین کشورهای استعمارگر عبارت اند از: اسپانیا و پرتغال، هلند و انگلیس و فرانسه. همگام با تحولات پس از جنگ جهانی دوم و سلب امکان استعمار کشورها به صورت مستقیم و مستعمره، سیاست‌های جدیدی تحت عنوان استعمار نو بکار گرفته شد و شیوه‌های استعمار کلاسیک به کار خود پایان داد. این روش، شامل شیوه‌هایی چون تک محصولی کردن کشورهای جهان سوم، سرمایه‌گذاری‌های خارجی توسط کشورهای ثروتمند و غیره می‌شود. امریکا آغازگر استعمار نو است. (1) «استعمار فرانو» را می‌توان جدیدترین نوع استعمار دانست. مهم‌ترین شیوه‌ی استعمار فرانو، تهاجم تبلیغی، فرهنگی و رسانه‌ای توسط سلطه‌جویان و صاحبان رسانه‌ها و خبرگزاری‌های بزرگ و صهیونیستی است که باید نسبت به آن آگاه و بیدار بود. سلطه‌جویان جهانی با گسترش وسایل ارتباط جمعی و تفکر جهانی‌سازی، به دنبال حاکم کردن فرهنگ، سیاست و اقتصاد لیبرالی بر تمام کشورها هستند و تلاش دارند مزورانه، با ظاهری مشروع و تحت پوشش شعارهای حقوق بشر، ایجاد صلح و امنیت و استقرار دموکراسی و آزادی؛ اهداف استعماری خود را دنبال کنند. این استعمارگران، در این مسیر به مزدوری بعضاً غیرآگاهانه برخی نیروهای وابسته‌ی بومی که در جمع روشنفکران، سیاستمداران، مدیران و تکنوکرات‌ها قرار دارند، تکیه و امید دارند.

ص: 58

هرچند ریشه‌ی تبعیض نژادی در غرب به مدّت‌ها قبل بر می‌گردد اما آنچه به عنوان نمونه در سال 2014 در شهر فرگوسن اتفاق افتاد چیزی متفاوت با اظهارات حقوق بشری غرب می‌باشد. ماجرا از آنجا شروع می‌شود که «مایکل براون» جوان 18 ساله اهل فرگوسن در 9 آگوست 2014 در حالی به اتهام سرقت یک بسته سیگار از یک مغازه تحت تعقیب فرار گرفت و دقایقی بعد به ضرب گلوله پلیس کشته شد که سلاحی در دست نداشت و به گفته شاهدان به علامت تسلیم دست‌های خود را بالای سر گرفته بود. از همان زمان بود که اعتراضات در این شهر بالا گرفت. سیاه پوستان آمریکا این اقدام پلیس و اکنون تیرنه‌ی دادگاه را نمونه‌ی بارز تبعیض نژادی و ظلم علیه سیاه پوستان می‌دانند (1) اوایل تابستان سال 2014 نیز افسران پلیس نیویورک یک مرد سیاه پوست آمریکایی به نام اریک گارنر را به علت فروش سیگار بدون پرداخت مالیات بازداشت کردند اما رفتار وحشیانه پلیس با سیگار فروش سیاه پوست منجر به مرگ وی شد. این اتفاق در شهر فرگوسن که از لحاظ جمعیت 70 درصد آن سیاه پوست است را دارای شرایط ویژه‌ای می‌کند. نکته‌ی جالب آنجاست که ترکیب پلیس این شهر به گونه‌ای است که تنها 25 درصد آن سیاه پوست می‌باشند. اینها خود مقدمه‌ای برای بی‌عدالت اجتماعی و اجحاف در حق سیاه پوستان می‌شود. این در حالی است که به مردمان آمریکا همواره این تفکر تزریق می‌شود که در بهترین شرایط و امکانات نسبت به مردمان جهان زندگی می‌کنند. سالهای مدّعی حقوق بشر و مبارزه با تروریسم این سؤال را در ذهن ایجاد می‌کنند که چرا دولتمردان آمریکا در برابر این تبعیض نژادی سکوت و به نوعی از آن حمایت می‌کنند.

یکی دیگر از نمونه‌های مرتبط در این زمینه در روز 28 فوریه سال 1993 اتفاق افتاد. در آن روز مأموران پلیس اف بی آی در ایالات متحده آمریکا به

ص: 59

دستور دادستانی آمریکا، به مقرّ فرقه ی داویدیان به رهبری کورش دیوید در شهرک ویکو در ایالت تگزاس، یورش بردند و این مرکز را محاصره نمودند و با یورشی ناگهانی آنها را زنده زنده سوزاندند!

### (13). جنگ های خونین به نام مذهب:

ظهور مذهب پروتستان در اوایل قرن شانزدهم میلادی، شکاف عمیقی بین پیروان مسیحیت به وجود آورد و کاتولیک ها و پروتستان ها در طول سده های پس از آن، بارها با هم به نزاع و نبرد پرداختند. یکی از جنگ های معروف طرفداران پروتستان با کاتولیک مذهبان، در دهه ی دوّم قرن هفدهم میلادی به وقوع پیوست و در حدود سی سال به طول انجامید. در روز 23 مه 1618 م، پروتستان های چک که از محدود شدن آزادی هایشان توسط فردیناند دوم، امپراتوری مقدّس روم نگران بودند، دو فرستاده وی را به قتل رساندند و به این ترتیب جنگ های سی ساله مذهبی در اروپا آغاز شد. این جنگ ها که عمدتاً در آلمان روی داد، فراز و نشیب های زیادی داشت. در طول جنگ، کشورهای فرانسه، سوئد و دانمارک در حمایت از پروتستان ها و دولت اسپانیا و امپراتوری روم به طرفداری از کاتولیک ها وارد جنگ شدند. جنگ های سی ساله ی مذهبی اروپا در نهایت، با انعقاد پیمان وستفالی در سال 1648 م خاتمه یافت، امّا اسپانیا و فرانسه تا امضای پیمان پیرنه در سال 1659 م با هم درگیر بودند. جنگ های سی ساله، علاوه بر ویرانی و تجزیه ی آلمان و نیز تضعیف امپراتوری مقدّس روم، قدرت یافتن فرانسه را در پی داشت. در این جنگ ها اگرچه نزاع دیرینه دو مذهب کاتولیک و پروتستان نقش مهمی داشت، امّا عواملی چون اختلاف های ارضی و سیاسی دولت های این قاره نیز در شروع و ادامه ی جنگ، بسیار مؤثر بود. از نتایج مهمّ این جنگ ها، پایان نسبی درگیری های مذهبی پروتستان ها و کاتولیک ها و آغاز رشد جریان های ناسیونالیستی و ملی گرای و نژادپرستی

در اروپا بود. در کنار این تأثیرات، تفکر جدایی دین از سیاست نیز سر بر آورد. به عبارتی، یکی از وقایع مهم اجتماعی که زمینه‌ی جدایی نهاد دینی را از سیاست فراهم ساخت، همین جنگ‌ها و پیمان‌وتفالی بود. در این پیمان قرار بر این شد که قدرت اقتصادی کلیسا تضعیف شود و به تعبیری، مراکز اقتصادی که در سلطه‌ی کلیسا بودند از نفوذ کلیسا خارج گردند. (1)

#### **(14). جنگ‌های اول و دوم جهانی:**

جنگ جهانی اول از سال 1914 آغاز شد و به مدت حدود 4 سال به طول انجامید. طی این جنگ جهانی، حداقل 10 میلیون نفر کشته شدند. پس از اتمام جنگ تبعات اقتصادی، اجتماعی و روانی زیادی تا سال‌ها بخش عمده‌ای از مردم جهان را با خود درگیر کرده بود. جنگ جهانی دوم بسیاری از کشورهای جهان را در فاصله سالهای 1939 تا 1945 درگیر کرد. بنا به برخی گزارش‌ها این جنگ، گسترده‌ترین جنگ جهانی است که در آن بیش از 50 میلیون نفر کشته شدند. در این جنگ، دولت آمریکا با بمباران هسته‌ای هیروشیما و ناکازاکی باعث کشتار جمعی انسانهای بیگناه شد. علت اصلی این دو جنگ خانمان سوز و جهانی، رقابت کشورهای غربی برای تسخیر سرزمین‌ها و توسعه نفوذ خود در کشورهای دیگر بود. این دو جنگ، نشانگر ناکارآمدی و بحران دوران مدرنیته است، دورانی که در قرن 19 میلادی از سوی پیشتازان مدرنیسم، به عنوان دوران روشنگری و رفاه و امنیت و ایجاد بهشت بر روی زمین برای مردم، تبلیغ می‌شد!

#### **(15). تأخیر در بیداری وجدان عمومی:**

در راستای این سؤال، می‌توان این سؤال را مطرح کرد که آیا دلیل سرپوش گذاشتن بر جنایات برخی دولتمردان، مصون ماندن آنها از محاکمه در اذهان

ص: 61

عمومی و دادگاه‌های صالح و بی طرف در زمان حیاتشان نیست؟ افشای جنایات برخی سردمداران پس از مرگ آنها چه فایده در خور توجهی دارد؟

یکی از نمونه‌های تاریخی تأسّف بار، «لینچ کردن» به عنوان روشی برای شکنجه و کشتن سیاه‌پوستان است که در دوران برده‌گیری غربی‌ها از کشورهای آفریقایی رواج داشت. جستجو برای یافتن وقایع مربوط به این جنایات، هر محقّق و تاریخ‌نگار منصفی را با تصاویری تلخ و غم‌انگیز روبرو می‌نماید. تصاویری که جنایت گروهک تروریستی داعش را یادآور می‌شود، امّا در ابعادی گسترده‌تر و با وحشی‌گری به مراتب بیشتر. امّا این بردگان و سیاه‌پوستان چه گناهی داشتند و چه بلایی سر آنها می‌آمد؟ گناه آنها در واقع فرار از دست برده‌داران و سفیدپوستان و یا اعتراض به رفتار وحشیانه‌ی آنان بود امّا در ظاهر اتهاماتی عمدتاً واهی و اثبات‌نشده توسط سفیدپوستان به آن‌ها انتساب می‌یافت و بدون محاکمه در دادگاه و یا با محاکمه‌ای صوری، محکوم به ارتکاب جرایمی مانند قتل، آدم‌ربایی، تجاوز، دزدی و... می‌شدند و بلافاصله توسط گروه‌هایی از مردم سفیدپوست امریکای شمالی که مقام و موقعیت رسمی و قانونی هم نداشتند در تجمعات تا حتی ده‌الی پانزده هزار نفری جوانان، پیران و حتی کودکان سفیدپوست مورد مجازات قرار می‌گرفتند و مقامات رسمی اعم از شهردار و پلیس هم صرفاً به نظاره این مراسم می‌نشستند و در مواردی حتّی در این وحشی‌گری مشارکت و همکاری هم می‌نمودند. لینچ کردن بردگان و سیاه‌پوستان شامل مواردی چون تجاوز دسته‌جمعی، اعدام و قطع کردن اعضای بدن و کشتن به طرّقی زجرآور بود. امروزه لینچ کردن در همه ایالات امریکای شمالی به عنوان یک جنایت شدید با مجازات مواجه است و دیگر منسوخ شده است و حتّی اخیراً عدّه‌ای از محقّقین و تاریخ‌نگاران غربی به بازخوانی این مراسم غیرانسانی و نقد این برهه‌ی سیاه‌تاریخ امریکای شمالی پرداخته‌اند و از آن اظهار تأسّف و شرمندگی نموده‌اند. امّا ای کاش این بیداری وجدان مردم

امریکای شمالی با تأخیری بیش از يك صد سال شکل نمی گرفت و در موقع مناسب ایجاد می شد تا از لینیچ شدن حدود 5000 انسان عمدتاً سیاه پوست و بی گناه جلوگیری می نمود.

### (16). جلوگیری از شکل گیری آگاهی عمومی:

یکی از شعارها و ادعاهای رسانه های غربی، جریان آزاد اطلاعات و گسترش آگاهی و زمینه سازی برای دسترسی همگان به اطلاعات مورد نیاز است. فعالیت صدها شبکه ی تلویزیونی به زبان های مختلف و با سرمایه گذاری کلان مادی برای شکل دهی به ذهنیت جوامع و تأسیس ده ها شبکه برای مخاطبان غیرغربی - و به خصوص ایرانی - نشان دهنده ی تلاش رسانه ای غرب برای انتقال اطلاعات و القای مفاهیم موردنظر خود می باشد. این پرسش اساسی مطرح است که در این رسانه ها تا چه حدی حقایق اسلامی به مخاطبان منتقل می شود؟ آیا فرصت و فضای برای بیان مبانی، دیدگاه ها، مواضع و اصول اسلامی برای دانشمندان و متفکران اسلام فراهم می گردد؟ آیا موضع بی طرفانه و آزاداندیشانه ای برای تبیین فرهنگ و اندیشه اسلامی اتخاذ می شود؟ آیا در حال حاضر این رسانه ها با ارائه ی تحلیل های سخیف و مغرضانه، و یا با عبور از مباحث اساسی و مهم، مانع شکل گیری آگاهی صحیح درباره ی اسلام نمی شوند؟ چرا علی رغم ادعای آزادی بیان و آزادی نشر اطلاعات، اجازه نمی دهند جوان و اندیشمند غربی بصورت مستقیم با حقایق اسلامی آشنا شود؟ تجربه های دهه های گذشته نشان می دهد که در غرب، تلاش سازمان یافته ای وجود دارد که مانع شکل گیری آگاهی صحیح نسبت به اسلام و مسلمانان است. (1)

ص: 63

---

1- ر. ک: ادوارد سعید، پوشش خبری اسلام در غرب، ترجمه عبدالرحیم گواهی

بررسی های تاریخی نشان می دهد دولتمردان غربی حاق هویت جوامع خود را با بازنمایی «دیگری» به مثابه يك دشمن، شکل داده و بازآرایی می کنند. به طور کلی مبارزه جویی علیه جهان اسلام عامل مهمی در شکل گیری اروپای غربی و ایده «غرب» بود. واژه ی «اروپاییان» برای اولین بار در قرن هشتم و در اشاره به پیروزی شارل مارتل بر قوای مسلمانان در تور ظاهر شد. اروپایی ها در برابر دشمن خارجی خودآگاه تر شدند و خودآگاهی موجب انسجام شد. تثبیت هویت ایدئولوژیک غرب مسیحی در آن منازعات شکل گرفت که در طی آن کشورهای غربی به رغم تفاوت های داخلی بسیار، به تدریج شروع کردند به این که خودشان را جزئی از خانواده یا تمدنی واحد معین «غرب» تلقی کنند و البته پایان نمادین این فرایند را بیانیه سال 1458 پاپ پیوس سوم مبنی بر یکی انگاشتن اروپا با قلمرو مسیحیت در نظر گرفت. (1) طی قرن ها، مفاهیم «اروپا» و «مسیحیت» عملاً یکی بودند. هویت فرهنگی اروپا و آنچه تمدن اروپا را متمایز و یگانه می کرد در وهله ی اول، اساساً دینی و مسیحی بود. سرانجام در اثر تحولات داخلی و خارجی، ایده «اروپا» تعریف دقیق تر جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی به دست آورد و اروپا و غرب هویت سکولار یافت.

هویت غرب به مفهوم مدرن و سکولار امروزی خود نیز بسیار متأثر از عنصر دشمنی با «دیگری» بود. مواجهه با دنیای جدید عملاً این هویت جدید را تقویت کرد. عصر استعمار، هویت اروپایی را تغییر داد و یا شاید به تعبیری به دلیل آماده شدن زیرساخت های ذهنی استعمار، هویت غرب تغییر کرد و از هویت مسیحی خود فاصله گرفت و سکولار شد. حقیقت آن بود که با هویت مسیحی نمی شد به راحتی استعمار کرد و دست اروپایی ها را برای بسیاری از مسائل می بست ولی با هویت رومی - یونانی شده و هویت سکولار، زمینه ی

ص: 64



ذهنی عصر استعمار مهیا گردید. در واقع در عصر روشنگری، میراث یونانی - رومی بیش از آنچه بود، مهم جلوه داده شد. واقعیت آن است که به آن میزان آن قدر یونان و روم باستان برای اروپای جدید مهم نبود.

«گذشته گرایی» اروپای روشنگری برای هویت جویی بود و در این فرآیند دشمنی به نام «شرق» و مهم ترین مظهر آن یعنی «اسلام»، در راه خودشناسایی و بازسازی هویتی غرب، مورد نیاز بود. علاوه بر اسلام هراسی، رویکرد استعماری غرب پس از دوران افول امپراتوری ها نیز به نوع دیگری استمرار یافت و امروزه به مرور استعمارگری به درون مرزهای داخلی اروپا و غرب کشیده شد. برخورد تبعیض آمیز با مهاجران و اقلیت های قومی و نژادی نه تنها بر علیه مسلمانان (اسلام هراسی و مسلمان ستیزی) بلکه علیه «دیگران» اروپایی نیز وجود دارد. همین امروز در اروپا، شهروندان اروپای شرقی با مسائلی مواجه می شوند که آنها را به این نتیجه می رساند که وطن آن ها چندان هم غربی و اروپایی نیست و کشورهایی چون آلمان، فرانسه و انگلستان، «اروپای اروپایی»<sup>(1)</sup> اند. به اذعان بسیاری از نخبگان غربی، ذات هویت غربی با «دیگر سازی» و «دیگر ستیزی» شکل گرفته است.

اسلام هراسی، در دنیایی که به همگرایی و جهانی شدن شهره شده است، کارکردی استراتژیک برای حفظ مرزهای هویتی غرب دارد. علاوه بر این، غرب امروز، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با گفتمان اسلام ناب مواجه است که با برخورداری از پشتوانه ی عقلانیت و منطق، مبانی نظری غرب را به چالش می کشد و در برابر آن به عنوان رقیب جدی فکری و گفتمانی قد علم کرده است. قدرت های بزرگ به این مسئله پی برده اند که برای کند کردن و در نهایت متوقف کردن گسترش اسلام گرایی باید شناخت اسلام را مدیریت کنند. از دو طریق این شناخت مدیریت می شود. اول از طریق اسلام هراسی رسانه ای، دوم از طریق اسلام سازی با عنوان گسترش

ص: 65

اسلام معتدل یا میانه رو (1). هر دو پروژه با هدف ضربه زدن به اسلام به عنوان سر منشأ مقاومت و استکبارستیزی پیگیری می شود. به نظر می رسد که مخاطب اصلی مدیریت شناخت اسلام از طریق اسلام هراسی، غیر مسلمانان و مدیریت از طریق اسلام سازی، مسلمانان باشند. شایان ذکر است نظریه هایی چون «برخورد فرهنگ ها» ی برنارد لويس و «ناهمگونی تمدن ها» ی ریمون آرون (جامعه شناس فرانسوی)، و به ویژه نظریه «برخورد تمدن ها» ی ساموئل هانتینگتون، در شکل گیری پدیده ی اسلام هراسی تأثیر زیادی داشته اند.

## (18). تصویرسازی غلط از اسلام:

### اشاره

مسئله بازنمایی رسانه ای علیه اسلام و مسلمانان پدیده ی عجیب و بسیار قابل تاملی است. در تاریخ دنیا سابقه نداشته است این گونه ابزارهای کاملاً فرهنگی در خدمت اهداف پست سیاسی قرار بگیرد. حجم استفاده از مجاری هنری برای القاء دشمنی و واژگون نمایی حقایق دنیا يك پدیده ی بی نظیر در تاریخ دنیا محسوب می شود. در بسیاری از مواقع در فضای رسانه ای غرب، آنچه که مورد حمله قرار میگیرد نه «مسلمان» است و نه «اسلام»، بلکه تصویر دلخواه غربی از «دیگران» است که تقبیح می شود. به طور مثال تتوون گوگ، فیلمساز هتاک هلندی، که چند سال پیش توسط يك مسلمان افراطی به ضرب چندین گلوله و سپس با ضربات چاقو از پای درآمد، مسلمانان را «جمعی که با بز رابطه ی جنسی برقرار می کنند» خوانده بود و در فیلم موهن خود زنی مسلمان را به نمایش گذاشت که پشتش پوشیده از آیات قرآن بود. امروزه از هر موضوعی (از تقبیح ختنه کردن گرفته تا تقبیح اسلام سیاسی) برای اسلام هراسی رسانه ای در سطح اروپا و غرب استفاده می شود. اصولاً اسلام هراسی بدون رسانه ها معنا ندارد

ص: 66

وگفتمان اسلام هراسی، آگاهی های غیر واقعی دست کاری شده از اسلام را در غرب ترویج می کند. در واقع اسلام هراسی نوعی از «مدیریت تلقی ها و برداشت ها» است که اکثراً توسط رسانه ها صورت می گیرد.

تصویرسازی غلط از اسلام و اهم اقدامات علیه اسلام را می توان در محورهای زیر ارائه کرد:

### - هتاکی مستقیم رسانه ای به مسلمانان

کاریکاتورهایی که در روزنامه ی یولاندز بوستن دانمارک در سی ام سپتامبر 2005 م منتشر شد در همین مسیر و سیاق قابل تحلیل است. این نشریه 12 کاریکاتور تمسخر آمیز از پیامبر اکرم (ص) منتشر کرد که بسیاری از کارشناسان ارزش هنری آن را بسیار ناچیز و مبتذل دانسته اند. انتشار این کاریکاتورها همراه با مقاله ای از سردبیر این روزنامه بود که وی در آن از هاله ی قداستی که مسلمانان پیامبرشان ایجاد کرده اند، ابراز شگفتی و آن را محکوم کرده بود. وی این کار را نوعی مهمل بافی مستند به جنون عظمت دانسته، مسلمانان را به شجاعت برای اقدام به شکستن این تابو از طریق رسوا ساختن تاریخ تاریک صاحب رسالت اسلامی و نشان دادن حقیقت آن به افکار عمومی جهان فراخوانده است. نیز نگاهی به تعداد و دوره ی زمانی استعمال اسلام هراسی از سوی روزنامه های کشورهای اروپایی نشان دهنده ی نقش جریان رسانه ای رسمی در پیش بردن اسلام هراسی است.<sup>(1)</sup>

تحلیل گران غربی حاضر در رسانه ها نیز به ارائه تفاسیر جهت دار درباره ی اسلام و مسلمین می پردازند. چهره های ضد دین اصالتاً مسلمان، ابزار بهتری برای سیاه نمایی های رسانه های غربی درباره ی اسلام هستند: در هلند آیان حرسی علی زن مسلمان سومالیایی بعد از ارتداد از اسلام و تبلیغ علیه اسلام به یک چهره ی ملی تبدیل شد. نمونه ی دیگر کمترین نیروی

ص: 67

پاکستانی الاصل شعبانہ رحمن بود که عکس های برهنه او منتشر شد در حالی که پرچم نروژ را روی بدن خود کشیده بود و لباس های پاکستانی خود را دور می انداخت. مرکز اروپایی پایش نژادپرستی و بیگانه ستیزی، رسانه های اروپایی را به دلیل استفاده از تصویرسازی ها و کلیشه های منفی و قلمداد کردن مسلمانان به عنوان تروریست و «ستون پنجم» ملامت کرد. (1)

### - بد رفتاری و اقدامات امنیتی - پلیسی در قبال مسلمانان

آلمان: قتل مروه شربینی زن مسلمان مصری در سال 2009 در شهر درسدن آلمان و در داخل دادگاه این شهر توسط يك فرد دارای گرایش های نژادپرستانه و ضدّ اسلامی، نمونه ی بارزی از وضعیت دشوار مسلمانان به ویژه در شهرهای شرقی آلمان بود. نکته ی جالب اینکه افسر پلیسی که برای مداخله وارد اتاق دادگاه شد بلافاصله همسر خانم شربینی را مورد اصابت گلوله قرار داد و ثابت کرد که در اذهان غربی ها مفروض است که در چنین رفتارهایی يك مسلمان متهم است.

فرانسه: در یکی از موارد رشید ارجونی يك مهاجر هفده ساله الجزایری در حالی که روی زمین خوابیده بود از پشت سر هدف گلوله پلیس قرار گرفت. حکم افسری که مسئول این اقدام بود توسط دادگاه تجدید نظر کاهش یافت و این دادگاه مبلغ غرامت به خانواده قربانی را نیز کاهش داد.

انگلیس: در 11 اوت 2005 یعنی کمی بیش از يك ماه بعد از بمب گذاری ها، چارلز کلارك وزیر کشور انگلیس اعلام نمود که 10 مسلمان که به عنوان تهدید علیه امنیت ملی شناخته شده اند از کشور اخراج می گردند. (2)

هلند: يك هفته پس از قتل تئو ون گوک فیلمساز هلندی که فیلمی در اهانت به اسلام ساخته بود، معاون نخست وزیر هلند علیه اسلام به

ص: 68

---

1- . شیر غلامی، 1009:1390

2- . Alan Cowell, 2005:7

اصطلاح افراطی اعلام جنگ نمود. همزمان بیش از 20 مورد حمله علیه مسلمانان در هلند صورت گرفت.

### - توجه به احزاب راست افراطی ضد اسلام

در سال 1999 جنبش آزادی اتریش به رهبری یورگ هایدنر با گرایش های ضد مهاجرت و بیگانه ستیزی مقام دوم را در انتخابات ملی کسب نمود. در ایتالیا دو حزب با تمایلات بیگانه ستیزی در انتخابات 2001 موفق به کسب آراء زیادی شدند. در سال 2002 ژان ماری لوپن چهره معروف ضد مهاجرت فرانسه و رهبر جبهه ملی به دور دوم انتخابات ریاست جمهوری صعود کرد و رقیب شیراک شد.

در سال 2010 پس از انتخابات پارلمانی هلند که راست های افراطی رأی قابل توجهی کسب نمودند دولت ائتلافی شکل گرفت که گرت ویلدرز رهبر راست گرایان افراطی و چهره ی معروف ضد اسلام عضو آن بود. راست های افراطی سوئد هم در انتخاباتی که محور تبلیغاتی شان را تهاجم به اسلام قرار داده بودند توفیقاتی کسب نمودند. بحث های اسلام هراسی در آلمان زمانی اوج گرفت که در سال 2010 تیلو سارازین سیاستمدار و عضو سابق هیأت مدیره ی بانک فدرال آلمان کتاب «آلمان خود را محو می نماید» را منتشر کرد که در آن مطرح نمود از آنجا که مهاجران مسلمان از نظر ژنتیک از هوش کمتری برخوردار بوده و بازدهی و کارایی کمتری دارند آلمان را به سمت تبدیل شدن به ملت کودن ها رهنمون می سازند.

در ماه اکتبر همان سال مرکل صدر اعظم آلمان اعلام نمود که سیاست تکثر فرهنگی شکست خورده است. در فرانسه نیز سارکوزی رئیس جمهور این کشور پیشگام گفتمان اسلام هراسانه بوده و علاوه بر تصویب قوانینی در ایجاد محدودیت برای مسلمانان، با به راه انداختن بحث هویت ملی، بر حساسیت ها در قبال مسلمانان این کشور افزود.

این جریان که با ممنوعیت حجاب دختران مسلمان در فرانسه آغاز شد، در سال های بعد با ممنوعیت ساخت مناره ی مسجد در سوئیس در سال 2009، مخالفت با ساخت مساجد در کشورهای مختلف اروپایی و تصویب قوانین ممنوعیت برقع زنان مسلمان در اماکن عمومی در فرانسه و بلژیک در سال 2011 ادامه یافت.

حزب آزادی گیت ویلدرز در هلند خواهان ممنوعیت قرآن که او آن را با «نبرد من» هیتلر مقایسه می کند و وضع یک مالیات برای «روسری» است.

### **- دلایل و پیشینه**

بی تردید اسلام هراسی یکی از راهبردی ترین موضوعات جهان غرب و دنیای مسیحیت است. این راهبرد فقط نتیجه ی یک دکترین مانند دکترین برخورد تمدن ها نیست، بلکه در یک بستر طولانی تاریخی شکل گرفته و پرورش یافته است. اگرچه تئوری های ناهمگونی تمدن ها از سوی ریمون آرون، جامعه شناس مشهور فرانسوی، یا برخورد فرهنگ ها توسط برنارد لوئیس، اسلام شناس و شرق شناس معروف و اثرگذارترین آن ها، یعنی برخورد تمدن ها از طرف ساموئل هانتینگتن در شکل گیری پدیده ی اسلام هراسی تأثیر عمیق داشته اند، اما دیگر بودگی مسلمین از نظر مسیحیان و برتری انگاری خود که ریشه در آموزه های کلیسا دارد و عامل اصلی اسلام هراسی غربی هاست بیشتر بر تاریخی استوار است که آموزه اش دشمنی قرآن کریم و محمد (ص) با تمدن و آزادی و اینکه اسلام دینی است که نمی تواند پیشرفت کند و دینی غیر اخلاقی، غیر علمی و استبدادی است. اگرچه شناخت مسیحیان و غربی ها از اسلام از رهگذر بیزانس، سیسیل و اندلس را نباید نادیده گرفت، ولی جنگ های دویست ساله مشهور صلیبی بیشترین سهم را در شکل گیری ذهنیت تاریخی پرغلط

مسیحی داشته است و اگر با برخی همراه نباشیم که معتقدند جنگ های صلیبی به هر حال منشاء و موجد تمامی تلقی خصمانه ای است که امروزه در دو جهان مسیحی و مسلمان نسبت به یکدیگر احساس می شود، حتماً می پذیریم که این جنگ ها اوج تجلی خصومت مضموری بود که پیش از آن نسبت به مسلمانان وجود داشت.

از منظر «روانشناسی رسانه ای» باید گفت اسلام هراسی از طریق سوءاستفاده از کمبود اطلاعات شهروندان غربی، ضعف بصیرت رسانه ای و حتی انگیزه ها و ضعف های روانی افراد ممکن شده است. صنعت ترس در رسانه های غربی ریشه در دل مشغولیهای دنیایی شهروندان دارد. رسانه های جمعی غربی ذهن مردم را در برابر دیگران شرطی کرده اند و از تمایلات آنها در این مسیر بهره برده اند. قدرت و کارایی در کنار ضعف و ناکارآمدی معنی می یابد. ضعف درونی و روانی افراد، مبنایی برای قدرت نمایی اسلام هراسانه رسانه های غربی شده است.

«شوارتز» اسلام هراسی را «صنعت واهمه جدید آمریکایی New American Fear Industry» می نامد و در توصیف آن می گوید: «مقوله ی اسلام هراسی میگوید که تروریسم و ارباب گری القاعده محصول بدیهی اصول اسلامی است؛ اینکه اسلام دینی ذاتاً خشن است که جهادیون توسط آن به این سطح از خشونت رسیده اند؛ اینکه تفسیر و تعبیر رادیکال از اسلام تنها تفسیر منطقی و صحیح است؛ و اینکه نتیجتاً مسلمانان يك «دیگر» تهدیدگرند که ارتباط آنها با ایدئولوژی رادیکال بر کسی پوشیده نیست. کتاب ها و دیگر رسانه هایی که در این حوزه مطرح می شوند را می توان سازه های این «صنعت واهمه» جدید آمریکا نام گذاری کرد. اما «اسلام هراسی» يك تصویر ذهنی صرف نیست بلکه دارای تبعات و نتایج عینی است که می توان آن را در واکنش های عملی، اقتصادی و یا اقدامات نظامی غرب مشاهده کرد.

## (19). منافع دولتمردان غربی از اسلام هراسی:

برای مثال وجود مفهومی چون شهادت طلبی، معضلی برای منافع استکبار و مزاحم برنامه های سلطه گرانه آنهاست که امروزه در مقاطعی چون دفاع ملت ایرانیان در برابر تهاجم گسترده صدام و حامیان منطقه ای و غربی او و همچنین مجاهدت های رزمندگان مقاومت حزب الله لبنان در برابر دشمن کودک کش صهیونیستی، کارایی خود را در مقابله با سلطه به خوبی نشان داده است. جبهه ی سلطه، در برابر مفهوم شهادت طلبی، موضوع «انتحار» را پرورش داد و به مشمزنکننده ترین وجه در قالب کشتار بیگناهان توسط عوامل خود اجرا و تبلیغ کرد. در حالی که خداوند متعال مفهوم جهاد و شهادت طلبی را طبق آیه ی 40 سوره ی حج: «وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَادَمَتِ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ» برای دفاع از بشریت و رفع فساد قرار داده و طبق آیه ی 61 سوره ی انفال: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا»، صلح و پایان جنگ را در صورت عقب نشینی مهاجم از تجاوز خود، لازم و ضروری می داند. فرقه سازی های استعماری و فاصله گرفتن آنان از عقلائیّت و منابع اصیل اسلام ناب و تقویت مستقیم و غیرمستقیم این فرقه ها توسط حکومت های دست نشانده غرب، زمینه را برای گسترش این نگرش ها فراهم کرد و امروزه هم همین تلقی ها به عنوان «اسلام» از رسانه های غربی تبلیغ و ترویج می شود.

## (20). شناخت مستقیم از اسلام:

جایگاه آزاداندیشی و تعقل گرایی در اندیشه ی آیت الله العظمی خامنه ای به خوبی در این فراز نمایان شده است. ایشان نظریه پرداز و مهم ترین حامی و هادی مقوله هایی چون «کرسی های آزاداندیشی» در داخل ایران نیز بوده اند و این مسأله را همواره از متولیان امر مطالبه می نمایند. بدیهی است این اندیشه، از سرچشمه معارف ناب اسلامی نشأت گرفته است.



با خواندن قرآن کریم می بینیم که در آیات زیادی خداوند انسان ها را به تفکر، تدبر و تعقل دعوت می نماید. چنانکه در آیات این کتاب آسمانی آمده است: «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (1)؛ «پس بشارت ده به آن بندگان من که به سخن گوش فرا می دهند و بهترین آن را پیروی می کنند». «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (2)؛ همانا ما قرآن را به زبانی گویا و روان نازل کردیم، باشد که به اندیشه ورزی و تعقل پردازید.

آزاداندیشی تلاش فعال عقل آدمی در دریافت حقیقت، گسترش حقیقت و اعمال حقیقت است، لذا، انسان آزاداندیش باید عالم باشد و جویای علم، در پی دریافت حقیقت است؛ چه این جستجو متکی به پذیرش حس و تجربه باشد، چه پذیرش استدلالات عقلانی و چه پذیرش عقل نقلی؛ منطق آزاداندیشی ایجاب می کند که از چارچوب تنگ «عقلانیت ابزاری» خارج و با تکیه بر «عقلانیت انتقادی» در بستری از «عقلانیت تفاهمی» به پیگیری دریافت حقیقت به عنوان اصل اصیل زندگی بیندیشد. آزاداندیشی در گرو دریافت حقیقت و نقد آن از طریق براهین عقلانی است.

در شرایط کنونی که در جهان سعی بر آن است که با القای يك نوع طرز تفکر خاص و جلوگیری از اندیشه ی ناب منافع نامشروع مستکبران تأمین گردد نیاز به نهضتی عمیق مبتنی بر آزادی الهی ضروری است. لیکن این حرکت ارزشمند می بایست در چهارچوب شرایط آزادی باشد در اینجاست که ارزش و جایگاه واقعی اندیشه آزاد و ربانیت این حرکت مشخص خواهد شد و به فرموده حضرت علی (ع) «آن کس که با انجام شرایط آزادی قیام کند شایسته آزادی است و هر کس از مقررات آزادی سرباز زند و در اجرای وظایف کوتاهی کند به بندگی و بردگی بر می گردد» (3) با توجه به این فرمایش گوهر بار مولای متقیان (ع) اگر با رعایت شرایط اندیشه آزاد در مورد آنچه که نتیجه

ص: 73

1- . سوره ی زمر، آیات 17 و 18

2- . سوره ی یوسف، آیه ی 2

3- . غرالحکم و درر الکم، آمدی، صص 43، 58، 428، 484، 517، 546، 732

آن قربت الهی است کوتاهی شود بندگی و حقارت و وابستگی رخ می دهد بنابراین برای رفع استعمار و گسترش عدالت، آزاداندیشی رکن اصلی و عدم توجه به آن موجب وابستگی و بدبختی است.

وابستگی و بندگی دیگران در امور جاری زندگی و رفع نیازهای مادی جامعه نتیجه ی قطعی وابستگی فکری و عدم توجه به آزاداندیشی است زیرا که فکر و اندیشه زیربنای توانمندی يك ملت در تولید است. وابستگی يك کشور آن هم کشوری اسلامی که آزاد آفریده شدن انسان را نعمت الهی می داند جای تأسف و تأمل است، زیرا که به فرموده ی حضرت علی (ع) به امام حسن (ع) آنچه که از سرمایه ی شرافت خود می دهیم هرگز عوضی برابر با آن به دست نمی آوریم (1) و چه سرمایه ای بهتر از فکر و اندیشه الهی که در مسلمانان به برکت ایمان سرشار است و عدم استفاده از این معنا بندگی را در تمام شئون به دنبال دارد و این اتفاق با اصل آفرینش آزاد انسان توسط خداوند متعال در تضاد است پس بر هر مسلمانی است که آن چنان که در امور مادی تلاش می نماید پیش از آن در جهت آزاد اندیشیدن و آزادگی فکری قدم بر دارد همان گونه که امام صادق (ع) می فرمایند: «در راه آزادی نفس خویش کوشش کن همان گونه که در طلب معاش خود مجاهده می کنی» (2).

### (21). پویایی و اثرگذاری اسلام در دنیای امروز:

اندیشه ی ناب اسلامی، در دوران معاصر به رهبری حضرت امام خمینی (ره) و با حمایت مردم، با رویکردی فرهنگی و معنوی، با سرنگون کردن شاه وابسته به غرب، در ایران به حکومت رسید و در مقابل تهاجم همه جانبه ی صدام که مورد حمایت اکثر دولتمردان غربی و دیکتاتورهای غرب آسیا بود مقاومت کرد و حتی يك وجب از خاک ایران طی این

ص: 74

1- . فَأَنَّكَ لَنْ تَعْتَصِ بِمَا تَبَدَّلُ مِنْ نَفْسِكَ عَوْضًا . نهج البلاغه، نامه ی 31، ص 401

2- . مستدرک الوسائل، ج 2، صص 187، 310

تهاجم، از ایران جدا نشد. این کشور با وجود تحریم های به قول دولتمردان غربی «فلج کننده» نه تنها فرونپاشیده، بلکه در علوم مختلف همچون نانو، فناوری صلح آمیز هسته ای، بایو... به بالاترین مدارج رسیده است. هرچند این کشور مشکلاتی (اقتصادی و...) نیز دارد. این پیشرفت های به دست آمده، با وجود انواع تحریم ها، تهدیدها، تحمیل هشت سال جنگ نابرابر، انواع فتنه ها، تشجیع گروهک های جدایی طلب و تکفیری جهت اختلال و همچنین موارد بسیاری از این دست، در سایه عمل به اندیشه ناب اسلامی بوده و خود تنها نمونه ای از پویایی و تأثیرگذاری اندیشه ناب اسلام در دوران معاصر است.

## **(22). گروهک های تکفیری، ابزاری برای اسلام هراسی:**

ایشان با به کار بردن واژه ی «تحت استخدام»، به این حقیقت اشاره نموده اند که تروریست های تکفیری برای مأموریت به کار گرفته شده اند و این مأموریت، این است که با تحریف مفاهیم با ارزش اسلام چون شهادت طلبی و جهاد، مفاهیم جعلی را به عنوان اصول اسلام معرفی نمایند.

دولت های غربی برای به کرسی نشاندن ایده ی جدایی دین از سیاست روی به دین سازی آورده و به مهندسی اسلام به اصطلاح «معتدل» می پردازند. هراس واقعی آنان از اسلام، قدرت آن در به چالش کشیدن نظم جهانی ای است که با محوریت غرب و اندیشه های سیاسی آن به وجود آمده است. از نظر آنان، راهکار برون رفت از این چالش نیز در دامن زدن به شعله های تفرقه در دین اسلام است که از يك سو با حمایت از گروه های افراطی مسلمان در برهه های مختلف چهره ای خشن و ضدّ انسانی از اسلام به نمایش می گذارند و از سوی دیگر با برپایی ساختارهای مذهبی خودساخته سعی در ایجاد تفسیری از اسلام دارند که پتانسیل استکبارستیزی آن را بی اثر کند. نقش رسانه های غربی در این میان بسیار پررنگ است.

پیشینه تکفیر در جهان اسلام، به صدر اسلام باز می‌گردد؛ به این معنی که در برهه‌هایی از تاریخ، گروه‌هایی از مسلمانان، مخالفان خود را کافر نامیده‌اند. واقعه‌ی مهم تاریخی درباره‌ی تکفیر، غائله خوارج است. بسیاری از فرقه‌های خوارج، کسی که مرتکب یکی از گناهان کبیره می‌شد را کافر می‌دانستند. همچنین بعضی از معتزله و اشاعره، مشبّهه را تکفیر می‌کردند. از دیگر مصادیق آن، می‌توان به تکفیر شافعی‌ها از سوی محمد بن موسی (حنفی قاضی دمشق) متوفی 506 ق و یا تکفیر حنابله توسط ابوحامد طوسی (متوفی 586 ق) اشاره کرد. در حوزه‌ی نظری، اندیشه تکفیری در چند قرن گذشته، ریشه در دیدگاه‌های ابن تیمیه دارد و گروه‌های تکفیری، دیدگاه تکفیری خود را از ابن تیمیه وام گرفته‌اند. از این رو، برای فهم دیدگاه تکفیریون، باید ابن تیمیه را نقطه‌ی عزیمت قرار داد. (1)

در قرن دوازدهم با ظهور محمد بن عبدالوهاب در منطقه‌ی نجد، اندیشه‌ی تکفیر، از حوزه‌ی نظر وارد مرحله‌ی عمل شد. در این مرحله، محمد بن عبدالوهاب واژه‌هایی مانند «شُرک» و «کفر» را به سادگی درباره‌ی مسلمانان به کار برد و خون، مال و ناموس آنان را مباح شمرد. کتاب‌ها و رساله‌های اعتقادی وی، لبریز از تکفیر نه تنها عوام مسلمانان، بلکه علمای اسلامی است. محمد بن عبدالوهاب در تکفیر، حتی به مبانی ابن تیمیه نیز وفادار نماند و خون، مال و ناموس مسلمانان را مباح شمرد. وی در «کشف الشبهات» رسماً علمای اسلام را مشرکان زمان نامیده و حکم تکفیر آنان را صادر کرده است. (2)

هرچند بیش از سه قرن از آغاز فتنه‌ی تکفیری‌ها می‌گذرد و در طول این مدت، این جریان با افت و خیزهای فراوانی روبه‌رو بوده است، اما هرگز گذر زمان و تحولات داخلی و خارجی، از رویکرد افراطی این اندیشه نکاسته است.

ص: 76

---

1- . ویژه‌نامه‌ی کنگره‌ی بین‌المللی خطر جریان‌های تکفیری، 2013: 20-23

2- . همان

همچنین شایان ذکر است که می‌بایست میان وهابیت و تکفیر تمایزاتی قائل شد و هر گروه وهابی را نمی‌توان جریان‌ی تکفیری قلمداد کرد. امروزه شاهد آن هستیم که برخی از جریان‌های داخلی وهابیت، در واکنش به واقعیت‌های جهان اسلام و جامعه‌ی خود، به اعتدال روی آورده‌اند؛ البته این گروه‌ها، نتوانسته‌اند بر فضای غالب وهابیت تأثیر بسزایی داشته باشند. از سوی دیگر در ارزیابی وضعیت تکفیر در دوران معاصر باید توجه داشت که در قرن اخیر، جهان اسلام شرایط جدیدی را تجربه می‌کند؛ وجود دشمنان مشترك بزرگی همانند آمریکا و اسرائیل و گسترش موج اسلام ستیزی و اسلام هراسی در غرب و در مقابل، رشد بیداری اسلامی، زمینه‌های همگرایی و تقریب را میان ملل مسلمان فراهم کرده است. همچنین عملکرد بد گروه‌های تکفیری همانند: القاعده، سپاه صحابه، لشکر جهنگوی و حزب التحریر، موجب افول اندیشه‌های تکفیری در جهان اسلام شده است.

روایات اسلامی گواهی بر بطلان مبنای کلامی گروه‌های تکفیری در موضوع ایمان و کفر است و عدم جزمیت عمل در ماهیت ایمان را اثبات می‌کنند. به گفته بخاری، هنگامی که امیرالمؤمنین (ع) مأمور فتح خیبر برای مقابله با توطئه‌گری‌ها شد، پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: «برو، به چیزی توجه نکن که خداوند به وسیله تو دژهای خیبر را فتح کند. امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود: برای چه با آن‌ها مبارزه کنم؟ پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: با آن‌ها مبارزه کن تا هنگامی که شهادت دهند: لا اله الا الله و محمد رسول الله. هرگاه چنین کردند، دگر خون و اموال آن‌ها بر تو حرام است، جز آنکه، حق و حسابی نسبت به خدا بر گردن آن‌هاست. (1)

همچنین با روایات فراوان دیگری مواجه می‌شویم که از مجموع آن‌ها می‌توان به قطعیت رسید که تکفیر مغایر با اصل است و نیازمند دلیل خدشه‌ناپذیر است. به عنوان نمونه، پیامبر (ص) فرمود: «المُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ

ص: 77

لا يظلمه ولا يسلّمه» (1)؛ مسلمان برادر مسلمان است. بدین جهت به او ظلم نمیکنند و او را تسلیم ظالم نمی نمایند؛ و یا: «سَبَابِ الْمُسْلِمِ فَسُوقٌ وَقِتَالُهُ كُفْرٌ» (2)؛ ناسزا گفتن، به مسلمان فسق است و کشتنش کفر است. همچنین: «إِنْ دَمَاءَكُمْ وَأَمْوَالِكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ» (3)؛ همانا ریختن خونهایتان و دستبرد به اموالتان و هتک حرمت آبرویتان بر یکدیگر حرام است؛ و یا: «... وَ مِنْ رَمَى مُؤْمِنًا بِكُفْرٍ فَهُوَ قَتْلُهُ» (4)؛ هرکس، مؤمنی را متهم به کفر نماید مانند آن است که او را به قتل رسانده است؛ و یا در صحیح بخاری آمده است: «مَنْ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اسْتَقْبَلَ قَبْلَتَنَا وَ صَلَّى صَلَاتَنَا وَ أَكَلَ ذَبِيحَتَنَا فَذَلِكَ الْمُسْلِمُ، لَهُ مَا لِلْمُسْلِمِ وَ عَلَيْهِ مَا عَلَى الْمُسْلِمِ» (5)؛ کسی که گواهی به یگانگی خدا بدهد و به سوی قبله ما بایستد و نماز ما را بگذارد و ذبیحه ما را بخورد، او مسلمان است، برای اوست آنچه برای مسلمان است و به ضرر اوست آنچه به ضرر مسلمان است. (6)

از مهمترین گروهک های تکفیری که با حمایت برخی سردمداران غربی، طی سالیان اخیر و با هدف تصویرسازی غلط از اسلام و بهره برداری فریبکارانه از آنها ایجاد شده اند، می توان به گروهک های طالبان، داعش و القاعده اشاره کرد.

### (23). قرآن:

شناختی که از منابع غیراصیل و اصطلاحاً دست دوم یا دست چندم به وجود آمده است، لزوماً نمی تواند شناخت صحیحی باشد و اعتبار آن شناخت و پژوهش را دچار خدشه می کند. برای شناخت دین اسلام

ص: 78

1- . مسند احمد، ج 2، ص 91؛ صحیح بخاری، ج 3، ص 98؛ ج 8، ص 59؛ صحیح مسلم، ج 8، ص 18

2- . نهج الفصاحه، ج 1729، ص 520

3- . شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 9، ص 62

4- . بحار الانوار، ج 69، ص 209

5- . صحیح بخاری، ج 1، ص 109، کتاب الصلاة، باب فضل استقبال القبلة

6- . ویژه نامه ی کنگره ی بین المللی خطر جریان های تکفیری، 1392:20-23

و ابراز دیدگاه و حتی واکنش در مورد آن نیز، رجوع به منابع اصیل و بدون واسطه ضروری است. قرآن کریم و احادیث صحیح پیامبر خدا (ص) و ائمه ی اطهار (ع) در معتبرترین کتب حدیثی - که آن کتاب ها نیز بخشی از اعتبارشان را از اصالت به دست آوردند - منبع شناخت مستقیم و بی واسطه ی دین اسلام می باشند. و هر پژوهش و شناختی از اسلام بدون رجوع به آن منابع نمی تواند بیانگر نظر جامع اسلام باشد. البته با توجه به اینکه قرآن به زبان عربی است استفاده از ترجمه های مناسب و صحیح، نکته ای بدیهی است که لازم است با توجه به وجود ترجمه های نامناسب از این کتاب آسمانی مورد توجه جدی قرارگیرد. ترجمه هایی چون ترجمه قرایی را می توان بهترین ترجمه قابل قبول دانست. هرچند شایسته است ترجمه های به روز مناسب تری از قرآن کریم با همکاری مشترک افراد مسلط به زبان و ادبیات عرب با بومیان فرهیخته کشورها و زبان های مختلف ارائه شود.

در اینجا شاید این پرسش به ذهن برسد که رجوع به قرآن و احادیث بدون علوم مقدماتی برای شناخت جامع و کامل از دین، به دلیل وجود متشابهات و عام و خاص ها و مطلق و مقیدها و... کاری اشتباه باشد و فرد را دچار سردرگمی و تحیر کند و نه تنها شناخت کاملی به فرد نداده است بلکه دچار تناقض ها و تضادهای بدوی در مطالعه ی مستقیم و بی واسطه خود شده است.

اما در جواب باید گفت متشابهات قرآن با محکّمات قرآن جواب داده شده است و خود قرآن، مبین و مفسّر واقعی قرآن را پیامبر خدا و اهل بیت او معرفی کرده است که با مراجعه به احادیثشان، فهم درست از آیه به دست خواهد آمد. مضافاً این که مگر چند آیه از قرآن چنین است که ممکن است برداشت اشتباه و جزئی نگرانه افراد باعث گمراهی و شناخت نادرستشان شود؟

این مشکل ناشی از نگاه جزئی نگرانه و جزیره ای به آیات قرآن است در

صورتی که قرآن يك مجموعه کامل است و کسی نمیتواند نظر قرآن یا اسلام را درباره ی موضوعی بگوید مگر اینکه تمام آیات قرآن اعم مطلق و مقید، عام و خاص، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، ظاهر و باطن و... و روایات معصومین راجع به آن موضوع را خوانده باشد.

به عنوان نمونه نباید آیه ی «فَأَنكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ» (1) را بدون در نظر گرفتن موضوع کلّ آیه و همچنین بدون توجه به آیه ی «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ» (2) مدنظر و مبنای قضاوت قرارداد.

باید توجه داشت که خود قرآن کریم، بر قرائت قرآن و تدبّر مستقیم در آیات آن توسّط همه مخاطبان تأکید و تصریح می کند: فَأَقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ هر قدر می توانید قرآن بخوانید. أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ (3)؛ آیا در قرآن تدبّر و ژرف اندیشی نمی کنند؟! این اعجاز قرآن کریم است که هرکسی مستقیماً با ذهنی صاف و بدون غرض های آلوده و پیش فرض های تحمیلی به آیات حکمت آن مراجعه کند، بقدر ظرف و استعداد علمی و ذهنی خود از این منبع علم الهی بهره برداری می کند. وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ (4)؛ همانا قرآن را برای تذکر و بهره برداری آسان قرار دادیم، آیا کسی هست که یادکننده و فراگیرنده باشد؟!

قرآن کتاب هدایت است و برای عموم مردم نازل شده است و همه مردم به اندازه ظرفیت خود از آن استفاده خواهند کرد. آیات قرآن کریم مملو از مفاهیمی است که دل هر جوان حقیقت طلبی را مجذوب خود می کند. اگرچه بخش زیادی از برداشت اشتباه از اسلام در غرب به دلیل تبلیغات منفی است که دستگاه های تبلیغاتی دولت های غربی با کمک متحجّرین فریب خورده به ظاهر مسلمان انجام داده اند، اما باید بپذیریم که کم کاری

ص: 80

1- . اجازه ی ازدواج با زنان. سوره ی نساء، آیه ی آیه 3

2- . حرمت ازدواج با محارم. سوره ی نساء، آیه ی 23

3- . سوره ی نساء، آیه ی 82

4- . سوره ی قمر، آیات 17 و 32



اندیشمندان و هنرمندان مسلمان در تشویق و ترغیب جوانان حقیقت طلب غربی که تعدادشان اتفاقاً بسیار زیاد است، برای مطالعه قرآن و منابع دست اول اسلامی نیز در این زمینه تأثیر زیادی داشته است. جوان حقیقت طلب غربی اگر به قرآن مراجعه کند در خواهد یافت که اسلام راجع به آزادی بیان چگونه می اندیشد: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ؛ و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد به او پناه ده تا کلام خدا را بشنود (و در آن بیندیشد) سپس او را به محل امنش برسان چرا که آنها گروهی ناآگاهند.» (1) او در خواهد یافت که اتفاقاً معنای جهاد در اسلام، مبارزه با کسانی است که قصد دارند زمینه این گونه آزادی بیان در دنیا را از بین ببرند و نگذارند سخن متعالی اسلام به گوش همگان برسد: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً؛ با آنان بجنگید تا دیگر فتنه ای نباشد.» (2) جوان حقیقت طلب غربی اگر به قرآن مراجعه کند، چگونه مجذوب این کلام خداوند نشود که: «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نًا قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ؛ دشمنی با جمعیتی شما را به ترك عدالت رجع به آنان نکشانند، عدالت پیشه کنید که به پرهیزکاری نزدیکتر است.» (3) فطرت او چگونه این پیام قرآن عزیز را تا عمق جان درك نکند که می فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ؛ بگو: ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم، و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد.» (4) او چگونه می تواند اسلام را دین خشونت بداند و از آن رویگردان شود، زمانیکه این آیه ی شریفه را با خود زمزمه می کند: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ؛

ص: 81

1- . سوره ی توبه، آیه ی 6

2- . سوره ی بقره، آیه ی 193

3- . سوره ی مائده، آیه ی 8

4- . سوره ی آل عمران، آیه ی 64

(به معبود) کسانی که غیر خدا را می خوانند دشنام ندهید، مبادا آنها (نیز) از روی (ظلم و) جهل، خدا را دشنام دهند!»(1)

او چگونه می تواند اسلام را دینی خارج از عقل و منطق بداند، زمانی که انبوه آیات قرآن در دعوت به تعقل، تفکر، کسب علم و آگاهی و مؤاخذه انسان ها از اینکه عقلشان را به کار نمی بندند را ببیند:

«يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (2)؛ «أَفَلَا تَعْقِلُونَ؛ آیا نمی اندیشید؟»(3)؛ «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ؛ آیا آنها در قرآن تدبیر نمی کنند.»(4) جوان پاک طینت غربی چگونه از اسلام رویگردان شود و معنویت را در دینی غیر از اسلام بیابد، زمانی که این آیات امیدبخش و ده ها آیات شبیه به آنها را مطالعه کند: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ آگاه باشید، تنها با یاد خدا دلها آرامش می یابد!»(5) «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ؛ بگو: ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است.»(6) «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسِّرْ لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ؛ و هنگامی که بندگان من از تو در باره من سؤال کنند (بگو) من نزدیکم! دعای دعا کننده را به هنگامی که مرا می خواند پاسخ می گویم، پس آنها باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا راه یابند (و به مقصد برسند)»(7)؛ «وَلَا تَيْأَسُوا مِن

ص: 82

- 
- 1- .سوره ی انعام، آیه ی 108
  - 2- .سوره ی مجادله، آیه ی 11
  - 3- .سوره ی بقره، آیات 44 و 76؛ سوره ی آل عمران، آیه ی 65؛ سوره ی انعام، آیه ی 32؛ سوره ی اعراف، آیه ی 162؛ سوره ی یونس، آیه ی 16؛ سوره ی هود، آیه ی 51؛ سوره ی یوسف، آیه ی 109؛ سوره ی انبیاء، آیات 10 و 67؛ سوره ی مؤمنون، آیه ی 80؛ سوره ی قصص، آیه ی 60؛ سوره ی صافات، آیه ی 138
  - 4- .سوره ی محمد، آیه ی 24
  - 5- .سوره ی رعد، آیه ی 28
  - 6- .سوره ی زمر، آیه ی 53
  - 7- .سوره ی بقره، آیه ی 186

رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُيَاسُّ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ؛ و از رحمت خدا مأیوس نشوید که از رحمت خدا جز قوم کافر مایوس نمی شوند»(1) چگونه این پیام های اخلاقی و ده ها پیام شبیه آن در عمق جان او ننشینند: «وَصَيَّنَّا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا؛ ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند»(2)؛ «وَعَاشِدْرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ و با همسرانتان رفتار شایسته ای داشته باشید»(3)؛ «فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ / وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ؛ یتیم را تحقیر مکن. و فقیر را از خود مران»(4)؛ «وَلَا تَصْعَرَ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ / وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْظُمْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ؛ با بی اعتنایی از مردم روی مگردان، و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد. در راه رفتن اعتدال را رعایت کن، از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد مزین) که زشت ترین صداها صدای خران است»(5)؛ «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا؛ و به مال یتیم - جز به طریقی که بهترین طریق است - نزدیک نشوید تا به سرحد بلوغ برسد، و به عهد (خود) وفا کنید که از عهد سؤال می شود»(6)؛ «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطِ أَلْمَسَةَ بِنَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا؛ پیمانہ ای که با آن جنس را می سنجید به طور کامل پر کنید و با ترازوی صحیح و سالم [که وزن را درست نشان دهد] جنس را وزن کنید چرا که این کار به سود شماست»(7).

آیات سیاسی، آیات اخلاقی، آیات اجتماعی، آیات فردی و آیات احکامی قرآن، هر دل حقیقت طلبی را در مدار جاذبه ی خویش قرار خواهد

ص: 83

- 1- .سوره ی یوسف، آیه ی 87
- 2- .سوره ی عنکبوت، آیه ی 8
- 3- .سوره ی نساء، آیه ی 19
- 4- .سوره ی ضحی، آیات 10-9
- 5- .سوره ی لقمان، آیات 19-18
- 6- .سوره ی اسراء، آیه ی 34
- 7- .سوره ی اسراء، آیه ی 35

داد و او را هدایت خواهد کرد، «أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ» (1) و به فلاح و رستگاری خواهد رساند، «وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (2) حضرت آیت الله العظمی خامنه ای نگران و دغدغه مند فلاح و رستگاری همه ی بشریت است؛ ایشان راه حل را در همان حدیث شریف جستجو می کند که پیامبر اسلام (ص) فرمود: «إِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمُ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّهُ شَافِعٌ مُّشَفَّعٌ وَ مَاحِلٌ مُّصَدِّقٌ؛ هر گاه آشوب ها چون شب تاریک شما را فرا گرفت به قرآن تمسک جویند، زیرا قرآن شفیع است که شفاعتش پذیرفته است. گزارش بدی ها را می دهد و گفته او تصدیق می شود.» (3)

#### (24). سیره ی پیامبر اعظم (ص):

مطالعه ی زندگی پیامبر اسلام (ص) یعنی مطالعه ی رفتار ایشان با خانواده ی خود، عامه ی مردم، دوستان، دشمنان، پیروان سایر ادیان، و حتی سایر موجودات. حضرت آیت الله العظمی خامنه ای با معرفی زندگی نامه ی پیامبر اسلام (ص) در کنار قرآن، خواستند الگویی عملی از آموزه های قرآن کریم به جوانان غربی ارائه دهند و بگویند که آموزه های قرآن کریم، صرفاً تعالیمی انتزاعی و ذهنی نیست؛ بلکه قابلیت اجرا در زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی همگان دارد: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (4)

#### (25). رسانه های صهیونیستی، ابزاری برای فریب:

دولتمردان و سیاستمداران غرب مدعی اند انسان غربی آگاه است، اما آیا با بمباران رسانه ای و هجمه تبلیغاتی، فرصت اندیشیدن در خلوت وجدان را از مردم سلب نکرده اند؟ آیا تمام آنچه از رسانه های رسمی توزیع

ص: 84

1- .سوره ی بقره، آیه ی 5

2- . همان

3- . وسائل الشیعه، ج 6، ص 169

4- . سوره ی احزاب، آیه ی 21

می شود حقیقت است؟ آیا اساساً در رسانه های غربی، برنامه هایی با صبغه ی فکری و با رویکردی آزاداندیشانه مجال طرح دارند؟ بخصوص آیا شبکه های ماهواره ای آنان به زبان فارسی، در صدد القاء اهداف سیاسی سلطه گرانه ی غرب نیست؟ آیا تخریب هویت و فرهنگ اسلامی و ایرانی را هدف قرار نداده اند؟ و پرسش های دیگری که يك انسان منصف با اندك تأملی، به راحتی پاسخ آن را در می یابد.

## (26). نقش اسلام در پیشرفت و تمدن سازی:

دانشمندان و اندیشمندانی چون جابر بن حیّان، خوارزمی، فارابی، رازی، حکیم ابوالقاسم فردوسی، ابن سینا، شیخ طوسی، ابن عربی، خواجه نصیر، مولانا جلال الدین بلخی، خواجه محمد حافظ شیرازی، ابن خلدون، ملاصدرا، شیخ بهایی و علامه مجلسی و... و در دوران معاصر، دانشمندانی چون علامه طباطبایی، امام خمینی (ره)، علامه محمدتقی جعفری، پروفیسور حسابی، مرتضی مطهری، و دانشمندان جوانی که در عرصه های گوناگون، موجب جهش علمی ایران اسلامی شده اند.

در نامه برای اثبات حقیقت اسلام و این که تصاویر ساخته و پرداخته شده درباره ی اسلام از سوی دولت ها و رسانه های غربی، با اسلام همخوان و مطابق نیست، دوگونه استدلال نظری و استدلال عملی مطرح شده است. استدلال نظری معطّمله، دعوت جوانان غربی به مطالعه ی آیات قرآن کریم و زندگی پیامبر اکرم (ص) است که نشان می دهد اسلام با این چهره سازی ها و بازنمایی های غرض ورزانه، هیچ گونه تناسبی ندارد. اما استدلال عملی این است که اگر اسلام بر چنین فرهنگ نامعقول و خشن و عقب افتاده ای که دولت ها و رسانه های غربی مدّعی آن هستند، مبتنی است، چگونه توانسته در طول حدود پنج قرن، بزرگ ترین تمدن علمی و فکری را بنا بگذارد؟! درواقع، این تجربه ی عینی و تاریخی کامیاب و درخشان، کاملاً نمایانگر این

واقعیت است که ارزش ها و درون مایه های اسلام، بسیار عالی و انسانی اند که بر اساس آن ها، چنین تمدنی پدید آمده است. در غیر این صورت، اسلام هرگز نمی توانست چنین تمدنی را به وجود بیاورد.

همچنان که حضرت آیت الله العظمی خامنه ای در نامه ی خویش تصریح کرده اند، ارزش های مندرج در متن معارف و آموزه های اسلام، مسلمانان را در جستوی علم و معرفت برانگیخت تا این که آن ها توانستند بر پایه ی اقتدار فکری و علمی، تمدن اسلامی را پدید آورند. بنابراین، خاستگاه و سرچشمه ی تمدن اسلامی را باید ترغیب قرآن کریم و پیامبر اکرم (ص) به علم اندوزی و تحصیل معرفت شمرد. (1) در قرآن کریم آمده است:

قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (2)؛ بگو آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند، یکسانند؟

در آیه ای دیگر آمده است:

يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ (3)؛ خدا [رتبه] کسانی از شما را که گرویده و کسانی را که دانشمندند، [بر حسب] درجات بلند گرداند.

پیامبر اکرم (ص) می فرماید:

أَكْثَرُ النَّاسِ قِيَمَةٌ أَكْثَرُهُمْ عِلْمًا وَأَقَلُّ النَّاسِ قِيَمَةً أَقَلُّهُمْ عِلْمًا (4)؛ با ارزش ترین مردم کسی است که علمش بیشتر باشد، و کم ارزش ترین مردم کسی است که علمش کمتر باشد. (5)

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

اطلبوا العلم ولو بالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ (6)؛ علم را بجوید، هر

ص: 86

1- . زرین کوب، 1391: 26-28

2- . سوره ی زمر، آیه ی 9

3- . سوره ی مجادله، 11

4- . من لایحضره الفقیه، ج 4، ص 395

5- . محمدی ری شهری، 1390: 32-33

6- . نهج الفصاحه، ح 27، ص 217؛ بحار الانوار، ج 1، ص 180

چند در چین باشد؛ زیرا علم جویی بر هر مسلمانی واجب است.<sup>(1)</sup>

بین مسلمانان قرون نهم تا سیزدهم میلادی، مقیاس داوری درباره‌ی اعتبار و منزلت افراد، تعداد و اهمیت کتاب‌هایی بود که يك فرد داشت. در این دوره، کتابخانه‌های عمومی و شخصی، مثل قارچ سر بر می‌آوردند. در هر شهری، کتابخانه‌ای وجود داشت. در برخی شهرها، کتابخانه‌های متعدّد تأسیس شده بود. مسلمانان می‌توانستند در قرائت خانه‌های این کتابخانه، به مطالعه و تحقیق پردازند و کتاب را به امانت بگیرند. خواجه نصیرالدین طوسی در کتابخانه‌ی رصدخانه‌ی مراغه، تعداد چهارصد هزار جلد کتاب جمع‌آوری کرد. تعداد کتاب‌های برخی از کتابخانه‌ها را تا يك میلیون و ششصد هزار جلد نیز گفته‌اند.<sup>(2)</sup> در کتابخانه‌ی بیت الحکمه بغداد، چهار میلیون جلد کتاب وجود داشت.<sup>(3)</sup>

در بستر تمدن اسلامی و در شاخه‌های مختلف علمی، نخبگان و دانشمندان گوناگونی پرورش یافتند و کاروان علم را پیش راندند: در ریاضی: ثابت بن قره، محمد بن ابراهیم خزاری، ابوکامل، محمد بن موسی خوارزمی، البتانی، ابوبکر محمد بن حاسب کرجی، ابولوفابوزجانی، ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، عمر بن خیّام نیشابوری، ابوالحسن علی بن نسوی، خواجه نصیرالدین طوسی، غیاث‌الدین جمشید کاشانی، شیخ بهاء‌الدین عاملی. در علم نجوم: ثابت بن قره، البتانی، ابن هیثم، عبدالرحمان صوفی، خواجه نصیرالدین طوسی، عمر بن ابراهیم فیاض، محمد بن موسی خوارزمی، الکندی، ابوریحان بیرونی. در فیزیک و مکانیک: ابو محمد کرجی، ابوریحان بیرونی، یعقوب بن اسحاق کندی، موسی بن شاکر، ثابت بن قره، ابوالفتح عبدالرحمن منصور خازنی، ابوحامد محمد بن غزالی. در شیمی: جابر بن حیّان، زکریای رازی، ابوریحان بیرونی، محمد بن اصیل تمیمی، ابن امیل،

ص: 87

---

1- . محمدی ری شهری، 1390: 376-377

2- . هونکه، 1370: 391-393

3- . جرجی زیدان، 1392: 637

صالحی خوارزمی، طغرایبی. در گیاه شناسی و زیست شناسی: رشیدالدین الصوری، ادیسی، ابن الاوان اشبیلی، ابو محمد عبدالله احمد بن بیاطر مالقی، ابوحنیفه احمد بن داوود دستوری، محمد بن محمود بن احمد طوسی. در پزشکی: جابر بن حیان، علی بن رین طبری، ابوبکر محمد بن زکریای رازی، علی بن عباس مجوسی، ابوالقاسم زهراوی، شیخ رئیس ابوعلی سینا، ابن زهر، ابن نفیس، زین الدین اسماعیل حسینی جرجانی، قطب الدین شیرازی، ابو حامد محمد سمرقندی. در جغرافیا: هشام بن محمد کلیبی، یعقوبی، ابوالقاسم محمد بن حوقل، ابوالحسن مسعودی، الزهری غرناملی، ابن جبیر، ابو عبدالله ادیسی، ابو عبدالله یاقوت حموی، ابوالفداء شامی. در تاریخ: ابن الاثیر، طبری، مسعودی، ابن الواضح یعقوبی، ابن عساکر، البلاذری، عبدالرحمن بن خلدون. در اقتصاد: صفوان جمال، ابویوسف یعقوب بن ابراهیم، ابو عبید القاسم بن سلام، ابن یحیی دمشقی. (1)

مونتگمری وات، مورخ شهیر انگلیسی، درباره ی دستاوردهای علمی مسلمانان این پرسش را مطرح می کند که مسلمانان تا چه حد صرفاً انتقال دهنده ی علوم یونانیان بوده اند و تا چه حدی خود، در ساختن و بارور کردن علوم به صورت اساسی سهیم بوده اند؟ او می نویسد بسیاری از محققان اروپایی، مغرضانه به این موضوع پرداخته اند، آن چنان که حتی برخی از محققان اروپایی که مسلمانان را ستایش کرده اند، در اظهار نظرهای تاریخی خود، بی طرف نبوده و تعصب ورزیده اند. (2) زیگرید هونکه می نویسد با وجود این که دنیای اسلام، قرن هاست که پیش روی اروپا قرار دارد، اما شناخت اروپاییان در این باره، کمتر از شناختشان درباره ی تمدن های دیگر است و آن شناخت اندکشان نیز، بیشتر غلط است. این وضعیت، معلول آن نوع تاریخ نویسی غربی است که کارهای بزرگ تمدن اسلامی را، کوچک و عادی جلوه داده و از بیان حقایق درباره ی مسلمانان، صرف نظر کرده

ص: 88

1- . محمد تقی جعفری، 1387: 223-138. بورلو، 1386: 155-143

2- . مونتگمری وات، تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطی، ص 63



است. هونکه اضافه می کند که حتی تاریخ نویسان جدید نیز به این شیوه ی کوچک سازی و سکوت ادامه داده اند. کسی سخنی به میان نمی آورد که در طول قرون وسطی، نزدیک ترین همسایه ی اروپا یعنی مسلمانان، در مدت هشت صد سال، تمدنی بنا کردند که در جهان پیشرو بود. شکوفایی تمدن اسلامی، دو برابر تمدن یونان بود و همین مسلمانان اند که خیلی مستقیم تر و همه جانبه تر از یونان، بر جهان غرب اثر نهاده اند، اما چه کسی از این واقعیت باخبر است و چه کسی در تاریخ از آن یاد کرده است؟! آن چه که تاریخ نویسان اروپایی در مورد نقش هشت صد ساله ی تمدن اسلامی بیان می کنند این است که مسلمانان سبب رساندن گنجینه ی تمدن یونان به اروپا بودند، اما این بیان، فروکاستن نقش مسلمانان است.(1) اروپا با فروکاهیدن نقش مسلمانان به انتقال فلسفه و علوم یونان به اروپا، سهم مستقل تمدن اسلامی را در پایه گذاری علوم، نادیده گرفت. مسلمانان، معلوماتی را که از یونانیان گرفتند، به وسیله ی مطالعات تجربی و عینی، رشد دادند و بسیار پیش بردند، تا آن جا که باید مسلمانان را مبتکر پژوهش های تجربی شمرد. تمدن اسلامی نه تنها میراث یونانیان را از انهدام و فراموشی نجات داد و آن را اسلوب و نظم بخشید و به اروپا داد، بلکه پایه گذار شیمی تجربی، فیزیک، جبر، حساب، زمین شناسی و جامعه شناسی شد. مسلمانان اندیشمند در تمدن اسلامی، کشف های گرانبهای بی شماری در همه بخش های علم تجربی به مغرب زمین هدیه کردند، اما بیشتر این کشفیات را بعدها نویسندگان اروپایی، دزدانه به نام خود ثبت کردند.(2) پس از آن که علوم بیگانه به زبان عربی ترجمه شد، مسلمانان به تحصیل و مطالعه آن علوم مشغول شدند. در ابتدا، مطالعات آنان مشتمل بر شرح و تطبیق و تلخیص بود، اما به تدریج که به کمال علمی دست یافتند، از مرحله ی ترجمه عبور کردند و به تحقیقات مستقل و تکمیل علوم و اصلاح خطایای

ص: 89

---

1- . هونکه، 1370:36-35

2- . هونکه، 1370:419-417

گذشتگان پرداختند. (1) سارتن تأکید می کند کمکی که تمدن اسلامی به علم کرد، منحصر به ترجمه ی متون علمی یونان نبود، بلکه بسیار بیشتر از این بود. دانشمندان اسلامی، فقط واسطه و وسیله ی انتقال علم قدیم نبودند، بلکه خود نوآوری هایی وجود آوردند. او اضافه می کند که آفریدن يك تمدن جدید علمی جهان گیر و بسیار عالی، در مدتی کمتر از دو قرن، چیزی است که می توان از آن یاد کرد، اما نمی توان حق آن را چنان که در خور آن است، به جای آورد. (2)

مونتگمری وات می نویسد ما اروپاییان از نظر فرهنگی، وامدار اسلام هستیم، اما گاهی وسعت و اهمیت نفوذ و تأثیر اسلام را در اندوخته های فرهنگی مان، کوچک می انگاریم و یا حتی انکار می کنیم، اما ما باید اعتراف کنیم که از لحاظ فرهنگی، مدیون فرهنگ اسلامی هستیم. (3) وات بر این باور است که تقریباً از قرن دوازدهم میلادی تا زمان حاضر، تصویر نادرست و تحریف شده از اسلام در اروپا غلبه یافته است. (4) تصویری که از اسلام در اروپای قرون وسطی ساخته و پرداخته شده بود، چنین ویژگی هایی داشت: اسلام، واقعیت را تحریف می کند؛ اسلام از خشونت و شمشیر دفاع می کند؛ مسلمانان، افراطی و زیاده رو هستند؛ پیامبر اسلام (ص) با مسیحیت مخالف است. (5) هنگامی که اروپاییان با پیشرفت های شگفت انگیز مسلمانان روبرو شدند، احساس حقارت در آن ها شکل گرفت. عموماً احساسات اروپاییان غربی نسبت به اسلام، بی شباهت به افراد طبقه ی محروم در يك جامعه نبود. اشاعه ی تصویر تحریف شده از اسلام بین اروپاییان، ضرورتاً برای جبران این احساس حقارت بوده است. (6) در حالی که اروپایی ها در حدود

ص: 90

---

1- . جرجی زیدان، 587:1392

2- . سارتن، 213:1376

3- . وات، 16:1389

4- . همان، ص 124

5- . همان، ص 125-126

6- . همان، ص 140-141

سال هزار و صد میلادی، از علم مسلمانان لذت می بردند، این رشته ها در تمدن اسلامی، در اوج خودشان بودند و اروپایی ها تلاش می کردند تا در حدّ توان، از اندوخته های آنان بهره ببرند. (1) در قرن دوازدهم میلادی، اروپاییان به ترجمه ی وسیع نوشته های علمی مسلمانان رو آوردند. (2) وات با صراحت اعتراف می کند که تأثیر اسلام بر جامعه ی مسیحیت، بیش از آن است که معمولاً معرفی می شود. اسلام نه تنها در تولیدات مادی و اختراعات تکنولوژی اروپا شریک است و نه تنها اروپا را از نظر عقلانی در زمینه های علم و فلسفه برانگیخت، بلکه اروپا را واداشت تا تصویر جدیدی از خود به وجود بیاورد. از آنجا که اروپا بر ضدّ اسلام، واکنش نشان می داد، تأثیر مسلمانان را بی اهمّیت معرفی می کرد و از آن سو در وابستگی اش به میراث یونان و روم، راه مبالغه را در پیش گرفته بود. او اضافه می کند وظیفه ی مهم ما اروپاییان غربی این است که اشتباهات گذشته ی خویش را اصلاح کنیم و به مدیون بودن عمیق خویش به مسلمانان و تمدن اسلامی اذعان نماییم. (3) تمام آثار برجسته ی پزشکان، حتی بزرگ ترین آثار یونان، در مقابل کتاب قانون ابن سینا، ناچیز است. تأثیر وسیعی که این کتاب، صدها سال در شرق و غرب باقی گذاشت، در طول تاریخ علم طب، بی نظیر است. ابن سینا، بزرگ ترین معلم پزشکی اروپاییان در طول هفتصد سال بوده است. (4) در این زمان، در دانشگاه های اروپا، دانشمندی نبود که آزمندانه، دستش را به سوی علوم جدید مسلمانان دراز نکند. این اجباری بود تا هر دانشمندی بتواند کمبودهای علمی خود را جبران کند و از لحاظ علمی، معتبر بماند. در اروپا، حتی يك کتاب نیز وجود نداشت که سرچشمه ی اصلی آن از تمدن اسلامی نبوده و یا از نوشته های مسلمانان، تأثیر نگرفته باشد. (5) راسل می نویسد در

ص: 91

- 
- 1- . همان، ص 81
  - 2- . همان، ص 103
  - 3- . همان، ص 143
  - 4- . هونکه، 291:1370 و 293
  - 5- . همان، ص 309-310

سراسر اعصابی که از تاریکی و نادانی پوشیده بود، فقط مسلمانان بودند که سنت تمدن را پیش بردند و هر معرفت علمی نیز که صاحب نظران غربی در اواخر قرون وسطی کسب کردند، از آنان اقتباس شد. (1) در اروپا تا قرن پانزدهم، سخنی در علم که برگرفته از متفکران مسلمان نبود، مستند شمرده نمی شد. برجسته ترین متفکران اروپا در این دوره، همگی یا شاگرد دانشمندان مسلمان بودند، و یا ناقل سخنان شان. در فلسفه، اندیشه ی آن ها ریشه در نظریات ابن رشد و ابن سینا داشت. مدار علوم دانشگاهی اروپا، تا شش قرن، فقط بر محور کتاب های مسلمانان بود. (2)

### (27). چهره پردازی های سخیف و موهن از اسلام:

اساساً جریان شرق شناسی در غرب و کرسی های به ظاهر علمی شرق شناسی، بستر تحریف حقایق و دستکاری مغرضانه واقعیات بوده است. برخی از مستشرقان از قرن ها قبل در آثار و نوشته های خود مطالب موهن و خلاف واقعی را به اسلام نسبت داده و متأسفانه فضای فرهنگی غرب را علیه اسلام شکل داده اند. (3)

نمونه ای از چهره پردازی های سخیف علیه مسلمانان که توسط رسانه های صهیونیستی در سال های اخیر به آن دامن زده می شود، تصویرسازی از اسلام و تشیع با استفاده از تصاویر قمه زنی است. این در حالی است که چنین اموری در نزد مراجع و علمای طراز اول اسلام از جمله حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مطرود است.

چهره پردازی های غیرمنصفانه و غلط علیه پیامبر اسلام (ص) و حتی همسران ایشان نمونه هایی دیگر از چهره پردازی های موهن و سخیف است. تصویرسازی غلط از اسلام در سینمای هالیوود نیز در راستای اسلام ستیزی

ص: 92

---

1- . برتراند راسل، جهان بینی علمی، ترجمه حسن منصور، ص 24

2- . لوبون، 735:1382

3- . ر. ك: ادوارد سعید، شرق شناسی، ترجمه عبدالرحیم گواهی

و اسلام هراسی است. در برخی فیلم های این سینما، مسلمانان تروریست نشان داده می شوند و این مسأله مطابق با نظریه ی «تصویرسازی» که معتقد است تصاویر مبنای تصمیم گیری قرار می گیرند و واقعیت ها در چارچوب تصاویر معنا و مفهوم می یابند، در شکل گیری ذهنیت و نگرش مردم غرب به اسلام و مسلمانان تأثیرگذار بوده است. در کتاب های درسی برخی کشورهای اروپایی، حقایق تاریخی تحریف شده و با نسبت دادن ویژگی های منفی از قبیل تضييع حقوق زنان و یا دفاع اسلام از برده داری و... چهره حقیقی اسلام تحریف می شود.

## (28). پلی از اندیشه و انصاف بر روی شکاف ها:

برخلاف برخی نگرش های مایوسانه که با استناد به ساختار فرهنگی و رسانه ای حاکم بر غرب، هرگونه تلاش فردی برای تبیین حقایق را محکوم به شکست می داند، از منظر نویسنده ی نامه همین تلاش های فردی نیز می تواند مفید و مؤثر واقع شود. بر اساس آموزه های صریح قرآنی، هر فردی مستقل از جریان کلی حاکم بر جامعه برای شناخت حقیقت و تبیین آن برای دیگران دارای وظیفه و رسالت است و در این مسیر باید بدون هراس و تردید گام بردارد و در اینصورت کمک خدای متعال نیز او را حمایت خواهدکرد. بویژه اینکه بخشی از مخاطبان نامه، جوانان مسلمانی اند که در غرب زندگی می کنند ولی دچار انفعال و انزوا شده و رسالت خود را فراموش کرده اند. اگر همین طیف از مخاطبان، در محیط کار و درس و زندگی خود به وظیفه اسلامی خویش برای تبیین حقایق عمل کنند، موج فعالی در برابر جریان اسلام هراسی شکل خواهدگرفت. این عده باید بدانند که: **الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا**<sup>(1)</sup>؛ کسانی که پیام های الهی را ابلاغ می کنند و از خدا می ترسند و از احدی جز او نمی هراسند

ص: 93

[کارشان محاسبه خواهد شد] و خدا برای حساب کار خلق کفایت می کند.

تلاش برای احقاق حق و تبیین حقیقت، رسالتی همگانی است که بصورت جمعی و فردی باید انجام پذیرد: قُلْ إِنَّمَا أَعْظُمُ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَادَىٰ (1). ای پیامبر، بگو که تنها به یک چیز شما را پند می دهم و آن اینکه برای خدا بصورت دسته جمعی و انفرادی قیام کنید. لذا تلاش های فردی جوانان غربی برای روشنگری و برانگیختن انصاف ها و اندیشه ها می تواند به نوبه ی خود مؤثر باشد. البته شکاف بین فرهنگ حاکم بر غرب با فرهنگ و ارزش های اسلامی، شکاف عمیقی است، اما در عین حال نمی توان و نباید از تلاش های فردی و جمعی ای که برای اصلاح نگرش جامعه ی غربی نسبت به اسلام مفید است، غافل شد. فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (2)؛ هرکس به اندازه اندکی هم کار خیر انجام دهد، [پاداش] آن را می بیند.

## (29). نقش و اهمیت پرسشگری:

رویکرد اصلی نامه، ایجاد پرسش و ترغیب به تفکر و تحقیق درباره ی اسلام در میان مخاطبان است. حضرت امام خمینی (ره) نیز در نامه به گورباچف به تحقیق و تعقل تأکید داشته اند: «... اگر جنابعالی میل داشته باشید در این زمینه ها تحقیق کنید... از شما می خواهم درباره ی اسلام به صورت جدی تحقیق و تفحص کنید.» این رویکرد مشترک و واحد، ناشی از آموزه های اسلامی است که عالمان متعهد را برای احیای روحیه ی حقیقت طلبی و ارجاع مخاطبان به وجدان خود برمی انگیزد و بر اساس رسالت روشنگری عالمان راستین، مجاهدت های علمی و تبلیغی را تشویق می نماید.

ص: 94

---

1- . سوره ی سبأ، آیه ی 46

2- . سوره ی زلزله، آیه ی 7

لزوم نگاه به آینده در باب تعامل غرب و اسلام در این آخرین فراز نمایان شده است. بر اساس برداشت از این نامه حکیمانه و تاریخی، به نظر می‌رسد چشم انداز تعامل مطلوب و ممکن غرب و اسلام در آینده می‌تواند متفاوت از وضعیت کنونی باشد. امید به اصلاح روند موجود در تعامل غرب با اسلام، امید به وجدان‌های بیدار و فطرت‌های پاک و امید به تلاش‌های علمی و کشف تدریجی حقیقت اسلام برای جوانان غربی، ایجاب می‌کند که به آینده امیدوار باشیم و البته این امید از مبانی اسلام سرچشمه می‌گیرد.

می‌توان امید داشت که در آینده شناخت صحیح، جامع و مستند از اسلام در میان مردم غرب به ویژه افشار فرهیخته و جوان، مبتنی و برگرفته از قرآن کریم و سیره‌ی پیامبر اسلام (ص) رشد یابد و برداشت‌های غرض‌آلود، تحریف‌شده و نارسا از اسلام در غرب کم‌رنگ شود. می‌توان امید داشت که نگرش مثبت نسبت به اسلام و مسلمانان و فضای هم‌گرایی و تعامل با آنان در غرب غلبه یابد و حتی نگرش‌ها و باورهای ناب اسلامی در راستای اصلاح فرهنگ رایج و غالب جوامع غربی به کار گرفته شود. می‌توان امید داشت که جوانان غرب با نظام سلطه‌ظالمانه، تبعیض‌آمیز و اغواگر حاکم بر جوامع غربی به مخالفت برخیزند و زمینه‌خیزش جهانی در راستای تحقق عدالت فراهم شود... این همه با آگاهی و مجاهدت جوانان بصیر و هوشمند و مسئولیت‌پذیر ممکن خواهد شد. و بدین سان وعده قطعی الهی مبنی بر غلبه حق بر باطل تحقق می‌یابد که: **وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا. (1)**

ص: 95





1. قرآن کریم.
2. نهج البلاغه.
3. آراسته خو، محمد. (1379). وامداری غرب نسبت به شرق بویژه اسلام و ایران. تهران: مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
4. آوینی، مرتضی. (1390). آغازی بر یک پایان (انقلاب اسلامی و پایان انتظار). تهران: نشر واحد.
5. آوینی، مرتضی. (1392). توسعه و مبانی تمدن غرب (پیشرفت اقتصادی یا تکامل فرهنگی). تهران: نشر واحد.
6. الخشن، حسین احمد. (1391). اسلام و خشونت، (ترجمه ی موسی دانش). مشهد: آستان قدس رضوی.
7. امینی، علیرضا. (1391). بررسی فرصت ها و چالش های ایجاد وحدت در سایه بیداری اسلامی. تهران: نهضت نرم افزاری وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی.
8. بنایی بابازاده، امین. (1391). بیداری اسلامی و تأثیر آن بر معادلات منطقه ای و بین المللی. تهران: نهضت نرم افزاری وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی.
9. بهشتی، محمد. (1390). شناخت اسلام. تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه های شهید آیت الله دکتر بهشتی.
10. بورلو، ژوزف. (1386). تمدن اسلامی (ترجمه ی اسدالله علوی). مشهد: آستان قدس رضوی.
11. پتراس، جیمز. (1387). قدرت اسرائیل در آمریکا (ترجمه ی حمید نیکو). تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور.

12. پرتو، امین. (1391). موانع تحقق اندیشه بیداری اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره). تهران: نهضت نرم افزاری وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی.
13. بیلگر، جان. (1386). دروغ های ساختگی: تحریف جنگ عراق در رسانه ها (ترجمه ی رسول روناسی). تهران: روایت فتح.
14. تیری، میسان. (1382). 11 سپتامبر - دروغ بزرگ (ترجمه ی فریدون نوبهار). تهران: نوبهار.
15. جعفری، محمدتقی. (1390). فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو. تهران: مؤسسه ی تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
16. جعفری، محمدتقی. (1387). علم و دین در حیات معقول. تهران: مؤسسه ی تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
17. جوادی آملی، عبدالله. (1392). اسلام و محیط زیست. قم: مرکز نشر اسراء.
18. جوادی آملی، عبدالله. (1387). آوای توحید (نامه ی امام خمینی (ره) به گورباچف و شرح نامه). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
19. حاجی یوسفی پور، محمود. (1391). روند اسلام گرایی در ساختار سیاسی کشورهای خاورمیانه. تهران: نهضت نرم افزاری وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی.
20. حیدری، عباسعلی. (1391). تأملی بر نهضت بیداری اسلامی. تهران: نهضت نرم افزاری وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی.
21. خامنه ای، سیدعلی. (1391). یازده گفتار پیرامون بیداری اسلامی. تهران: انقلاب اسلامی.
22. دوانی، علی. (1387). سیمای جوانان در قرآن و تاریخ اسلام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
23. ذوعلم، علی. (1392). فرهنگ معیار از منظر قرآن کریم. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
24. راسل، برتراند. (1378). جهان بینی علمی (ترجمه ی حسن منصور). تهران: آگاه.
25. ربیعی، سکینه. (1386). نگاهی به ویژگی های جوانی. مجله ی طوبی. اردیبهشت 1386، شماره 17.
26. رسوایی واترگیت؛ تجلی حاکمیت افکار ماکیاولیستی در میان سیاستمداران آمریکا. مجله ی برخط. باشگاه اندیشه.
27. رضایی، احمد. (1391). آینده نگری بیداری اسلامی. تهران: نهضت نرم افزاری وابسته

28. زابلی زاده، اردشیر. (1393). جنگ روایت‌ها (درگفت‌مان رسانه‌های رقیب). تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیما، ج. 1.1.
29. زارعی نژاد، غلامحسین. (1387). استعمار فرانسه، مجله‌ی معارف، شماره 60.
30. زرین کوب، عبدالحسین. (1391). کارنامه‌ی اسلام. تهران: امیرکبیر.
31. زیدان، جرجی. (1392). تاریخ تمدن اسلام (ترجمه‌ی علی جواهرکلام). تهران: امیرکبیر.
32. زین، هاوارد. (1389). رویای آمریکایی: روایتی دیگر از تاریخ مردم آمریکا (ترجمه‌ی فاطمه شفیعی سروستانی). تهران: هلال.
33. سارتن، جرج. (1376). سرگذشت علم (ترجمه‌ی احمد بیرشک). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
34. سعید، ادوارد. (1389). شرق‌شناسی (ترجمه‌ی عبدالرحیم گواهی). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
35. سعید، ادوارد. (1379). اسلام رسانه‌ها. تهران: توس.
36. سعید، ادوارد. (1377). پوشش خبری اسلام در غرب (ترجمه‌ی عبدالرحیم گواهی). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
37. سماواتی، زهرا. (1383). سلطه‌ی رسانه‌ی صهیونیسم در آمریکا. تهران: عروج.
38. شاکرین، حمیدرضا. (1392). چرا دین؟ چرا اسلام؟ چرا تشیع؟. تهران: دفتر نشر معارف.
39. شفیعی، مصطفی. (1391). آسیب‌شناسی بیداری اسلامی از نگاه امام خمینی (ره). تهران: نهضت نرم‌افزاری وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی.
40. شمس‌الدین، محمد مهدی. (1388). حدود مشارکت سیاسی زنان در اسلام. تهران: بعثت.
41. شیخ‌نوری، محمدمامیر. (1385). نقش غرب در پیدایش و گسترش اختلافات مرزی. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
42. صادقی، علیرضا. (1391). ارتباط فرهنگ دینی و خشونت زدایی در استراتژی بیداری اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای. تهران: نهضت نرم‌افزاری وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی.

43. صفاتاج، مجید. (1387). سینمای سلطه. تهران: سفیر اردهال.

44. صفاتاج، مجید. (1387). صهیونیسم و رسانه. تهران: سفیر اردهال.

45. صمیمی، امیر. (1391). بررسی نقش پیروزی انقلاب اسلامی در تحولات اخیر منطقه خاورمیانه با توجه به دیدگاه حضرت امام خمینی (ره). تهران: نهضت نرم افزاری وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی.

46. طاهری، مهدی. (1388). بازتاب انقلاب اسلامی بر شیعیان لبنان. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

47. طباطبایی، محمدحسین. (1391). تعالیم اسلام. قم: مؤسسه بوستان کتاب.

48. طباطبایی، محمدحسین. (1389). بررسی های اسلامی. قم: مؤسسه بوستان کتاب.

49. طاهری بنچناری، میثم. (1388). فرهنگ و تمدن غرب از دیدگاه امام خمینی (ره). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

50. ماکیاولی، نیکولو. (1393). شهریار (ترجمه ی داریوش آشوری). تهران: آگاه، چاپ چهارم.

51. عاملی، شیخ حر. (1413 ق.). وسائل الشیعه الی تحصیل الشریعه. قم: آل البیت.

52. عباسی، حسن. (1382). جنگ جهانی چهارم و رفتارشناسی آمریکا پس از حادثه 11 سپتامبر. قم: پارسایان.

53. عزیزان، میثم. (1391). روش الگوسازی و الگوبرداری در بیداری اسلامی. تهران: نهضت نرم افزاری وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی.

54. عنان، محمدعبدالله. (1393). صحنه های تکان دهنده در تاریخ اسلام. تهران: بعثت.

55. عیوضی، محمدرحیم. (1391). شناخت ماهیت استعمار فرانسه. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

56. عیوضی، محمدرحیم. (1388). آسیب شناسی انقلاب اسلامی. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

57. فرامرز، مرتضی. (1391). غفلت غربی و بیداری اسلامی. تهران: نهضت نرم افزاری وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی.

58. فرج نژاد، حسن. (1389). خط امام. تهران: آرما.

59. فرج نژاد، محمدحسین. (1387). اسطوره های صهیونیستی سینما. تهران: هلال.

60. قدردان قراملکی، محمدحسن. (1393). پاسخ به شبهات کلامی/خداشناسی. تهران:

61. قدردان قراملکی، محمدحسن. (1393). پاسخ به شبهات کلامی/درباره ی پیامبر اعظم (ص). تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
62. قدردان قراملکی، محمدحسن. (1393). پاسخ به شبهات کلامی/معاد. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
63. قدردان قراملکی، محمدحسن. (1392). پاسخ به شبهات کلامی/ادین و نبوت. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
64. قدردان قراملکی، محمدحسن. (1392). پاسخ به شبهات کلامی/امامت. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
65. قدردان قراملکی، محمدحسن. (1391). پاسخ به شبهات کلامی/عدل الهی. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
66. قدر ولایت، موسسه فرهنگی هنری. (1390). آیات شیطانی. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت.
67. قرائتی، محسن. (1393). سبک زندگی اسلامی براساس تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
68. قطب، سید. (1391). اسلام و صلح جهانی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
69. قمی، محمدتقی. (1389). سرگذشت تقریب یک فرهنگ؛ یک امت. تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
70. کنفرانس تبیین اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی (ره). (1388). تمدن اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی (س). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
71. گابلر، نیل. (1391). امپراتوری هالیوود: مروری بر زندگی خالقان یهودی سینما (ترجمه ی الهام شوشتری زاده). تهران: عابد.
72. لوبون، گوستاو. (1382). تمدن اسلام و عرب (ترجمه ی محمدتقی فخر داعی گیلانی). تهران: دنیای کتاب.
73. محمدطاهری، مهدی. (1391). بیداری اسلامی و ریشه های آن در کلام مقام معظم رهبری. تهران: نهضت نرم افزاری وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی.
74. محدثی، جواد. (1388). اعتدال. مشهد: آستان قدس رضوی.

75. محمّدی ری شهری، محمّد. (1390). علم و حکمت در قرآن و حدیث (ترجمه ی عبدالهادی مسعودی). قم: دارالحدیث.
76. مجیدی، محمدرضا، و صادقی، محمدمهدی. (1393). اسلام هراسی غربی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع)
77. مرتضوی، سید فتاح. (1392). اشخاص و شاخص ها در قرآن کریم. تهران: دفتر نشر معارف.
78. مشکانی، امّ البنین. (1391). بیداری اسلامی و تحولات اخیر شبه جزیره عربستان. تهران: نهضت نرم افزاری وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی.
79. مصباح یزدی، محمّدتقی. (1393). انقلاب اسلامی و ریشه های آن. مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
80. مصباح یزدی، محمّدتقی. (1392). انقلاب اسلامی؛ جهشی در تحولات سیاسی تاریخ. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
81. مودودی، سیدابوالاعلی. (1393). اسلام در دنیای امروز (ترجمه ی احمد فرزانه). تهران: بعثت.
82. موسوی، سید ایوب. (1391). نقش انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی. تهران: نهضت نرم افزاری وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی.
83. منیری، حمیدرضا. (1391). انقلاب اسلامی و احیای کارکردهای دین در عرصه های جهانی و تأثیر آن بر بیداری اسلامی. تهران: نهضت نرم افزاری وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی.
84. نجفی، محمّدسجاد. (1391). گفتمان آیت الله خامنه ای شبکه های مجازی و تغییرات راهگشا در جریان بیداری اسلامی. تهران: نهضت نرم افزاری وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی.
85. وات، مونتگمری. (1389). تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطی (ترجمه ی حسین عبدالحمیدی). قم: مؤسسه ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
86. هونکه، زیگرید. (1370). فرهنگ اسلام در اروپا (ترجمه ی مرتضی رهبانی). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
87. یوسف، عبدالتواب. (1390). قصه های زندگی پیامبر (ص). تهران: مؤسسه بوستان کتاب.

88. یوسفی، بتول. (1391). پژوهشی پیرامون مبانی نظری بیداری اسلامی در قرن اخیر. تهران: نهضت نرم افزاری وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی.

Allen, James. "Musarium:Without Sanctuary:Lynching Photography in America». Retrieved November .89  
.6, 2006. Available at:<http://withoutsanctuary.org>

Lynchings:By State and Race, 1882-1968". University of Missouri-Kansas City School of Law.. 90  
Retrieved July 26, 2010. Statistics provided by the Archives at Tuskegee Institute. Available  
at:<http://law2.umkc.edu/faculty/projects/ftrials/shipp/lynchingsstate.html>. And

see:<http://www.chesnuttarchive.org/classroom/lynchings-table-state.html> 91. South Carolina Code of  
Laws, Title 16 (Crimes and Offenses), Chapter 3 (Offenses Against the Person), ARTICLE 3.  
LYNCHING.Available  
at:<https://web.archive.org/web/20070626025747/http://www.scstatehouse.net/CODE/t16c003.htm>

The Fiery Cage and the Lynching Tree, Brutalitys Never Far Away " at " .92  
<http://billmoyers.com/2015/02/05/isis-brutality-burning-lynching/> and " This is the charred body of Jesse  
Washington and whites from Waco not ISIS burned him alive " at [http://www.rawstory.com/rs/2015/02/this-](http://www.rawstory.com/rs/2015/02/this-is-the-charred-body-of-jesse-washington-and-whites-from-waco-not-isis-burned-him-alive/)  
[is-the-charred-body-of-jesse-washington-and-whites-from-waco-not-isis-burned-him-alive/](http://www.rawstory.com/rs/2015/02/this-is-the-charred-body-of-jesse-washington-and-whites-from-waco-not-isis-burned-him-alive/) and etc

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109





مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

